



وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری
دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

دانشکده علوم و فنون قرآن تهران

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم قرآنی

موضوع:

بررسی تطبیقی فرشتگان و نقش آنها در سعادت انسان در قرآن و عهدین

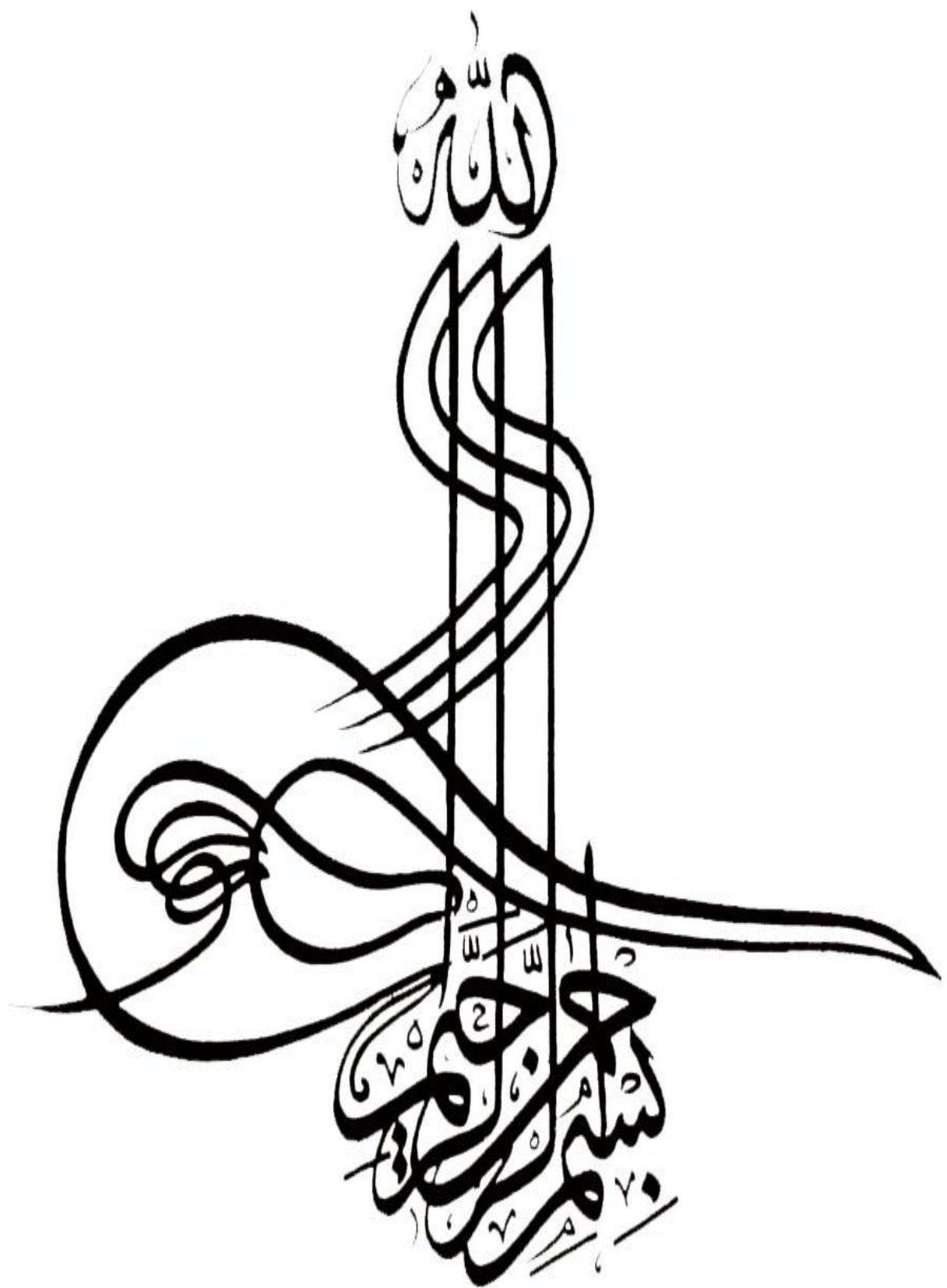
استاد راهنما:

داود کمیجانی

نگارنده:

مسعود همرنگ هزان

خرداد ماه ۱۳۹۲



کلیه حقوق مادی و معنوی این پایان نامه متعلق به
دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم – دانشکده علوم و فنون قرآن تهران
می باشد.

چاپ پایان نامه و استخراج مقاله از پایان نامه باید به نام
دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم – دانشکده علوم و فنون قرآن تهران
با تأیید استاد راهنما و با مجوز معاونت پژوهشی دانشگاه باشد.

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم قرآنی

موضوع:

بررسی تطبیقی فرشتگان و نقش آنها در سعادت انسان در قرآن و عهدین

استاد راهنما:

داود کمیجانی

نگارنده:

مسعود هم رنگ هزان

خرداد ماه ۱۳۹۲

تقدیم

به: پیشگاه ذات احدیت که هستی از او سرچشمه گرفته شده است.

و به: پیشگاه رحمت حضرت محمد- صلی الله علیه و آله- که وجودش واسطه نزول وحی الهی بود.

و به: پیشگاه اهل بیت - علیهم السلام- که میراثدار تعالیم قرآن و پیامبر اکرم- ص- هستند.

و به: همه‌ی پیروان مکتب قرآن و اهل بیت علیهم السلام.

تقدیر و تشکر:

سپاس خدایی را که آفریننده آسمان‌ها و زمین است و فرشتگان را رسولان خود گردانید. بر خود لازم می‌دانم به مصداق: « مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ » مراتب تشکر و قدردانی خود را از همه‌ی اساتید و بزرگوارانی که این جانب را در تدوین این پایان‌نامه یاری کرده‌اند ابراز نمایم. به ویژه از استاد محترم جناب آقای دکتر داود کمیجانی که این تحقیق تحت نظارت و راهنمایی ایشان انجام شد نهایت تشکر را دارم و نیز از زحمات خانواده‌ام به ویژه مادرم عزیزم، که همواره در طول تحصیل، بهترین مشوق، یار و امیدم بودند، نهایت تشکر و قدردانی را دارم، و اجرشان را از حضرت خالق یکتا استدعا دارم.

چکیده

ملائکه دسته‌ای از مخلوقات الهی هستند که در نظام خلقت از اهمیت خاص و جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. یکی از موضوعات مهم ادیان ارتباط بین جهان فیزیک (طبیعت) با جهان متافیزیک (ماورای طبیعت) است که کارگزار این ارتباط فرشتگان هستند.

در این پایان‌نامه ابتدا به مفاهیم فرشته، سعادت، قرآن، عهد قدیم و عهد جدید اشاره شده و در ادامه سعی شده به ماهیت فرشته، ویژگی‌ها، وظایف، و نقش فرشتگان در سعادت انسان در قرآن و عهدین پرداخته شود و در فصل آخر موارد ذکر شده به صورت تطبیقی بررسی و تحلیل شده است. قرآن کریم و عهدین هر دو موضوع فرشته را به طور گسترده بیان کرده‌اند و فرشته را موجودی ماورایی دانسته و آن را مأمور و کارگزار خداوند در جهان می‌دانند که واسطه فیض الهی بر انسان هستند. مشخصه‌ی اصلی اعتقاد اسلامی درباره‌ی فرشتگان به نقش آنها در وحی کتب به انبیا ارتباط دارد. بسیاری از مطالب قرآن و عهدین در خصوص فرشتگان از جمله: عمل سجده‌ی فرشتگان، حمل ارا بهی خدا، عبادت و خدمت به خداوند نزدیک هم هستند. با این وجود، در عهدین در اثر تحریفات مفاهیم جداگانه روح، جن، فرشته در بسیاری از موارد مخلوط شده‌اند. و از وجود فرشتگان نیکو و شریر سخن می‌گوید. در حالی که طبق آیات قرآن کریم همه فرشتگان خوب بوده و می‌فرماید شیطان از نسل جنّ بوده است و اینکه ایمان به ملائکه را در ردیف ایمان به خدا و انبیاء و روز قیامت و کتب آسمانی قرار داده است. همچنین در این پایان‌نامه به این موضوع نیز پرداخته شده که اعتقاد به جود فرشتگان و حضور آنان در تمام لحظات زندگی بشر باعث می‌شود که انسان از اعمال و کردار خود مواظبت کرده و گناه نکند در نتیجه چنین شخصی در زندگی دنیا و آخرت سعادت‌مند خواهد شد.

به طور کلی می‌توان گفت که قرآن کریم در معرفی فرشتگان از جامعیت بیشتری برخوردار است ولی عهدین با توجه به تحریفاتی که در گذر زمان بر آن وارد شده، دارای تناقض گویی‌هایی در خصوص جنس و ماهیت فرشتگان می‌باشد.

کلید واژه‌ها: عهد قدیم، عهد جدید، قرآن، فرشته، سعادت

فهرست مطالب

۱	مقدمه
---	-------

فصل اول: کلیات و مفاهیم

۶	۱-۱. فرشته در لغت و اصطلاح
۷	۲-۱. سعادت در لغت و اصطلاح
۸	۳-۱. معرفی قرآن
۱۱	۴-۱. معرفی عهد قدیم
۱۴	۵-۱. معرفی عهد جدید

فصل دوم: فرشتگان و نقش آنها در سعادت انسان در قرآن

۱۸	۱-۲. ماهیت فرشتگان
۱۸	۱-۱-۲. سیمای ملائکه در قرآن
۱۸	۱-۱-۲-۱. حقیقت ملائکه
۲۳	۲-۱-۱-۲. ذکورت یا انوثة فرشتگان
۲۵	۲-۱-۲. فرشتگان مقرب در قرآن
۳۴	۳-۱-۲. ارزشیابی فرشتگان نسبت به انسان
۳۷	۲-۲. ویژگی‌های فرشتگان
۳۷	۱-۲-۲. عصمت فرشتگان
۴۰	۲-۲-۲. وجود غیر مادی فرشتگان

۴۴	۳-۲-۲. تولی و تبری فرشتگان
۴۵	۴-۲-۲. ماموریت ملائکه
۴۹	۵-۲-۲. دلیل خلقت فرشتگان
۵۱	۳-۲. وظایف فرشتگان
۵۱	۱-۳-۲. فرشتگان کارگزاران خداوند در هستی
۵۷	۲-۳-۲. فرشتگان حامل عرش
۶۱	۳-۳-۲. واسطه فیض الهی بر انسان
۶۴	۴-۳-۲. ملائکه، سفیران وحی
۶۷	۵-۳-۲. فرشتگان امدادگر مومنان
۷۰	۶-۳-۲. فرشتگان محافظ انسان
۷۶	۷-۳-۲. فرشتگان کاتب اعمال انسان
۸۴	۴-۲. تأثیر فرشتگان بر سعادت و سرنوشت انسان
۸۴	۱-۴-۲. تأثیر ایمان به فرشتگان در زندگی انسان
۹۱	۲-۴-۲. نقش ملائکه در تکامل وجودی انسان
۹۳	۳-۴-۲. فرشتگان، مأموران هدایت
۹۴	۴-۴-۲. تعلیم دهنده قوه عاقله انسان
۹۷	۵-۴-۲. اثر متقابل محبت فرشتگان و مؤمنان بر یکدیگر

فصل سوم: فرشتگان و نقش آنها در سعادت انسان در عهد قدیم

۱۰۲	۳-۱. ماهیت فرشتگان
۱۰۲	۳-۱-۱. سیمای فرشتگان در عهد قدیم
۱۰۳	۳-۱-۲. رابطه خداوند با فرشتگان
۱۰۵	۳-۱-۳. ارزشیابی فرشتگان نسبت به انسان
۱۰۵	۳-۱-۴. تعدد فرشتگان
۱۰۶	۳-۱-۵. فرشتگان مقرب در عهد قدیم
۱۰۷	۳-۲. ویژگی‌های فرشتگان
۱۰۸	۳-۲-۱. عصمت فرشتگان
۱۰۸	۳-۲-۲. فرشتگان حامل عرش
۱۰۹	۳-۲-۳. ماموریت فرشتگان
۱۱۰	۳-۲-۴. علم فرشتگان
۱۱۰	۳-۳. وظایف فرشتگان
۱۱۱	۳-۳-۱. فرشته‌ها کارگزاران خداوندی
۱۱۳	۳-۳-۲. فرشتگان محافظ
۱۱۴	۳-۳-۳. فرشته مرگ
۱۱۵	۳-۴. نقش فرشتگان در سعادت انسان
۱۱۵	۳-۴-۱. فرشتگان پیام آور الهی
۱۱۶	۳-۴-۲. فرشتگان راهنمای انسان

فصل چهارم : فرشتگان و نقش آنها در سعادت انسان در عهد جدید

فصل پنجم: جمع بندی بررسی تطبیقی

۱-۵. مقایسه فرشته شناسی قرآن و عهدین

۲-۵. مقایسه ویژگی های فرشتگان در قرآن و عهدین

۳-۵. مقایسه وظایف فرشتگان در قرآن و عهدین

۴-۵. بررسی نقش فرشتگان در سعادت انسان در قرآن و عهدین

نتیجه گیری

جدول (اشتراکات و اختلافات قرآن و عهدین درباره فرشتگان)

منابع

چکیده عربی

چکیده فارسی

مقدمه

ملائکه یا فرشتگان از آفریده‌های خداوند هستند و به ظاهر دور از چشم مادی ما بوده ولی هر یک یا به تنهایی یا جفت جفت و یا گروهی از طرف خداوند مأمور انجام کار خاصی هستند و به رتق و فتق امور می‌پردازند.

قرآن و عهدین علاوه بر معرفی موجودات و نعمت‌های ظاهری و محسوس، از آفریده‌های دیگر خداوند نیز نام برده است. دسته‌ای از این موجودات «ملائکه» هستند که برتر از فکر و اندیشه‌ی ما بوده و در ورای عالم طبیعت و مادی قرار دارند و از سنخ مادیات و جسمانیات نیستند.

برخی از انسان‌ها که در معارف الهی ژرف اندیشی لازم را ندارند و آموزه‌های دینی را با بصیرت کافی فرا نگرفته‌اند، پندار و تصویر صحیحی از حقایق جهان هستی ندارند و در خصوص ملائکه و فرشتگان پندارها و تصوراتی دارند که دور از حقیقت است. اینان ملائکه را با ذهنیت خود ساخته، ترسیم می‌کنند و تمام تلاش خویش را در این جهت قرار می‌دهند تا بر اساس تصور خود ملائکه را تصویر نمایند. از این رو آموزه‌های قرآن و عهدین را در حد اندیشه‌ی مادی زده و در قالب اوهام خویش تفسیر می‌کنند.

با توجه به این مطلب، دغدغه‌ی اصلی و انگیزه‌ی این گفتارها، زدودن تصویرهای باطل، تصورات غلط و اوهام ناروا از دامن این حقیقت شگرف بوده و همچنین ارائه معرفتی صحیح و بصیرتی نافذ در حوزه‌ی یکی از معارف الهی و تشریح و تبیین حقیقت یا حقایقی درباره‌ی این پدیده‌ی مهم و سرانجام، گرفتن درس‌ها و توصیه‌های لازم برای حیات معنوی خویش است.

بیان مسأله

فرشتگان موجودات فرا انسانی هستند که در ادیان مختلف دارای جایگاه شناخته شده‌ای می‌باشند. طبیعت فرشتگان و امور مرتبط با آنان در ادیان و سنن مختلف، متفاوت است. از تعالیم قرآنی و عهدین چنین بر می‌آید که؛ ملائکه دسته‌ای از مخلوقات الهی هستند که از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در نظام خلقت - به ویژه در تدبیر امورات عالم و سرنوشت خیر و شر انسان - برخوردارند. از آنجا که در عهدین مطالب متناقضی وجود دارد از جمله ظاهر شدن فرشتگان بر روی زمین به شکل انسان، که گاهی به صورت مرد و گاهی به صورت زن و زمانی به صورت ارواح و زمانی به صورت ملائکه ظاهر می‌شوند. و فرشتگان نیک و بد دارند. و این که در فرهنگ قرآنی، این موجودات، مقربان درگاه الهی و مسبحان دائمی پروردگار و رسولان الهی‌اند که در تدبیر امور عالم و وساطت در فیض و قبض ارواح، ایفاء نقش می‌کنند. ما در این پژوهش برآنیم تا به بررسی ماهیت، ویژگی‌ها و وظایف فرشتگان در قرآن و عهدین پرداخته و این که ایمان به فرشتگان چه تأثیری در زندگی روزمره انسان دارد؟ و انسان از این نقش آنان چگونه می‌تواند در رسیدن خود به کمال و سعادت بهره‌بردار؟

پرسشهای تحقیقاتی

۱. در عهد قدیم فرشتگان و نقش آنها در سعادت انسان چگونه بیان شده‌اند؟
۲. در عهد جدید فرشتگان و نقش آنها در سعادت انسان چگونه بیان شده‌اند؟
۳. در قرآن فرشتگان و نقش آنها در سعادت انسان چگونه بیان شده‌اند؟
۴. وجوه اشتراک و اختلاف قرآن و عهدین در زمینه فرشتگان و نقش آنها در سعادت انسان در چه مواردی است؟

فرضیه‌ها

- ۱- به نظر می‌رسد در عهد قدیم، فرشتگان به منزله بندگان خدا هستند که دستورات او را در زمین اجرا می‌کنند. یعنی فرشتگان واسطه‌ای بین خدا و انسان هستند.

۲- به نظر می‌رسد در عهد جدید، فرشتگان موجودات خوش‌نهادی هستند که نه تنها به عنوان آشکارکنندگان حقایق الهی عمل می‌کنند؛ بلکه در کمک‌رسانی به انسان‌ها در کسب رستگاری، فیض مخصوص و محبوب وی نیز سود می‌رسانند.

۳- قرآن برای فرشتگان، نقش واسطه بودن برای انفاذ مشیت الهی در خلقت قائل است و ایمان به ملائکه را در ردیف ایمان به خدا و انبیاء و کتب آسمانی قرار داده است.

۴- به نظر می‌رسد در قرآن و عهدین، فرشتگان کارگزاران امور جهان هستند.

پیشینه‌ی موضوع

طی کاوش‌های نگارنده روشن شد که در زمینه کتاب، هیچ اثر مستقلی درباره‌ی موضوع نوشته نشده است. فقط یک کتاب با عنوان فرشتگان اثر علیرضا رجالی تهرانی نوشته شده است. در مورد پایان نامه‌ها نیز با مراجعه به سایت‌های ایران داک، ایسکا، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، مرکز فرهنگ و معارف قرآن و گوگل پایان نامه‌ای با چنین موضوعی که به بررسی تطبیقی فرشتگان و نقش آنها در سعادت انسان در قرآن و عهدین بپردازد یافت نشد. هر چند پایان نامه‌هایی با موضوعات زیر کار شده است:

نقش فرشتگان در نظام هستی از دیدگاه آیات و روایات، رضا گیلانی، کارشناسی ارشد، دانشگاه قم، ۱۳۷۹- فرشتگان از دیدگاه قرآن، عبدقاسم مطهری، کارشناسی ارشد، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۶- نقش فرشتگان در هستی از منظر قرآن، نعمت الله شیخ زاده، کارشناسی ارشد، جامعه المصطفی العالمیه واحد مشهد، ۱۳۹۰- ملائکه در قرآن، سید محی الدین قدسی، کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی فسا، ۱۳۷۸- بررسی فرشته وحی از دیدگاه قرآن و مستشرقان، کارشناسی ارشد، جامعه المصطفی العالمیه، مدرسه عالی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۷- بررسی اوصاف فرشتگان الهی در قرآن، مریم ایوری، دانشکده علوم قرآنی شاهرود- جایگاه فرشتگان (ملائکه) در قرآن، مرضیه بارک بین، دانشکده علوم قرآنی قم- سیمای فرشتگان در قرآن، فاطمه حسینی، دانشکده علوم قرآنی آمل- نقش ملائکه در تدبیر

جهان از منظر آیات و روایات، هاجر عوافی آزاد، دانشکده علوم قرآنی میبد- فرشتگان در دو دین زرتشت و اسلام، ریحانه پیشوایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ۱۳۸۱.

در بخش مقاله نیز مقالاتی با عنوان بررسی ماهیت فرشتگان از دیدگاه ادیان الهی، مرضیه خزعلی، فصلنامه علمی- پژوهشی اندیشه نوین، شماره دوازدهم، بهار ۱۳۸۷- نقش فرشته و پیامبر در وحی از نگاه قرآن و روایات، مصطفی کریمی، مجله معرفت، شماره ۹۶- فرشتگان در قرآن، آیه الله مصباح یزدی، با تلخیص از معارف قرآن، ص ۲۸۳-۲۹۵ نوشته شده است.

هدف‌ها و ضرورت‌ها

یکی از موضوعات مهم ادیان ارتباط بین جهان فیزیک (طبیعت) با جهان متافیزیک (ماورای طبیعت) است. کارگزار این ارتباط فرشتگان هستند. مبانی فرشته شناسی در هر دینی به تقویت ارتباط بین دنیا و ماورای آن و انسان و هستی کمک می‌کند. قرآن، ایمان به ملائکه را در ردیف ایمان به خدا و انبیاء و کتب آسمانی قرار داده است. و این نشانگر اهمیت فرشتگان و نقش آن در سعادت انسان است. هدف این پژوهش آن است که فرشتگان و نقش آنها در سعادت انسان را در قرآن و عهدین بررسی و تحلیل نماید.

روش تحقیق

جمع آوری اطلاعات به صورت فیش برداری بوده و از کتاب‌های دست اول و معتبر استفاده شده است. و با توجه به تطبیقی بودن موضوع، روش تحقیق و تطبیق اطلاعات به دست آمده به صورت تحلیلی می‌باشد.

فصل اول: کلیات و مفاهیم

۱-۱. فرشته در لغت و اصطلاح

فرشته موجودی ملکوتی و ماورایی می‌باشد و گفته شده، هر یک از موجودات روحانی و آسمانی که به تسبیح خدا و اجرای اوامر او مشغولند و به چشم سر آنها را نتوان دید.^۱

فرشته در زبان سنسکریت پریشیته و مرکب از پر و اش به معنی سفیر، در فارسی باستان فرائیشته، در اوستا فرائشته، ارمنی عاریتی و دخیل هرشتک از فرشتک، در فارسی جدید، لهجه شمال ایران فیریشته و لهجه جنوب غربی فیریسته، به سین مهمله. معروف است و به عربی مَلک خوانند.^۲

فرشته موجود آسمانی که دارای سیرت و صورت بسیار زیبا است و دیده نمی‌شود.^۳ همچنین گفته شده، فرشته یکی از مخلوقات خدا، موجوداتی پاک و فرمانبردار که خداوند در عالم امر و اداره امور جهان مأموریت‌هایی به آنها محول فرموده است.^۴

«مَلک» (بفتح میم و لام) و جمع آن ملائکه است اکثر علماء معتقداند که آن از الوک مشتق است و الوک بمعنی رسالت است.^۵

واژه مَلک (فرشته) در قرآن مجید ۱۲ بار به صورت مفرد در سوره‌ها و آیات زیر به کار رفته است: (انعام/ ۸، ۹ و ۵۰؛ یوسف/ ۳۱؛ اسراء/ ۹۵؛ نجم/ ۲۶؛ حاقه/ ۱۷؛ هود/ ۱۲ و ۳۱؛ فرقان/ ۷؛ فجر/ ۲۲؛ سجده/ ۱۱). همچنین ۲ بار به صورت مثنی (ملکین) در سوره بقره/ ۱۰۲ و اعراف/ ۲۰ آمده است و نیز واژه ملائکه با اعراب‌های مختلف ۷۴ بار در قرآن کریم به کار رفته است.^۶

۱. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، امیر کبیر، چاپ ۸، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۲۵۱۸

۲. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷، ج ۱۱، ص ۱۷۰۷۸

۳. عمید، حسن، فرهنگ فارسی، تهران، امیر کبیر، چاپ ۱۶، ۱۳۶۲، ص ۷۶۴

۴. رضایی، محمد، واژه‌های قرآن، ترجمه فارسی، تهران، انتشارات مفید، چاپ دوم، ۱۳۸۶

۵. قرشی، علی اکبر، پیشین، ج ۶، ص ۲۷۵

۶. عبدالباقی، محمد فؤاد، المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم، قاهره، دارالکتب المصریه، ۱۳۶۴ه.ش

«Angel»: فرشته، ملک، فرستاده خدا، رسول، پیک، شکل فرشته (زن بالدار).^۱

کلمه فرشته «Angel» (واژه عبری Malakh و یونانی Angelos) به معنی «پیام آور» است.^۲

در قاموس کتاب قدس در باره فرشته چنین آمده است:

«این لفظ در عبری و یونانی و فارسی مشتق از فرستادن و به معنی فرستاده شده، می‌باشد؛ و در متی ۱۱: ۱۰ و لوقا ۷: ۲۴ نیز به همین طور ترجمه شده است. غالباً به رسول یا پیغمبر رسمی تفسیر شده، چنانکه در ایوب ۱: ۱۴ و اول سموئیل ۱۱: ۳، لوقا ۹: ۵۲، و در اشعیا ۲۴: ۱۹ و حجتی ۱: ۱۳ به پیغمبر و در غزل‌های سلیمان ۵: ۶ و ملاکی ۲: ۷ به کاهنان ترجمه شده است و حتی به اجسام خادم نیز اطلاق شده است. مزامیر ۷۸: ۴۹ و ۴: ۴ و ۱۰: ۴، دوم قزنتیان ۱۲: ۷.

و مسیح نیز به همین معنی رسول عهد و فرشته اعظم خوانده شده است، ملاکی ۳: ۱ و خادمان انجیل مسیح نیز چون سرکاران یا فرشته کلیسا خوانده شده‌اند، مکاشفه یوحنا ۲: ۱ و ۸: ۱۲ و غیره.

عموماً این لفظ در کتاب مقدس قصد از جمعی از موجودات عاقله و اعلی درجه‌تر از انسان است که در بارگاه حضرت اقدس الهی حاضر، و ایشان رسولان و پیامبران او می‌باشند و قضای امورات دنیویّه و اجرای اراده اشخاص و بنی نوع انسان موکل به عهده ایشان است. متی ۱: ۲۰ و ۲۲: ۳۰، اعمال رسولان ۷: ۳۰ و غیره.^۳

۲-۱. سعادت در لغت و اصطلاح

«سعادت» به معنی خجسته، مبارک، نیکبختی، یُمن، نقیض نحس.^۴

۱. آریانپور، عباس، فرهنگ کامل جدید انگلیسی، تهران، امیر کبیر، ۱۹۹۶م، ج ۱، ص ۲۳۵
۲. دایره المعارف کتاب مقدس، ترجمه و تألیف: بهرام محمدیان ... (و دیگران)، تهران، روزنو، ۱۳۸۰، ص ۶۴۵
۳. هاکس، جیمز، قاموس کتاب مقدس، تهران، انتشارات اساطیر، چ اول، ۱۳۷۷، ص ۶۴۷
۴. عمید، حسن، پیشین، ص ۶۱۹

سعادت اخروی آن است که هر نفسی باقی بماند تا ابدالابدین بر بهترین حالات خود، و سعادت دنیوی عبارت از این است که هر موجودی باقی بماند بر طولانی ترین زمان ممکن بر بهترین حالا ممکن و تمامترین نتایج.^۱

سعادت در انسان که موجودی است مرکب از روح و بدن عبارت است از رسیدن به خیرات جسمانی و روحانی‌اش، و متنعم شدن به آن.^۲ به عبارت دیگر: بهره برداری صحیح از نیروهای مختلف مادی و معنوی که در اختیار انسان است.^۳ پس تعریف اسلام از سعادت « خیر و شادی دائم در دنیا و آخرت » است.^۴

سعد و سعادت به معنی نیکبختی است چنانکه شقوة و شقاوت به معنی بدبختی است.^۵ گفته شده، سعد و سعادت آنست که کارهای الهی انسان را در رسیدن بخیر یاری کند. ضد آن شقاوت است.^۶

این کلمه فقط دو بار در کلام الله آمده است.^۷ «يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلَّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ... وَأَمَّا الَّذِينَ سَعِدُوا فَمِنَ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا...» هود: ۱۰۵ و ۱۰۸.

۳-۱. معرفی قرآن

«قرآن» (Quran)، کتاب مقدس مسلمانان جهان است، و متون آن حاوی اصول بنیادین اعتقادات اسلامی و ترسیم کننده «جهان بینی» و «ایدئولوژی» دین اسلام می‌باشد، لذا

۱. معین محمد، پیشین، ج ۲، ص ۱۸۸۴

۲. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: محمد باقر موسوی همدانی، قم، حوزه علمیه، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۲۱

۳. مکارم شیرازی، ناصر، زندگی در پرتو اخلاق، قم، انتشارات سرو، چاپ ۸، ۱۳۸۹، ص ۲۴

۴. عبدی، حمزه، سعادت و شادکامی از دیدگاه اسلام، قم، دارالحديث، ۱۳۹۱، ص ۱۹

۵. قرشی، علی اکبر، پیشین، ج ۳، ص ۲۶۷

۶. راغب اصفهانی، حسین ابن محمد، المفردات فی الفاظ القرآن الکریم، بیروت، دارالعلم، چ اول، ۱۴۱۲ه.ق، ص ۴۱۰

۷. عبدالباقی، محمد فؤاد، پیشین، ص ۳۵۰

در میان مسلمانان از جایگاه کاربردی مهمی برخوردار بوده و اعتبار و مرجعیت خاصی دارا می‌باشد. این احترام و حُجَّت امری فراگیر بوده و در بین تمام فرق اسلامی (کم و بیش) مشترک است، چنانکه آیات آن، مورد تکریم و تقدیس تمامی ملل اسلامی می‌باشد. قرآن در ابتدای گردآوری، تحت عنوان «مُصْحَف» یعنی نوشته‌ای که به شکل صفحات می‌باشد، نامیده شد اما پس از مدت کوتاهی، به «قرآن» تغییر نام یافت و همچنان باقی ماند. این نام لفظی عربی است و از ریشه «قَرَأَ» و به معنی «خواندن» می‌باشد.^۱

قرآن وحی‌نامه اعجاز آمیز الهی است که به زبان عربی، به عین الفاظ توسط فرشته امین وحی جبرئیل، از جانب خداوند و از لوح محفوظ، بر قلب و زبان پیامبر (ص) در مدت ۲۳ سال نازل شده و حضرت (ص) آن را بر گروهی از اصحاب خود خوانده و کاتبان وحی (از میان اصحاب) آن را با نظارت مستقیم و مستمر حضرت نوشته‌اند.^۲ قرآن دارای ۱۱۴ سوره و کلاً ۳۰ جزء است و هر جزئی ۴ حزب می‌باشد.^۳

قرآن کتابی است مشتمل بر تعداد نسبتاً زیادی از جملات وحی الهی بنام «آیه»، که تعداد آن را بین ۶۲۳۶ تا ۶۶۶۶ عدد شمارش نموده‌اند.^۴ کلام قرآن و گویش آن کاملاً با کُتب مقدس (عهد قدیم و جدید) متفاوت است، چون تمامی عبارات آن کلام مستقیم خداوندی است و هیچ یک از عبارات آن از گوینده دیگری جزء خداوند دلالت نمی‌کند. حتی داستان‌های نقل شده در آن را نیز خداوند شرح می‌نماید. کلام آن یکپارچه و از سبک واحدی برخوردار می‌باشد.

نام و معانی فارسی سوره‌های قرآن مطابق با ترتیب تدوین‌شان در قرآن عبارتند از:^۵

۱. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ ششم، ۱۳۷۱ ه. ش، ج ۲، ص ۲۶۲

۲. خرّمشاهی، بهاء‌الدین، قرآن پژوهی (هفتاد بحث و تحقیق قرآنی)، تهران، انتشارات ناهید، ۱۳۷۶

۳. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، تهران، امیر کبیر، چاپ نهم، ۱۳۸۹، ص ۵۴۳

۱. البته اختلافی که در ذکر تعداد آیات دیده می‌شود از کم یا زیاد شدن آیات در نسخه‌های قرآن نیست، بلکه به دلیل تفاوتی است که حافظان و کاتبان دوران مختلف قرآن در تقسیم جملات و شماره گذاری آنها داشته‌اند. (حجتی، محمد باقر، پژوهشی در تاریخ قرآن، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۰ ش، ص ۷۰)

۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب اسلامیة، ۱۳۷۴، ابتدای تفسیر هر سوره

	نام سوره	معنای فارسی	ش	نام سوره	معنای فارسی
۱	فاتحه الكتاب	آغازکننده قرآن	۵۸	المجادله	بحث نمودن
۲	البقره	گاو قوم بنی اسرائیل	۵۹	الحشر	اجتماع
۳	آل عمران	خاندان عمران نبی	۶۰	المتحنه	امتحان
۴	النساء	زن	۶۱	الصف	ستون نیرو
۵	المائده	نعمت آسمانی	۶۲	الجمعه	روز جمعه
۶	الانعام	چارپایان اهلی	۶۳	المنافقین	افراد منافق
۷	الاعراف	نام جایگاهی در آخرت	۶۴	التغابن	خسران بردن
۸	الانفال	اموال عمومی	۶۵	الطلاق	جدای زن و شوهر
۹	التوبه (برائت)	بازگشتن - دوری	۶۶	التحریم	محروم کردن
۱۰	یونس	یونس نبی	۶۷	المُلک	حکومت
۱۱	هُود	هود نبی	۶۸	القلم	وسیله نوشتن
۱۲	یوسف	یوسف نبی	۶۹	الحاقه	روز حتمی
۱۳	الرعد	رعد و برق آسمانی	۷۰	المعارج	سلسله مراتب صعود
۱۴	ابراهیم	ابراهیم پیامبر	۷۱	نُوح	نوح نبی
۱۵	الحجر	شهر قوم ثمود	۷۲	الجنّ	موجود جن
۱۶	النحل	زنبور عسل	۷۳	المزمل	جامع به خود پیچیده
۱۷	الأسراء	سفر شبانه	۷۴	المدثر	جامع خواب پوشیده
۱۸	الکھف	غار (اصحاب کهف)	۷۵	القیامت	روز قیامت
۱۹	مریم	مریم قدیس	۷۶	انسان (الدھر)	انسان (روزگار)
۲۰	طه	حروف مقطعه	۷۷	المرسلات	فرشتگان نازل شونده
۲۱	الانبياء	پیامبران	۷۸	النباء	خبر عظیم
۲۲	الحج	گوشش (اعمال حج)	۷۹	النازعات	راندن و بر کشیدن
۲۳	المؤمنون	ایمان آورندگان	۸۰	عبس	اخم کردن
۲۴	النور	نور الهی	۸۱	التکویر	کدر شدن
۲۵	الفرقان	جداکننده حق از باطل	۸۲	الانفطار	از هم گسیخته شدن
۲۶	الشعرا	شاعران	۸۳	المطففين	کم فروشان
۲۷	النمل	مورچه	۸۴	الانشقاق	شکافته شدن
۲۸	القصص	داستان‌ها	۸۵	البروج	برج‌ها (فلاک) آسمان
۲۹	العنکبوت	عنکبوت	۸۶	الطارق	کوبنده شب هنگام
۳۰	الروم	کشور روم	۸۷	الاعلی	بلند مرتبه
۳۱	لقمان	لقمان حکیم	۸۸	الغاشیه	پوشاندن
۳۲	السجده	سجده بر خداوند	۸۹	الفجر	سپیده دم
۳۳	الاحزاب	گروه‌ها	۹۰	البَلد	سرزمین
۳۴	السیبا	سرزمین سبا	۹۱	الشمس	خورشید

۳۵	الفاطر	شکافته	۹۲	اللَّيْل	شب
۳۶	یس	حروف مقطعه	۹۳	الضحی	خورشید پیش از ظهر
۳۷	الصافات	صفوف فرشتگان	۹۴	الانشراح	دریا دلی
۳۸	ص	حروف مقطعه	۹۵	التین	میوه انجیر
۳۹	الزمر	رانده شده	۹۶	العلق	خون بسته
۴۰	مؤمن (غافر)	مؤمن آل فرعون	۹۷	القدر	ارزش
۴۱	فصلت	تفصیل مطالب (سجده)	۹۸	البینہ	دلیل روشن
۴۲	الشوری	مشورت نمودن	۹۹	الزلزله	زلزله آخر الزمان
۴۳	الزخرف	زیور و تجملات	۱۰۰	العادیات	دوندگان نفس نفس
۴۴	الدخان	دود آشکار	۱۰۱	القارعه	حادثه کوبنده
۴۵	الجاثیه	به زانو در آمده	۱۰۲	التکاثُر	افزون طلبی
۴۶	الاحقاف	سرزمین قوم عاد	۱۰۳	العصر	زمان
۴۷	محمد	محمد رسول الله	۱۰۴	الهمزه	فرد عیب جو
۴۸	الفتح	پیروزی	۱۰۵	الفیل	فیل - سپاه آبرهه
۴۹	الحجرات	اتاق‌ها	۱۰۶	القريش	خاندان قریش
۵۰	ق	حروف مقطعه	۱۰۷	الماعون	چیز کم
۵۱	الذاریات	بادهای باردار	۱۰۸	الکوثر	خیر کثیر
۵۲	الطور	کوه طور	۱۰۹	الکافرون	انکارکنندگان حق
۵۳	النجم	ستاره (شعراى یمانی)	۱۱۰	النصر	پیروزی
۵۴	القمر	کره ماه	۱۱۱	المسد (تبت)	شاخه تاییده شده
۵۵	الرحمان	خداوند رحمت کننده	۱۱۲	الإخلاص	ایمان پاک
۵۶	الواقعه	حادثه قیامت	۱۱۳	الفلق	سپیده دم
۵۷	الحديد	آهن (سلاح)	۱۱۴	الناس	مردم

۱-۴. معرفی عهد قدیم

«عهد قدیم» (Old testament)، مجموعه ای از ۳۹ کتاب تاریخی دینی است که توسط بزرگان قوم «عبری نژاد» بنی اسرائیل در طول قریب ۱۰۰۰ سال نگاشته شده است. این کتاب‌ها ترسیم کننده فرهنگ کهن قوم یهود است که در طول قرون متمادی به زبان عبری نگاشته و مدوّن گردیده است.^۱ عهد قدیم نامی است که مسیحیان در مقابل عهد جدید

۱. ارنست هیوم، رابرت، ادیان زنده جهان، مترجم: عبد الرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی،

چاپ اول، ۱۳۶۹ه.ش، ص ۱۷۳

به کتاب یهودیان داده اند این عهد که شامل تورات و دیگر کتب انبیای بنی اسرائیل است، مورد قبول مسیحیان و یهودیان می‌باشد.^۱

مجموعه عهد قدیم دربردارنده ۳۹ کتاب (سفر) است که همگی از کتب مقدس «عبرانی» می‌باشد، این کتاب‌ها هر یک دارای عنوان خاصی بوده و به موضوع خاصی می‌پردازد. این مجموعه کتب به سه گروه تفکیک شده‌اند.

۱. مجموعه کتب تورات مشتمل بر ۵ کتاب (سفر)

ردیف	نام فارسی	نام عبری	معنی نام عبری	نام انگلیسی
۱	پیدایش	Bereshith	در آغاز	Genesis
۲	خروج	Shemoth	نامها	Exodus
۳	لاویان	Wayiqra	و او فرا خواند	Leviticus
۴	اعداد	Bemidbar	در بیابان	Numders
۵	تثنية	Debarim	کلمات (سخن‌ها)	Deuteronomy

۲. مجموعه کتب کتوبیم مشتمل بر ۱۷ کتاب

در پی مجموعه «تورات»، مجموعه نسبتاً حجیم «کتوبیم» قرار دارد که در حقیقت ادامه تاریخ نگاری تورات و مربوط به تاریخ بنی اسرائیل پس از موسی است. در این کتب، نقل

۱. بوکای، موریس، عهدین قرآن و علم، مترجم: حسن حسینی انتشارات حسینییه ارشاد، بی جا، بی تا

حوادث تاریخی قوم بنی اسرائیل، از فرماندهی «یوشع»، (جانشین موسی) آغاز می‌گردد و تا توصیف دوران «اُیوب» ادامه می‌یابد.^۱

ردیف	نام فارسی	نام عبری	معنی نام عبری	نام انگلیسی
۱	یوشع	Yehoshua	یوشع (جانشین موسی)	Joshua
۲	داوران	Shofetim	حُکام	Judges
۳	روت	Ruth	روت (جدّه عیسی)	Ruth
۴	سَمُوئیل ^{۱ و ۲}	Shemuel	شِموئیل نبی	Samuel ۱ & ۲
۵	پادشاهان ^{۱ و ۲}	Melakim	مَلک‌ها (پادشاهان)	Kings ۱ & ۲
۶	تواریخ ایام ^{۱ و ۲}	Dibre Hayamin	تاریخچه وقایع	Chronicles ۱ & ۲
۷	عزراء	Ezra	عزرائی کاهن	Ezra
۸	نَحْمِیا	Nehemyah	نام ساقی آردشیر ساسانی	Nehemiah
۹	اَسْتَر	Ester	نام مَلِکَه یَهُودِی خَشایار شاه	Esther
۱۰	اُیوب	Iyyob	اُیوب پیامبر	Job
۱۱	مُزَامِیر (داود)	Tehillim	نیایش و پرستش	Psalms
۱۲	اَمثال	Mishle	ضرب‌المثل حکیمانه	Proverbs
۱۳	جامعه	Koheleth	واعظ (موعظه‌کننده)	Ecclesiastes
۱۴	عَزَلْ عَزَلْها	Shir Hshirim	شعر از شعرها	Song of Solomon

۱. ویر، رابرت (ویراستار کلی)، جهان مذهبی (ادیان در جوامع امروز)، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴ش، ص ۶۰۶

۳. مجموعه کتب نبی اَیم مشتمل بر ۱۷ کتاب

آخرین بخش مجموعه کتب عهد عتیق «نبی اَیم» است. این کتب، مجموعه‌ای از دست نوشته‌های «انبیای یهودی» است، که به تناوب از سوی «یهوه» بر هدایت، انذار و تَنبّه قوم بنی اسرائیل مأمور گشته بودند. این مجموعه از ۱۷ کتاب به شرح ذیل تشکیل شده است.^۱

ردیف	نام فارسی	نام عبری	معنی نام عبری	نام انگلیسی
۱	اشعیا	<i>Yeshayahu</i>	اشعیای نبی	<i>Isaiah</i>
۲	ارمیا	<i>Yirmeyahu</i>	ارمیای نبی	<i>Jeremiah</i>
۳	مراثی ارمیا	<i>Ekah</i>	طریقت، چگونگی	<i>Lamentations</i>
۴	حزقیال	<i>Yehezqel</i>	حزقیال نبی	<i>Ezekiel</i>
۵	دانیال	<i>Daniel</i>	دانیال نبی	<i>Daniel</i>
۶-۱۷	کتب پیامبران فرعی (کوچک)	<i>Tere Asar</i>	دوازده اثر (نوشته)	<i>The Minor Prophets</i>

۱-۵. معرفی عهد جدید

«عهد جدید» (**New testament**)، در اصل یونانی به معنی «آخرین وصیت یا عهد و پیمان» است.^۲ که به صورت گزارش تاریخی ارائه شده. عهد جدید عبارت است از ثبت برقراری رابطه جدید خدا با انسان به وسیله مسیح. عهد جدید شامل ۲۷ کتاب است که به وسیله ۹ نویسنده نوشته شده است. این مدارک در طول تقریباً نیم قرن یعنی حدود ۴۵ تا

۱. ویر، رابرت، پیشین، ص ۶۰۶

۲. تنی، مریل. سی، معرفی عهد جدید، ترجمه میکائیلیان، تهران، حیات ابدی، ۱۳۶۳، ص ۱۳۵

۱۰۰م به رشته تحریر در آمده اند.^۱ عهد جدید مجموعه متون مقدس آیین مقدس مسیحی می‌باشد که از مرجعیت و اعتبار نسبت بالایی در بین تمام جوامع مسیحی برخوردار است، این متون شالوده هویت مسیحی و در بردارنده اصول اعتقادی آیین مسیحیت می‌باشد، چنانکه کنه باورهای جهان شناختی و ایدئولوژیکی عامه مردم مسیحی، بر متون عهد جدید پایه داشته و دارد.^۲

مجموعه عهد جدید کنونی که غالباً در یک مجلد قرار می‌گیرد، شامل ۲۷ بخش می‌باشد که در قالب چهار فصل تقسیم گردیده است. این فصل‌ها به ترتیب تدوین عبارتند از:

۱. انجیل‌های چهار گانه (متی - مرقس - لوقا - یوحنا)

انجیل‌های چهار گانه از بخش‌های مهم عهد جدید هستند که حاوی هویت نهضت دینی عیسوی و ریشه‌های اصیل اعتقادات مسیحی است. این بخش از عهد جدید، گزارشی از روند زندگی، دوران تبلیغ، مواظ و معجزات عیسی (ع) است که توسط چهار تن از پیروان نخستین او نگاشته شده است.^۳

۲. اعمال (خدمات) رسولان مسیح

کتاب اعمال یا «خدمات رسولان مسیح» گزارشی است که لوقای طبیب از روند ترویج آیین عیسوی، در قرن اول میلادی نگاشته است.^۴

۳. نامه‌های (نوشته‌های) رسولان مسیح

بخش سوم عهد جدید «نوشته‌های رسولان مسیح» نام دارد. این بخش دربردارنده نوشته‌ها و در واقع نامه‌هایی است که پنج نفر از رسولان (مبلغان) نخستین مسیح، یعنی

۱. همان، ص ۱۳۶

۲. الیاده، میرچاه، دایرة المعارف ادیان، شعبه لندن، کمپانی مک میلیان در نیویورک، ۱۹۸۷م، ج ۲، ص ۱۴۰

۳. کمپجانی، داود، پژوهشی توصیفی از کتب مقدس، تهران، سازمان چاپ نشر ارشاد، ۱۳۸۴، ص ۵۶

۴. ترجمه کتاب مقدس (عهد جدید)، تهران، انجمن کتاب مقدس ایران، ۱۳۶۵ ش، ص ۵۹

«پولس»، «پطرس»، «يعقوب»، «يوحنا» و «يهودا» به جوامع مختلف تازه ايمان آورده به مسيح، نگاشته‌اند.^۱

۴. مَكاشِفَات يُوْحَنَّا

این بخش، آخرین قسمت عهد جدید است، که در عین حال شاید جالبترین بخش آن نیز باشد. چون از «آینده» و آنچه در آینده اتفاق خواهد افتاد، سخن می‌گوید. این کتاب اصطلاحاً به کتاب «نبوت» (پیامبرانی) عهد جدید معروف شده است چون همانند کُتب «تبی ایم» عهد قدیم - مخصوصاً کتب پیامبرانی همچون «حزقیل» و «زکریا» و «دانیال» - رمز گونه است و با تمثیل‌های متعدد و رویایی مطالب را بیان می‌نماید.^۲

۱. کمبجانی، داود، پیشین، ص ۶۰

۲. هاکس، جیمز، پیشین، ۸۲۸

فصل دوم: فرشتگان و نقش آنها در سعادت انسان در قرآن

۱-۲. ماهیت فرشتگان

ملائکه دسته‌ای از مخلوقات الهی هستند که در نظام خلقت از اهمیت خاص و جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. در فرهنگ قرآنی، این موجودات، مقربان درگاه الهی و مسبّحان دائمی پروردگار و رسولان الهی‌اند که در تدبیر امور عالم و وساطت در فیض و قبض ارواح، ایفاء نقش می‌کنند. مکتب فرشته شناسی اسلام دارای گستردگی و عمق قابل توجهی است. به طوری که آیات قرآن و روایات اهل‌بیت(ع) فرشتگان را از زاویه‌های مختلف توصیف کرده‌اند.

۱-۱-۲. سیمای ملائکه در قرآن

قرآن کریم علاوه بر معرفی موجودات و نعمت‌های ظاهری و محسوس، از آفریده‌های دیگر خداوند متعال نیز نام برده که ما را یارای درک حسی آنان نیست.

۱-۱-۱-۲. حقیقت ملائکه

از آیاتی که درباره ملائکه آمده، استفاده می‌شود آن‌ها موجوداتی پیراسته از پیوندهای مادی و مجرد از صفات جسمانی هستند.

) وَ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ فَمَا لَبِثَ أَنْ جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِيذٍ فَلَمَّا رَأَى أَنِّيهِمْ لَا تَصِلُ إِلَيْهِ نَكِرَهُمْ وَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَى قَوْمٍ لُوطٍ هود/۶۹-۷۰: «و به راستی، فرستادگان ما برای ابراهیم مژده آورده، سلام گفتند، پاسخ داد: «سلام». و دیری نیاید که گوساله‌ای بریان آورد. و چون دید دستهایشان به غذا دراز نمی‌شود، آنان را ناشناس یافت و از ایشان ترسی بر دل گرفت. گفتند: مترس، ما به سوی قوم لوط فرستاده شده‌ایم.»

در این آیه کریمه ملائکه را رسولان خود معرفی کرده است. و دیگر اینکه در وصف و تعریف آنها فرمود است: که ابراهیم علیه السلام دید دست ایشان به گوساله بریان شده نمی‌رسد. پس این آیات می‌گوید که ملائکه رسل الهی‌اند و غذا نمی‌خورند.

این قرآن کلام حق است که می‌فرماید ملائکه غذا نمی‌خورند ولی در باب هجدهم سفر تکوین تورات آمده است که: ابراهیم به سوی رمه شتافت و گوساله نازک خوب گرفته به غلام خود داد تا به زودی آنرا طبخ نماید، پس کره و شیر و گوساله‌ای را که ساخته بود گرفته پیش روی ایشان گذاشت و خود در مقابل ایشان زیر درخت ایستاد تا خوردند. و این خود دلیل بر تحریف تورات است چه پیغمبر خدا نمی‌گوید که ملائکه از طعام دنیا می‌خورند.

صحیح همان است که قرآن گوید چون فرشتگان از طعام دنیا نمی‌خورند و حکایات قرآن اگر از تورات گرفته بود مانند تورات بود اما وحی الهی است از جانب پروردگار که می‌داند فرشته غذا نمی‌خورد و آن که درس نخوانده و از رموز حکمت آگاه نیست و از عالم مجردات خبر ندارد اینگونه امور را نمی‌داند مگر مؤید باشد از جانب خدای تعالی.^۱

امام صادق (علیه السلام) فرموده است: «إِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَا يَأْكُلُونَ وَلَا يَشْرَبُونَ وَلَا يَنْكِحُونَ وَ أَمَّا يَعِيشُونَ بِنَسِيمِ الْعَرْشِ...»؛ «حقیقت آن است که فرشتگان نمی‌خورند و نمی‌آشامند و ازدواج نمی‌کنند؛ بلکه حیات آنان با نسیم عرش است...».^۲

همچنین خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

* (وَمَنْ عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ) * انبیاء/۱۹-۲۰: «و کسانی که نزد اویند از پرستش وی تکبر نمی‌ورزند و درمانده نمی‌شوند. شبانه روز، بی‌آنکه سستی ورزند، نیایش می‌کنند.»

* (وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ) * انبیاء/۲۶ و ۲۷: «و گفتند: [خدای] رحمان فرزندی اختیار کرده.» منزّه است او. بلکه [فرشتگان] بندگان ارجمندند، که در سخن بر او پیشی نمی‌گیرند، و خود به دستور او کار می‌کنند.»

۱. حسن زاده آملی، حسن نصوص الحکم بر فصوص الحکم، نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۵، صص ۳۶۷-۳۶۸

۲. همان، ص ۱۷۴، ح ۴

﴿عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاطٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾ * تحریم/۶: «بر آن [آتش] فرشتگانی خشن [او] سختگیر [گمارده شده] اند. از آنچه خدا به آنان دستور داده سرپیچی نمی‌کنند و آنچه را که مأمورند انجام می‌دهند».

﴿وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ الْبَنَاتِ سُبْحَانَهُ وَلَهُمْ مَا يَشْتَهُونَ﴾ * نحل/۵۷: «و برای خدا دخترانی می‌پندارند. منزّه است او. و برای خودشان آنچه را میل دارند [قرار می‌دهند]».

﴿أَفَأَصْنَعُكُمْ رَبُّكُمْ بِالْإِنِّينِ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنَاثًا إِنَّكُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلًا عَظِيمًا﴾ * اسراء/۴۰: «آیا [پنداشتید که] پروردگارتان شما را به [داشتن] پسران اختصاص داده، و خود از فرشتگان دخترانی برگرفته است؟ حَقّاً که شما سخنی بس بزرگ می‌گویید».

﴿إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ لَيَسْمُؤْنَ الْمَلَائِكَةَ تَسْمِيَةً الْأُنْثَى﴾ * نجم/۲۷: «در حقیقت، کسانی که آخرت را باور ندارند، فرشتگان را در نامگذاری به صورت مؤنث نام می‌نهند».

از آیات فوق درباره ملائکه استفاده می‌شود که ملائکه موجوداتی منزّه از علائق ماده و مجرد از صفات جسم و جسمانیات‌اند.

و نیز این فرمایش امیرالمؤمنین (علیه السلام) را دلیل بر تجرد فرشتگان گرفته‌اند: «مِنْ مَلَائِكَةٍ أَسْكَنْتَهُمْ وَاتَّكَ وَرَفَعَتْهُمْ عَنْ أَرْضِكَ هُمْ أَعْلَمُ خَلْقِكَ بِكَ وَ أَخَوْفُهُمْ لَكَ وَ أَقْرَبُهُمْ مِنْكَ لَمْ يَسْكُنُوا الْأَصْلَابَ وَ لَمْ يُضَمَّنُوا الْأَرْحَامَ وَ لَمْ يُخْلَقُوا مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ وَ لَمْ يَتَشَعَّبْهُمْ رَبُّ الْمَنُونِ...»^۱؛ «گروهی از ملائکه را در آسمان‌های سکونت داده ای و از زمینت رفعت بخشیده‌ای، آنان داناترین مخلوقات به تو، و خائف‌ترین آن‌ها از تو، و مقرب‌ترینشان به تو هستند. ساکن اصلاّب و جاگرفته در رحم‌ها نبودند، و از آب پست آفریده نشدند، و حوادث روزگار آن‌ها را پراکنده نکرد».

این روایت نیز به روشنی بر غیرمادی بودن ملائکه دلالت دارد؛ زیرا خوردن، آشامیدن، نکاح و... مربوط به موجود مادی جسمانی است. موجود جسمانی با تغذیه، تولید نسل و مانند

۱. شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه (صبحی صالح)، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ق، ص ۱۲۰

آن است که بقای مادی دارند و بدون آن‌ها زندگی مادی نخواهد داشت. اما حیات ملائکه به دلیل غیرمادی بودن با نسیم عرش است.

اما اینکه خداوند در قرآن کریم می‌فرماید فرشتگان دارای بال هستند ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولَىٰ أَجْنَحَةٍ مَّثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ ﴿فاطر/ ۱: «سپاس خدای را که پدیدآورنده آسمان و زمین است [و] فرشتگان را که دارای بالهای دوگانه و سه‌گانه و چهارگانه‌اند پیام‌آورنده قرار داده است. در آفرینش، هر چه بخواهد می‌افزاید، زیرا خدا بر هر چیزی تواناست.»

گفته شده است کلمه «اجنحه» جمع «جناح» است، که در پرندگان به منزله دست انسان است، و پرندگان به وسیله آن پرواز می‌کنند، و به فضا می‌روند و برمی‌گردند، و از جایی به جای دیگر نقل مکان می‌کنند.

وجود فرشتگان نیز مجهز به چیزی است که می‌توانند با آن کاری را بکنند که پرندگان آن کار را با بال خود انجام می‌دهند، یعنی ملائکه هم مجهز به چیزی هستند که با آن از آسمان به زمین و از زمین به آسمان می‌روند، و از جایی به جای دیگر که مامور باشند می‌روند، قرآن نام آن چیز را «جناح» (بال) گذاشته، و این نامگذاری مستلزم آن نیست که بگوییم ملائکه دو بال نظیر بال پرندگان دارند، که پوشیده از پر است، چون صرف اطلاق لفظ مستلزم آن جناح، نیست، هم چنان که الفاظ دیگری نظیر جناح نیز مستلزم معانی معهود نمی‌باشد مثلاً، وقتی کلمه عرش و کرسی و لوح و قلم و امثال آن را در باره خدای تعالی اطلاق می‌کنیم، نمی‌گوییم عرش آنها و کرسی و لوح و قلمش نظیر کرسی و لوح و قلم ماست، بلکه این مقدار را از لفظ جناح می‌فهمیم که: نتیجه‌ای را که پرندگان از بالهای خود می‌گیرند، ملائکه هم آن نتیجه را می‌گیرند، و اما اینکه چطور آن نتیجه را می‌گیرند از لفظ جناح نمی‌توان به دست آورد.

جمله «أُولَىٰ أَجْنَحَةٍ مَّثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ» صفت ملائکه است. گویا فرموده خداوند بعضی از فرشتگان را، دو بال داده و بعضی را سه بال، و بعضی را چهار بال. و جمله «يَزِيدُ فِي»

الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ» بر حسب سیاق، خالی از اشاره به این نکته نیست، که بعضی از ملائکه بیش از چهار بال هم دارند.^۱

در خصوص بال فرشتگان در روایات نیز آمده است که امام صادق (ع) فرمود: خداوند ملائکه را مختلف خلق کرد، مثلاً وقتی جبرئیل نزد رسول خدا (ص) آمد، ششصد بال داشت، و بر ساق پایش دری بود چون قطره شبی که روی گیاهان می‌افتد. آن قدر بزرگ بود که بین آسمان و زمین را پر می‌کرد.^۲

و از خصال روایت شده که وی به سند خود از محمد بن طلحه حدیث کرده، و او بدون ذکر بقیه سند از رسول خدا (ص) روایت کرده، که فرموده: ملائکه بر سه دسته‌اند، دسته‌ای دارای دو بال و دسته‌ای دارای سه بال و دسته دیگر دارای چهار بالند.^۳

طباطبایی درباره این حدیث می‌نویسد: شاید مراد از آن، توصیف اغلب ملائکه باشد، نه همه آنها، و گر نه با سیاق آیه که می‌فرمود:

«در خلقت هر چه بخواهد اضافه می‌کند» و با روایات دیگر که می‌فرمود: «جبرئیل ششصد بال داشت» معارض خواهد بود.^۴

در پایان این بحث نظر شما را به کلام صاحب تفسیر نمونه جلب می‌کنیم: با اوصافی که برای ملائکه ذکر شده، بدون شک نمی‌توانند از ماده کثیف عنصری باشند، ولی مانعی ندارد که از اجسام لطیفی آفریده شده باشند، اجسامی ما فوق این ماده معمولی که ما با آن آشنا هستیم.

اثبات «تجرد مطلق» برای فرشتگان حتی از زمان و مکان و اجزاء کار آسانی نیست و تحقیق در مورد این موضوع فایده زیادی در بر ندارد، مهم آن است که ما فرشتگان را به

۱. طباطبایی، محمد حسین، پیشین، ج ۱۷، ص ۷-۸.

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، قم، دارالکتاب، چاپ چهارم، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۲۰۶.

۳. ابن بابویه، محمد بن علی، خصال، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۵۳، ح ۱۹۱.

۴. طباطبایی، محمد حسین، پیشین، ج ۱۷، ص ۹.

اوصافی که قرآن و روایات مسلم اسلامی توصیف کرده بشناسیم و آنها را صنف عظیمی از موجودات والا و برجسته خداوند بدانیم بی آنکه مقامی جز مقام بندگی و عبودیت برای آنها قائل باشیم.^۱

خلاصه، آن چه می توان مطابق با قرآن و سنت و عقل گفت این است که: فرشتگان موجودات جسمانی مادی نیستند، بلکه مجردند و موجودات مجرد نیز ممکن است مجرد برزخی و یا مجرد عقلانی باشند و یا به حسب مراتب فرق کنند، برخی از آنها مجرد برزخی هستند؛ یعنی شکل و صورت دارند و خواص ماده را هم دارا می باشند، آن طور که در روایات آمده، نکیر و منکر به صورت های مختلفی بر دیده میت ظاهر می شوند؛ و برخی نیز مجرد تامند.^۲

۲-۱-۱-۲. ذکورت یا انوئت فرشتگان

گاهی قرآن کریم اناث بودن فرشتگان را مطرح می کند که به زبان دیگران سخن گفتن و با مبانی دیگران، آنها را محکوم کردن است؛ مثلاً می فرماید: بت پرست ها زن ها را می پرستند؛* (إِنْ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا إِنَاثًا وَإِنْ يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَانًا مَرِيدًا) * نساء/ ۱۱۷: « [مشرکان]، به جای او، جز بتهای مادینه را [به دعا] نمی خوانند، و جز شیطان سرکش را نمی خوانند ».

لیکن معنای آیه این است که بت پرستان اولاً فرشتگان را اناث پنداشتند. ثانیاً آنها را به طور مستقل، واسطه فیض دانستند. ثالثاً بر اثر پندار استقلال، آنها را عبادت کردند. رابعاً همه این ها دسیسه و وسوسه شیطان است، از این رو دو حصر را کنار هم یاد کرده است: * (إِنْ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا إِنَاثًا وَإِنْ يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَانًا مَرِيدًا) *.

این دو حصر نشان می دهند که در طول هم اند؛ نه در عرض؛ اول می فرماید که اینان فقط زنان را عبادت می کنند و می خوانند و بعد می فرماید که این ها فقط شیطان را می خوانند و

۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، پیشین، ج ۱۸، ص ۱۷۶

۲. مصباح یزدی، محمد تقی، معارف قرآن، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ه)، ۱۳۹۱، ص ۲۹۴

می‌خواهند؛ یعنی توهم زن بودن فرشته‌ها مانند توهم شفیع بودن فرشته‌ها و نیز توهم تأثیر پرستش فرشته‌ها، هر سه از شیطنت شیطان است؛ * (وَإِنْ يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَانًا مَرِيدًا) *.

این شیطان، مرید یعنی متمرّد و مارد است و چون متمرّد عن الحق است، وسوسه‌های او هم باطل است؛ پس اگر در قرآن کریم از فرشتگان به اناث یاد شده است، فوراً کنارش توهم وسوسه شیطان را ذکر می‌کند.

در آیات دیگری هم از فرشته‌ها به اناث یاد نموده است که به صورت فرضی است: * (أَلَكُمُ الذَّكَرُ وَلَهُ الْأُنثَى) * نجم/۲۱: «آیا [به خیالتان] برای شما پسر است و برای او دختر؟»، * (أَمْ اتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَأَصْفَاكُمْ بِالْبَنِينَ) * زخرف/۱۶: «آیا از آنچه می‌آفریند، خود، دخترانی برگرفته و به شما پسران را اختصاص داده است؟». این به آن معنا نیست که فرشته‌ها مؤنث اند و شما مؤنث‌ها را به خدا دادید و مذکرها را برای خود می‌پسندید؛ بلکه بر اساس فرض و تسلیم است؛ چون قرآن کریم در آیات فراوانی مؤنث بودن فرشته‌ها را صریحاً ابطال کرده است: * (أَمْ خَلَقْنَا الْمَلَائِكَةَ إِنَاثًا وَهُمْ شَاهِدُونَ) * صافات/۱۵۰؛ «یا فرشتگان را مادینه آفریدیم و آنان شاهد بودند؟»، * (وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَنِ إِنَاثًا أَشَهِدُوا خَلْقَهُمْ سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ) * زخرف/۱۹؛ آیا فرشته‌ها را مؤنث آفریدیم؟! آیا آن‌ها شاهد انوثن فرشته‌ها بودند؟! خدای سبحان هر دو مسأله را محکوم می‌کند؛ از این رو می‌فرماید: * (إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ لَيَسْمُؤْنَ الْمَلَائِكَةَ تَسْمِيَةَ الْأُنثَى وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا) * نجم/۲۷-۲۸: «در حقیقت، کسانی که آخرت را باور ندارند، فرشتگان را در نامگذاری به صورت مؤنث نام می‌نهند. و ایشان را به این [کار] معرفتی نیست. جز گمان [خود] را پیروی نمی‌کنند، و در واقع، گمان در [وصول به] حقیقت هیچ سودی نمی‌رساند».

بر پایه این آیات، مؤنث دانستن فرشته‌ها پنداری است که از انکار معاد و ربوبیت نشأت گرفته است؛ * (إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ لَيَسْمُؤْنَ الْمَلَائِكَةَ تَسْمِيَةَ الْأُنثَى) * نجم/۲۷

۱. جوادی آملی، عبدالله، پیشین، ص ۹۳-۹۴

۲-۱-۳. فرشتگان مقرب در قرآن

در بین ملائکه الله، چهار ملک وجود دارند که در پیشگاه الهی قرب خاصی دارند آنها عبارت اند از: جبرئیل، میکائیل، اسرافیل و عزرائیل.

در فرهنگ اسلامی (آیات و روایات) به این چهار ملک مقرب، به صراحت اشاره شده است. از جمله روایتی از رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) وارد است که فرمود: «ان الله تبارک و تعالی اختار من کل شیء اربعة، و اختار من الملائکه جبرئیل و میکائیل اسرافیل و ملک الموت»^۱؛ خداوند متعال از هر چیزی چهار تا را اختیار و انتخاب فرموده و از فرشتگان نیز جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و ملک الموت (عزرائیل) را اختیار کرده است.

جبرئیل:

واژه «جبرئیل» در اصل کلمه عبری است و ظاهراً شکل سریانی آن به عربی راه یافته است. نویسندگان و محققان زبان عربی بر اعجمی بودن آن تصریح کرده‌اند.^۲ کلمه جبرئیل را مرگب از دو بخش دانسته‌اند. جبرئیل (جبر + ایل) به معنای مرد خدا یا بنده خدا (عبدالله) است.^۳

جبرئیل فرشته‌ای است که وحی الهی را به پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) می‌رساند. او ملک مقرب خدا و بزرگ تر از جمیع فرشتگان که علم حضرت حق در او تجلی می‌کند و از او در طریقه وحی به فرشتگان پایین تر و کوچک تر - که تعدادشان بسیار است - تجلی و ظهور می‌کند و از آنها بر پیامبر (صلی الله علیه وآله) تجلی می‌یابد. جبرئیل یکی از چهار فرشته مقرب بلکه برترین آنها است.

۱. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار و مدینه الحکم و الاثار، مشهد، بنیاد پژوهش های نوین، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۵۴۸

۲. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ق، ج ۶، ص ۱۶۲

۳. همان، ص ۱۶۲

نام جبرئیل در قرآن سه بار در آیات مدنی آمده است (بقره: ۹۷، ۹۸ و تحریم: ۴). به وظیفه اصلی جبرئیل، یعنی پیام‌آوری وحی در آیه ﴿نَزَّلَهُ عَلٰی قَلْبِكَ﴾ * بقره/ ۹۷ تصریح شده است و صراحتاً تنزیل قرآن را به جبرئیل نسبت داده است.

در آیات قرآن مجید از جبرئیل به نام‌های جبریل و روح الامین و رسول کریم نام برده شده و پنج وصف برای جبرئیل (علیه السلام) آورده شده که با هم می‌خوانیم: ﴿قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلٰی قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ...﴾ * بقره/ ۹۷

﴿نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلٰی قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنْذِرِينَ﴾ * شعراء/ ۱۹۳ - ۱۹۴: «روح الامین» آن را بر دلت نازل کرد، تا از [جمله] هشداردهندگان باشی».

﴿إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ مُطَاعٍ ثُمَّ أَمِينٍ﴾ * تکویر/ ۱۹- ۲۱: «که [قرآن] سخن فرشته بزرگواری است. نیرومند [که] پیش خداوند عرش، بلندپایگاه است. در آنجا [هم] مُطَاع [و هم] امین است».

در این آیه، پنج وصف برای جبرئیل آمده که جملگی بیانگر عظمت و مقام اوست. رسول کریم: اشاره به ارزش وجودی و مقام والا و جلالت ذات و عظمت قدر اوست. ذی قوه: برای آن است که برای دریافت قرآن و ابلاغ آن قدرت و نیروی عظیمی لازم است و جبرئیل از جانب حق دارای قدرتی بود. مکین: یعنی ملک بر جسته، عند ذی العرش کنایه از مقرب بودن او به تقرب معنوی نزد حضرت محبوب است.

مطاع: اشاره به این است که جبرئیل فرمان روای فرشتگان و امیر آنهاست.

امین: در ابلاغ رسالت نهایت امانت داری را داشت.^۱

۱. انصاریان، حسین، دیار عاشقان: تفسیر جامع صحیفه سجادیه، تهران، پیام آزادی، ۱۳۶۹، ج ۳، ص ۸۰

نیز با توجه با آیه ۹۷ سوره بقره و آیه ۱۹۳ و ۱۹۴ سوره شعرا معلوم می‌شود که جبرئیل همان روح الامین است.

و همچنین در آیات زیر از جبرئیل (ع) با نام های روح القدس، شدید القوی و ذومره یاد شده است:

* (قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ آمَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ) *
نحل/۱۰۲: «بگو: آن را روح القدس از طرف پروردگارت به حق فرود آورده، تا کسانی را که ایمان آورده‌اند استوار گرداند، و برای مسلمانان هدایت و بشارتی است»

* (إِنَّهُ هُوَ الْوَحِيُّ الْوَاحِدُ يُوْحِي عِلْمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَى) * نجم/۴-۶: «این سخن بجز وحیی که وحی می‌شود نیست. آن را [فرشته] شدید القوی به او فرا آموخت، [سروش] نیرومندی که [مسلط] درایستاد».

علاوه بر انتقال وحی، جبرئیل نقش ویژه ای در ولادت عیسی علیه السلام داشته است. او مژده ولادت عیسی را به حضرت مریم داده (آل عمران: ۴۵) و به صورت انسان نزد او متمثل شده (مریم: ۱۷) و روح الاهی را در رحم او دمیده (مریم: ۲۲ و تحریم: ۱۲) و سرانجام خداوند به عیسی علیه السلام با جبرئیل یاری رسانده و نیرو بخشیده است (بقره: ۸۷، ۲۵۳؛ مائده: ۱۱۰). عموم مفسران، تعبیر «روح» در آیات مربوط به تولد حضرت عیسی را ناظر به جبرئیل دانسته‌اند.^۱

میکائیل، فرشته رزق:

یکی از رؤسای چهار گانه ملائکه، میکائیل است و قرآن مجید در سوره بقره آیه ۹۸ از میکائیل به عنوان می‌کال یاد فرموده و دشمنی با او را در ردیف دشمنی به خدا و ملائکه و انبیا قرار داده و دشمن او را متهم به کفر است: * (مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ) * بقره/۹۸: «هر که دشمن خدا، و

۱. رجوع شود به طبری، طوسی، تفسیر تبیان ذیل آیات و احتمالات دیگر فضل بن حسن طبرسی، ذیل

مریم/۱۷

فرشتگان و فرستادگان او، و جبرئیل و میکائیل است [بداند که] خدا یقیناً دشمن کافران است
«میکائیل موکل لرزاق موجودات بوده و اعوان و یارانی نیز در جمع عالم دارد.

در موردشان نزول آیه ۹۸ سوره بقره آمده است: ابن عباس می‌گوید: هنگامی
که پیامبر اسلام وارد مدینه شد عبد الله بن صوريا - که از دانشمندان یهودی فدک بود- نزد
حضرت رسید و از پیامبر درباره فرشته‌ای که برای او وحی می‌آورد، سؤال کرد.
فرمود: جبرئیل.

ابن صوريا گفت: او دشمن ما است و دستور کشتن و سختی و جنگ بوسیله او نازل
می‌شود و میکائیل واسطه گشایش و آسانی است و اگر واسطه تو میکائیل بود ما ایمان به تو
می‌آوردیم.^۱

امام زین العابدین (علیه السلام) در دعای سوم صحیفه می‌فرماید: «
وَ مِکَائِيلُ ذُو الْجَاهِ عِنْدَكَ، وَ الْمَكَانِ الرَّفِيعِ مِنْ طَاعَتِكَ» و (درود فرست بر) میکائیل که
نزد تو دارای منزلت و در طاعت و بندگی دارای مقام بلند است.^۲

اسرافیل و نفخ صور:

اسرافیل در زبان سریانی به معنی بنده خداوند متعال است.^۳
مرحوم سید علیخان مدنی شیرازی می‌گوید: ایل به زبان عبری به معنای الله، و
اسراف کلمه‌ای است که به ایل اضافه شده است و بنابر روایتی که از حضرت زین العابدین
(علیه السلام) رسیده: هر چه به ایل اضافه شود به معنی عبدالله است.^۴

-
۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، چاپ ۳، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۲۵
 ۲. علی بن حسین (ع)، صحیفه سجادیه، قم، دفتر نشر الهادی، دعای سوم، ص ۳۸
 ۳. رجالی تهرانی، علی رضا، فرشتگان و تحقیقی قرآنی، روایی و عقلی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۵۱
 ۴. کبیر مدنی، علیخان بن احمد، ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین، قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۰۹هـ.ق، ج ۲، ص ۲۱

از بعضی از روایات استفاده می‌شود که او مقرب ترین فرشته خدا است.^۱ او نخستین فرشته‌ای بود که برای حضرت آدم (علیه السلام) سجده کرد.^۲ شاید بتوان گفت که بودن نفخه مرگ را اسرافیل انجام می‌دهد، و بعد از آن خود اسرافیل هم می‌میرد و آن گه خدا همه موجودات را زنده می‌کند؛ یعنی نفخه حیات در دست او است.^۳

در دو آیه قرآن به صفات اسرافیل اشاره شده است.

﴿وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ﴾ * ق/۴۱: «و روزی که منادی از جایی نزدیک ندا در می‌دهد، به گوش باش».

برخی معتقدند منظور از منادی ممکن است ذات پاک خداوند باشد که این ندا را می‌دهد، ولی به احتمال قویتر همان «اسرافیل» است که در «صور» می‌دمد، و در آیات قرآن نه با نام بلکه با تعبیرات دیگری به او اشاره شده است.^۴

و از مقاتل نقل شده است منادی اسرافیل است که می‌گوید: ای آفریدگان الهی برای حساب‌رسی به پا خیزید.^۵

﴿فَقَوْلٌ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ إِلَى شَيْءٍ نُكْرٍ﴾ * قمر/۶: «پس، از آنان روی برتاب. روزی که داعی [حق] به سوی امری دهشتناک دعوت می‌کند».

داعی کیست؟ مقاتل گوید: داعی اسرافیل است که مردم را به سوی محشر می‌خواند در حالی که بر صخره و قلّه بیت المقدّس ایستاده است. و بعضی گفته‌اند: بلکه داعی ایشان را

۱. همان

۲. مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن (تفسیر موضوعی)، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب، چ ۴، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۷۲

۳. همان

۴. مکارم شیرازی، ناصر، پیشین، ج ۲۲، ص: ۲۹۷

۵. طبرسی، فضل بن حسن، پیشین، ج ۹، ص ۲۲۶

بسوی آتش می‌خواند (و یوم) ظرف (زمانست) برای یخرجون، یعنی در این روز از گودهایشان بیرون می‌آیند.^۱ همچنین طبرسی می‌گوید: «منظور از داعی اسرافیل است».^۲

* (و نُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ) * زمر/۶۸: «و در صور دمیده می‌شود، پس هر که در آسمانها و هر که در زمین است بیهوش در می‌افتد، مگر کسی که خدا بخواهد سپس بار دیگر در آن دمیده می‌شود و بناگاه آنان بر پای ایستاده می‌نگرند».

«صور» در لغت به معنی شاخ بوده و معنای دنیایی آن شیپور است. معمولاً برای توقف یا حرکت لشکر و گاه کاروان‌ها از آن استفاده می‌کردند.^۳

در مجمع ذیل آیه ۷۳ سوره انعام فرموده: درباره صور گفته‌اند: آن شاخی است که اسرافیل در آن دو بار می‌دمد در اول همه از بین می‌روند و در ثانی همه زنده می‌شوند.^۴

این لفظ (صور) ده بار در قرآن مجید آمده^۵ و همه درباره قیامت است و از کلام الله ظاهر می‌شود که هم مردن مردم و هم زنده شدن آنها در اثر نفخ صور است.

در صحیفه سجّادیه هست که فرموده: اسرافیل صاحب صور منتظر فرمان تو است که امانت‌های قبور را برانگیزد.

«وَإِسْرَافِيلُ صَاحِبُ الصُّورِ الَّذِي يَنْتَظِرُ مِنْكَ الْإِذْنَ فَيَنْبِثُهُ بِالنَّفْخَةِ صَرَغَى رَهَائِنِ الْقُبُورِ»^۱

الْقُبُورِ»^۱

۱. همان، ص ۲۸۴

۲. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، تهران، دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، ج ۴، ۱۳۷۷ش، ص ۲۰۸

۳. رجالی تهرانی، علی رضا، پیشین، ص ۵۱

۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، پیشین، ج ۴، ص ۴۹۶

۵. انعام/۷۳، زمر/۶۸، نمل/۸۷، یس/۵۱، حاقه/۱۳ و ۱۴، مؤمنون/۱۰۱، طه/۱۲۰، کهف/۹۹، نبأ/۱۸ و ق/۲۰

در نهج لبلاغه حضرت علی (علیه السلام) آمده: و در صور دمیده می‌شود و به دنبال آن قلب‌ها از کار می‌افتد، زبان‌ها بند می‌آید و کوه‌های بلند و سنگ‌های محکم چنان به هم می‌خورد که متلاشی و نرم می‌شود، و جای آن چنان صاف می‌گردد که گویا هرگز کوهی وجود نداشته است.^۲

عزرائیل و فرشتگان مرگ :

با سیری در آیات کریمه قرآن مجید با این مطلب مواجه می‌شویم که قبض ارواح گاهی به خدا نسبت داده شده، گاهی به ملک الموت (عزرائیل) و گاهی نیز به فرشتگان مرگ.

۱- ﴿اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا﴾ * زمر/۴۲: «خدا روح مردم را هنگام مرگشان به تمامی باز می‌ستاند».

۲- ﴿قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ﴾ * سجده/۱۱: بگو: فرشته مرگی که بر شما گمارده شده، جانتان را می‌ستاند، آن گاه به سوی پروردگارتان بازگردانیده می‌شوید».

۳- ﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ﴾ * انعام/۶۱: «تا هنگامی که یکی از شما را مرگ فرا رسد، فرشتگان ما جانش بستانند، در حالی که کوتاهی نمی‌کنند».

کمی دقت در آیات فوق، نشان می‌دهد که هیچ‌گونه تضادی در میان آنها نیست؛ زیرا قبض کننده اصلی ذات پاک خداست، آن گاه در عالم اسباب فرشته مرگ، یعنی عزرائیل مجری این فرمان است و او نیز به وسیله گروهی از فرشتگان و رسولان الهی این مأموریت را انجام می‌دهد.

۱. علی بن حسین (ع)، پیشین، ص ۳۸

۲. شریف رضی، محمد بن حسین، خ ۱۹۵

وَ قَالَ الصَّادِقُ (ع) - قِيلَ لِمَلِكِ الْمَوْتِ (ع) - « كَيْفَ تَقْبِضُ الْأَرْوَاحَ وَ بَعْضُهَا فِي الْمَغْرِبِ وَ بَعْضُهَا فِي الْمَشْرِقِ فِي سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ فَقَالَ أَدْعُوهَا فَتُجِيبُنِي قَالَ فَقَالَ مَلِكُ الْمَوْتِ ع - إِنَّ الدُّنْيَا بَيْنَ يَدَيَّ كَالْقَصْعَةِ بَيْنَ يَدَيَّ أَحَدِكُمْ يَتَنَاوَلُ مِنْهَا مَا شَاءَ وَ الدُّنْيَا عِنْدِي كَالدَّرْهِمِ فِي كَفِّ أَحَدِكُمْ يُقَلِّبُهُ كَيْفَ يَشَاءُ »^۱.

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: از ملک الموت سوال شد: چگونه در یک لحظه ارواح را قبض می‌کنی، در حالی که حالی که بعضی از آنها در مغرب و بعضی در مشرق است؟ ملک الموت پاسخ داد: من این ارواح را به خود می‌خوانم و آنها مرا اجابت می‌کنند.

سپس حضرت ادامه داد: ملک الموت گفت: دنیا در میان دست‌های من هم چون ظرفی است در میان دست‌های شما که هر آن چه می‌خواهید از آن می‌خورید و دنیا نزد من همچون درهمی است در دست‌های شما که هر طور بخواهید آن را به گردش در می‌آورید.

نیز آن حضرت در پاسخ به کسی که مرگ ناگهانی عده زیاد را عجیب می‌دانست، فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى جَعَلَ - لِمَلِكِ الْمَوْتِ أَعْوَانًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ يَقْبِضُونَ الْأَرْوَاحَ بِمَنْزِلَةِ صَاحِبِ الشَّرْطَةِ لَهُ أَعْوَانٌ مِنَ الْإِنْسِ يَبْعَثُهُمْ فِي حَوَائِجِهِ » : خداوند متعال برای ملک الموت یاران و دست یارانی از ملائکه قرار داده است که آنان ارواح را قبض می‌کنند. همان گونه که رئیس نگهبانان برای خود دست یارانی دارد و آنان را برای حوایج مختلف به کار می‌گیرد.^۲

خلاصه این که، ملک الموت - سلام الله علیه - برای قبض ارواح مردم از حجاب‌های جهان غیب تجلی می‌کند، پس مردم هنگام مرگ نابود نمی‌شوند، بلکه فرشته مرگ حقیقتشان را قبض می‌کند و او هم حجاب‌های غیب را پشت سر می‌گذارد و برای انسان محتضر تجلی می‌کند. این تجلی را هر محتضری ادراک نمی‌کند، هر کسی در آن حال این

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا يحضره الفقيه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه

علمیه، چ دوم، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ح ۳۵۴، ص ۱۳۴

۲. همان، ح ۳۶۸، ص ۱۳۷

مقام را ندارد که جلوه فرشته مرگ را ببیند بسیاری از مردم هستند که ماموران این فرشته را مشاهده می‌کنند.^۱

جبرئیل فرشته علم و متوجه سازنده مجردات، که به فهم و تعقل ادراک می‌کنند. میکائیل فرشته ارزاق است. اسرافیل فرشته زنده گردانیدن است و عزرائیل فرشته میراندن و ترقی دهنده مواد از صور پایین تر به کامل تر است. سایر فرشتگان تحت ریاست این چهار فرشته‌اند.

آیا بین این چهار ملک نام برده، جامعی و رئیسی وجود دارد که به اینها الهام کند و اینان هر کدام در تحت اوامر او باشند؟

هر چند به طور یقین نمی‌توان گفت که بین چهار ملک معروف، جامع و رئیسی هست، اما شاید تا این مقدار بتوان گفت که اگر رئیس بین ایشان باشد، جبرئیل است و حدیثی وارد است که امیر المومنین (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) سوال کرد: انت افضل ام جبرئیل؟^۲ شما برترید یا جبرئیل. آن گاه حضرت تفصیلاً سر برتری خویش و اولیای الهی را بیان می‌دارد.^۳

حضرت امام خمینی (ره) در توضیح این حدیث شریف می‌فرماید: این که سوال شد که: آیا آن حضرت برتر است یا جبرئیل؟ این سوال نه تنها درباره جبرئیل است، بلکه مورد سوال، همه ساکنان عالم جبروت هستند و امام این که جبرئیل را به خصوص ذکر کرده، با به واسطه عظمت مقامی است که او را در میان فرشتگان دیگر است و یا به خاطر آن است که در چنین مورد ذهن‌ها متوجه او می‌شوند نه به دیگر فرشتگان.^۴

۱. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن در قرآن، قم، اسراء، چاپ ۹، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۲۱۶

۲. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸ه.ق، ج ۱، ص ۲۶۲

۳. رجالی تهرانی، علی رضا، پیشین، ص ۴۶

۴. خمینی، روح الله، مصباح الهدایه الی الخلافة و الولاية، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)،

۱۳۷۲، ص ۱۷۸

صدر المتألهین بعد از این که به بزرگان و رؤوس ملائکه اشاره می‌کند، جبرئیل را به لحاظ این که خداوند در قرآن کریم به صفات کمالی او اشاره فرموده است و بر سایر بزرگان فرشتگان به شش دلیل ترجیح می‌دهد:

۱- جبرئیل صاحب وحی است: « نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَى قَلْبِكَ » (شعراء/۱۹۳ و ۱۹۴) ؛ (جبرئیل) روح الامین (فرشته بزرگ خدا) آن را نازل گردانیده.

۲- نام او را پیش از فرشتگان دیگر در قرآن بیان نموده است: « مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ ... » (بقره/۹۸) زیرا جبرئیل صاحب علم و وحی و میکائیل صاحب روز و غذاست. و علمی که آن غذای روحانی است، برتر و بالاتر از غذای جسمانی است، پس باید جبرئیل برتر از میکائیل باشد.

۳- خداوند نام او را پس از خود قرار داده است: « فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ » (تحریم/۴)

۴- او را روح القدس نامیده است و درباره عیسی (علیه السلام) فرمود: « إِذْ أَيْدُتُكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ » (مائده/۱۱۰).

۵- خداوند دوستانش را یاری می‌دهد و دشمنانش را سر کوب می‌گرداند با هزار فرشته صف بسته. (انفال/۹)

۶- خداوند او را به صفات شش گانه در قرآن ستوده است که عبارتند از: رسالت او، ارجمندی او، نیرومندی او، منزلت و مقام او، فرماندهی او بر فرشتگان و امین وحی بودن او: مطاع ثم امین.^۱

۲-۱-۵. ارزشیابی فرشتگان نسبت به انسان

۱. ملاصدرای شیرازی، محمد بن ابراهیم، مفاتیح الغیب، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۱، ص ۳۴۷

قرآن کریم انسان را برتر از فرشته می‌داند. آیاتی که انسان کامل را از فرشتگان افضل می‌دانند:

- ۱- * (وَ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ) * بقره/ ۳۱: «و [خدا] همه [معانی] نامها را به آدم آموخت سپس آنها را بر فرشتگان عرضه نمود و فرمود: اگر راست می‌گویید، از اسامی اینها به من خبر دهید.»
- ۲- * (فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَ كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ) * ص/ ۷۲-۷۴: «پس چون او را [کاملأ] درست کردم و از روح خویش در آن دمیدم، سجده‌کنان برای او [به خاک] بیفتید. پس همه فرشتگان یکسره سجده کردند. مگر ابلیس [که] تکبر نمود و از کافران شد.»

روایات زیادی نیز بر این دلالت دارد از جمله:

- ۱- قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (ع): «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ رَكَّبَ فِي الْمَلَائِكَةِ عَقْلًا بَلَا شَهْوَةَ وَ رَكَّبَ فِي الْبَهَائِمِ شَهْوَةَ بَلَا عَقْلٍ وَ رَكَّبَ فِي بَنِي آدَمَ كِلْتَاهُمَا فَمَنْ غَلَبَ عَقْلُهُ شَهْوَتُهُ فَهُوَ خَيْرٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ مَنْ غَلَبَ شَهْوَتُهُ عَقْلُهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ»^۱: «امیر المؤمنین علی بن ابی طالب فرمود: خداوند فرشته را به عقل اختصاص داد بدون شهوت و غضب، و حیوانات را شهوت و غضب داد بدون عقل، ولی انسان را با دادن تمام آنها جامعه تشریف پوشاند. پس اگر شهوت و غضب او تسلیم عقلش شود از فرشتگان برتر می‌شود و اگر شهوتش بر عقلش غلبه یابد از حیوانات هم پست تر می‌شود.»

- ۲- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «مَا خَلَقَ اللَّهُ خَلْقًا أَفْضَلَ مِنِّي وَ لَا أَكْرَمَ عَلَيْهِ مِنِّي قَالَ عَلِيُّ ع فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَأَنْتَ أَفْضَلُ أَمْ جَبْرَائِيلُ فَقَالَ ص يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فَضَّلَ أَنْبِيََاءَهُ الْمُرْسَلِينَ عَلَى مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَ فَضَّلَنِي عَلَى جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ الْفَضْلُ بَعْدِي لَكَ يَا عَلِيُّ وَ لِلَّيْمَةِ مِنْ بَعْدِكَ وَ إِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَخُدَّاءُنَا» خدای تعالی آفریده ای از من برتر نیافرید و هیچ آفریده ای نزد خدای تعالی از من گرامی نیست. علی (علیه السلام) گوید: عرض کردم یا رسول الله، آیا تو برتر هستی یا جبرئیل؟ فرمود: یا علی،

۱. مجلسی، محمد باقر، پیشین، ج ۵۷، ص ۲۹۹

خداوند متعال پیامبران و رسولانش را بر ملائکه مقربین برتری بخشید و پس از من برتری از آن تو و امامان پس از تو است. فرشتگان، خدمتکاران ما و دوستانمان هستند.^۱

علامه محمد تقی جعفری می نویسد: « فرشتگان به امتیازات و عظمت های بسیار مهمی نایل می شود، و بر خلاف آنچه برخی از مردم تصور می کنند، فرشتگان موجوداتی فوق العاده مقدس و منزّه و مهذب و نزدیک به مقام شامخ ربوبی می باشند. لذا باید گفت این که :

حمله دیگر بمیرم از بشر تا برآرم از ملائک بال و پر

از ملک هم بایدم پران ز جو کل شیء هالک الا وجهه

بار دیگر از ملک پران شوم آن چه در وهم ناید آن شوم

به این آسانی هم نیست و نباید این مطلب را همان که گاهی در ادبیات مطرح می شود، بی اهمیت تلقی نمود، یعنی واقعیت چنان نیست که ما هر گاه بر سر ذوق آمسیم و لطیفه گویی ما به اصطلاح عامیانه گل کرد، با کمال آرامش فکری بنشینیم و بگوییم: ما انسانها از فرشتگان بالاتریم! اما چنین و چنانیم! درست این گونه مطالب است که ما را متکبر و از خود راضی ساخته و به جای کار و کوشش و تلاش در مسیر رشد و کمال مادی و معنوی، می نشینیم و به تماشای لذت بخش درخت بزرگ خلقت - که میوه هایش هم، خود ما انسان ها هستیم - قناعت می ورزیم و تا به خود بیاییم، صفحات کتاب عمر ما یکی پس از دیگری ورق خورده و آفتاب عمر به لب بام رسیده است. البته ما منکر نیستیم که اگر در آدم (علیه السلام) و فرزندان او استعداد بالاتر رفتن از

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الارضا، پیشین، ج ۱، ص ۲۶۲

فرشتگان نبود خداوند فرشتگان را به سجده به آدم (علیه السلام) امر نمی‌فرمود، ولی باید دقت کنیم و ببینیم که چه مقدار از مردم در اثر تادب به آداب الله و تخلق به اخلاق الله و تهذب روحی می‌توانند که استعداد را به فعلیت برسانند و به قول مولوی: آن چه آن در وهم ناید آن شوید»^۱.

تنها موجودی که از نیروهای مختلف، مادی و معنوی، جسمانی و روحانی تشکیل شده، و در لابلای تضادها می‌تواند پرورش پیدا کند، و استعداد تکامل و پیشروی نامحدود دارد، انسان است.

آیا همه انسان‌ها از فرشتگان برترند؟ در حالی که گروهی بی‌ایمان، شرور و ستمگر هستند که از پست‌ترین خلق خدا محسوب می‌شوند.

چنان گفته شده، آری همه انسان‌ها برترند، اما بالقوه و بالاستعداد، یعنی همگی این زمینه و شایستگی را دارند، حال، اگر از آن استفاده نکنند، و سقوط نمایند، مربوط به خودشان است.^۲

انسان گل سرسبد موجودات جهان هستی است، و تمام جهان هستی برای خدمت به او خلق شده‌اند، و مقامی بالاتر از فرشتگان و ملائک دارد، و خلیفه و نماینده خداوند در زمین است. پس عقیده مطابق با آیات و نقل و عقل، به برتری انسان کامل و متعالی بر فرشتگان دلالت می‌کند.

۲-۲. ویژگی های فرشتگان

در قرآن کریم برای فرشتگان صفات بسیاری گفته شده که همگی نشان از تسلیم محض و اطاعت آنها از اوامر خداوند می‌باشد که ما در اینجا به بررسی برخی از آنها می‌پردازیم.

۲-۲-۱. عصمت فرشتگان

۱. جعفری، محمد تقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸، ج ۱۶، ص ۴۷

۲. مکارم شیرازی، ناصر، پیشین، ج ۱۲، ص ۲۲۴

از جمله اوصاف مسلم فرشتگان حق، عصمت و پاک دامنی ایشان است.

* (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَاراً وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَ يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ) * تحریم/۶: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خودتان و کسانتان را از آتشی که سوخت آن، مردم و سنگهاست حفظ کنید: بر آن [آتش] فرشتگانی خشن [و] سختگیر [گمارده شده] اند. از آنچه خدا به آنان دستور داده سرپیچی نمی‌کنند و آنچه را که مأمورند انجام می‌دهند».

عبارت «لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَ يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» مبنی بر طاعت ذاتی فرشتگان و تفسیر غلاظ و شداد است که درباره اجرای عقوبت به نهایت شدت و سختی نیز اطاعت خواهند نمود و هرگز در مقام تمرد از اوامر و دستورات مقام کبریائی برنخواهند آمد و آنچه به هر یک از آنان امر شرف صدور بیابد بی درنگ اجراء خواهند نمود.

فرشتگان با نیروهای غیبی زیاده بر تصویری که دارند نیرو و قدرت خود را فقط در اجرای اوامر و دستورات صادر از پروردگار عز اسمه بکار می‌برند و فرشتگان مورد نهی قرار نمی‌گیرند زیرا نهی فرع امکان عصیان و جواز اتیان فعل مورد نهی است و فرشتگان اراده و عملی ندارند جز اینکه اوامر و دستورات وجودی پروردگار را اجراء نمایند.

بالاخره اطاعت فرشتگان برحسب اراده تکوینی اختصاص بامر وجودی و اجرای دستور دارد زیرا نظام خلقت عبارت از رابطه صحنه امکان با ساحت کبریائی است و فقط تابش اشعه هستی است بر این اساس نهی از عمل در باره فرشتگان تصور نمی‌رود هم چنانکه آیه (لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ) مبنی به آن است که هر چه را پروردگار بآنان امر فرماید هرگز تمرد نمی‌نمایند و نمی‌توانند تمرد نمایند و اطاعت را فقط در مورد امر معرفی نموده است.^۱

برخی از صاحب‌نظران در خصوص تفسیر آیه مورد نظر گفته‌اند، روشن است هر ماموری برای کاری گمارده شود باید روحیاتی متناسب آن داشته باشد، و ماموران عذاب طبعاً باید خشن باشند، چرا که جهنم کانون رحمت نیست، کانون خشم و غضب الهی است، اما در

۱. حسینی همدانی، سید محمد حسین، انوار درخشان، تهران، کتابفروشی لطفی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱۶، ص ۴۵۶

عین حال، این ماموران هرگز از مرز عدالت خارج نمی‌شوند، و فرمان خدا را بی‌کم و کاست اجرا می‌کنند.

جمعی از مفسران در اینجا سؤالی مطرح کرده‌اند که تعبیر به عدم عصیان در آیه فوق، با مساله عدم وجود تکلیف در قیامت چگونه سازگار است؟

ولی باید توجه داشت که اطاعت و ترک عصیان فرشتگان یک نوع اطاعت تکوینی است نه تشریعی، و اطاعت تکوینی همیشه وجود دارد، و به تعبیر دیگر آنها آن چنان ساخته شده‌اند که فرمان‌های الهی را با کمال میل و رغبت و عشق در عین اختیار اجرا می‌کنند.^۱

برخی نیز معتقدند جمله « لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَ يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ » به منزله تفسیری است برای جمله « غلاظ شداد »، که منظور از غلاظ و شداد این است که فرشتگان نامبرده ملازم آن ماموریتی هستند که خدای تعالی به آنان داده، و غیر از خدا و اوامرش هیچ عامل دیگری از قبیل رقت و ترحم و امثال آن در آنان اثر نمی‌گذارد، و خدا را با مخالفت و یا رد، عصیان نمی‌کنند، هر چه را مامور باشند مو به مو اجرا می‌کنند، بدون اینکه چیزی از خود آنان فوت شود، و یا به خاطر ضعف و خستگی از ماموریت کم کنند، (نتیجه عذابی که آنان به انسانها می‌دهند عذابی است که اگر انسانی آن را انجام می‌داد، می‌گفتم فلانی شکنجه‌گری غلاظ و شدید، و مردی بی‌رحم و بی‌شفقت است، و خلاصه اینکه) وقتی عمل چنین عملی بود، می‌توان صاحب عمل را غلیظ و شدید خواند.^۲

حضرت امیر - سلام الله علیه - در خطبه معروف به اشباح بیانی دارند که به بخش‌هایی از آن را برای این بحث اشاره می‌کنیم: خداوند بزرگ (بعضی از) فرشتگان را امین خود قرار داده تا وحی او و اوامر و نواهی اش را به پیامبران برسانند و آنان را از تردید و شبهات نگاه داشته است و هیچ کدام از آنها از رضای حق منحرف نمی‌شوند... و بار گناهان بر دوش آنان سنگینی نمی‌کند (مرتکب گناهی نمی‌شود؛ زیرا دارای شهوات و نفس اماره نیستند).^۳

۱. مکارم شیرازی، ناصر، پیشین، ج ۲۴، ص ۲۸۸

۲. طباطبایی، محمد حسین، پیشین، ج ۱۹، ص ۵۶۱

۳. شریف رضی، محمد بن حسین، پیشین، خ ۹۰

۲-۲-۲. وجود غیر مادی فرشتگان

ملائکه، مخلوق خداوند و عقول مجرد از ماده‌اند و در خارج از ذهن، دارای شکل مادی نیستند. آنها از جنس و نوع اجزای عالم طبیعت نیستند؛ بلکه موجوداتی مقدس و دارای ماهیتی مخصوص می‌باشند. فیلسوفان، فرشتگان را وسایط آفرینش می‌دانند؛ زیرا ذات حق، برتر از آن است که مستقیماً به امور جزئی متغیر جهان بپردازد. اگر قرار بود خداوند، هر کار کوچک و ناچیزی را خود انجام دهد، ایجاد واسطه‌ها و وسایل، امری بیهوده بود و خدا برتر از آن است که چیزی را عبث خلق کند. هرکس چنین اعمالی را به خدا نسبت دهد، معنای فاعلیت و تأثیر را درنیافته است؛ چراکه وجود هر معلولی نسبت به فاعل نزدیک و بی واسطه، نسبت پرتو با نورافکن و کلام با متکلم است.^۱

هیچ یک از پدیده‌ها و نیروهای درونی، مانند اندیشه، تخیل، اراده و آن حقیقتی که مدیریت آنها را در اختیار دارد و «من» نامیده می‌شود، وارد منطقه حواس نمی‌شوند و حتی تسلیم حساس‌ترین وسایل نمی‌گردند. فرشتگان نیز از جنس و نوع اجزا و پدیده‌های عالم طبیعت نیستند؛ بلکه موجوداتی مقدس و دارای ماهیت مخصوص می‌باشند. توصیفات ما درباره فرشتگان نیز مستند به وحی است.^۲

گفته شده است ملائکه موجوداتی هستند که در وجودشان منزله از ماده جسمانی‌اند، چون ماده جسمانی در معرض زوال و فساد و تغییر است، و نیز کمال در ماده، تدریجی است، از مبدأ سیر و حرکت می‌کند تا به تدریج به غایت کمال برسد، و چه بسا در بین راه به موانع و آفاتی برخورد کند و قبل از رسیدن به حد کمالش از بین برود، ولی ملائکه این طور نیستند. و نیز از این بیان روشن می‌شود اینکه در روایات، سخن از صورت و شکل و هیاتهای جسمانی ملائکه رفته، از باب تمثیل است، و خواسته‌اند بفرمایند: فلان فرشته طوری است که اگر اوصافش با طرحی نشان داده شود، به این شکل درمی‌آید، و به همین جهت انبیا و امامان، فرشتگان را به آن صورت که برای آنان مجسم شدند، توصیف کرده‌اند و گر نه ملائکه به صورت

۱. صدرالدین شیرازی، محمد، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی،

۱۹۸۱م، ج ۸، ص ۱۱۸ و ۱۱۹

۲. جعفری، محمد تقی، پیشین، ج ۲، ص ۱۱۶

و شکل در نمی‌آیند. آری فرق است بین تمثل و شکل‌گیری، تمثل ملک به صورت انسان، معنایش این است که ملک در ظرف ادراک آن کسی که وی را می‌بیند، به صورت انسان درآید، در حالی که بیرون از ظرف ادراک او، واقعیت و خارجیت دیگری دارد، و آن عبارت است از صورتی ملکی.

به خلاف تشکل و تصور، که اگر ملک به صورت انسان، متصور و به شکل او متشکل شود، انسانی واقعی می‌شود، هم در ظرف ادراک بیننده، و هم در خارج آن ظرف، و چنین ملکی هم در ذهن ملک است، و هم در خارج، و این ممکن نیست.

و اما اینکه بر سر زبانها افتاده که می‌گویند: « ملک جسمی است لطیف، که به هر شکل درمی‌آید جز به شکل سگ و خوک، و جن نیز جسمی است لطیف، جز اینکه جن به هر شکلی درمی‌آید حتی شکل سگ و خوک » مطلبی است که هیچ دلیلی بر آن نیست، نه از عقل و نه از نقل - نه نقل از کتاب و نه نقل از سنت معتبر - و اینکه بعضی ادعا کرده‌اند بر اینکه مسلمین بر این مطلب اجماع دارند، علاوه بر اینکه چنین اجماعی در کار نیست، هیچ دلیلی بر حجیت چنین اجماعی در مسائل اعتقادی نیست.^۱

بدون تردید به علت مراتب وجودی ملائکه که موجوداتی مجرد و غیر مادی هستند از درک بشر هم خارج هستند اما آنها می‌توانند به شکل بشر هم درآیند که بارزترین نمونه آن عبارتند از:

- زمانی که حضرت جبرئیل به صورت جوانی زیبای بر حضرت مریم آن آشکار شد.

* (فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا) * مریم/۱۷: « و در برابر آنان پرده‌ای بر خود گرفت. پس روح خود را به سوی او فرستادیم تا به [شکل] بشری خوش‌اندام بر او نمایان شد ».

- زمانی که فرشتگان عذاب به صورت انسانی به میهمانی لوط و ابراهیم رفتند.

۱. طباطبایی، محمد حسین، پیشین، ج ۱۷، ص ۱۴-۱۵

* (فَلَمَّا رَأَىٰ أَيْدِيَهُمْ لَا تَصِلُ إِلَيْهِ نَكِرَهُمْ وَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً لَا تَخَفْ إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ قَوْمِ لُوطٍ) *هود/۷۰: «و چون دید دستهایشان به غذا دراز نمی‌شود، آنان را ناشناس یافت و از ایشان ترسی بر دل گرفت. گفتند: مترس، ما به سوی قوم لوط فرستاده شده‌ایم.»

- و هنگامی که دو فرشته الهی هاروت و ماروت به صورت آدمی به تعلیم مردم بابل پرداختند.

* (... وَمَا أَنزَلْنَا عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَ مارُوتَ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ...) * بقره/۱۰۲: «و [نیز از] آنچه بر آن دو فرشته، هاروت و ماروت، در بابل فرو فرستاده شده بود [پیروی کردند]، با اینکه آن دو [فرشته] هیچ کس را تعلیم [سحر] نمی‌کردند مگر آنکه [قبلاً به او] می‌گفتند: ما [وسیله] آزمایشی [برای شما] هستیم، پس زنهار کافر نشوی.»

پس چنانچه گفته شده، به طور کلی این پیامبران بودند که از مصاحبت فرشتگان برخوردار بودند. اما انسان‌های معمولی پس از مرگ توانایی دیدن آنها را پیدا می‌کنند.

* (يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلَائِكَةَ لَا بُشْرَىٰ يَوْمَئِذٍ لِلْمُجْرِمِينَ وَيَقُولُونَ حِجْرًا مَّحْجُورًا) * فرقان/۲۲: روزی که فرشتگان را ببینند، آن روز برای گناهکاران بشارتی نیست، و می‌گویند: دور و ممنوع [از رحمت خدایید].

و اما، موجودات روحانی و پاک در این عالم در ارتباط با فرشتگان روحانی عالم بالا هستند و آنها نیز انس و علاقه و رغبت به این موجودات طیب و طاهر این عالم را پیدا می‌کنند. مثلاً ملائکه رحمت، خانه تمیز و مکان نظیف و انسان مؤمن و پاکیزه را دوست دارند. آنها طهارت، غسل و وضو را دوست دارند. لباس سفید، عطر و بوی خوش را دوست دارند و هر جایی که بوی خوش در آنجا باشد آنها را متوجه خود می‌سازد و همچنین آنها قرائت قرآن را دوست دارند. منزل امام و پیامبر و ولی خدا را دوست دارند و در آنجا نزول می‌یابند و ملائکه رحمت از محل ظلمت و متعفن دوری می‌کنند. مثلاً در خانه ای که سگ نگهداری شود

فرشتگان به آن خانه نمی آیند و همین طور اگر در خانه ای شرب خمر شود یا آلات موسیقی و قمار و معصیت در آنجا باشد فرشتگان به آن خانه وارد نمی شوند.^۱

لذا مشاهده و ادراک فرشتگان با خروج حجاب های نفسانی و مسلح شدن به چشم دل میسر است که این عمل هم بسیار دشوار است و هر انسانی قادر به انجام آن نیست. امام حسن عسگری (ع) می فرماید:

« رسول خدا (ص) هنگام احتجاج با مشرکین در مورد ملائکه فرمود: شما با حواستان نمی توانید فرشته را مشاهده کنید، چه این که فرشتگان از جنس این هوا است (یعنی همانطور که هوا دیده نمی شود فرشته نیز قابل رؤیت نیست) یعنی دیدن فرشته نیرویی روحانی و بسیار قوی می خواهد که شما ندارید و فقط انبیاء و بعضی از اولیای کامل الهی قادرند آنرا مشاهده نمایند ».^۲

* (فَارْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا) * مریم/۱۷: « پس روح خود را به سوی او فرستادیم تا به [شکل] بشری خوش اندام بر او نمایان شد ».

برخی از صاحب نظران درباره معنای تمثل و تجسم گفته اند: « معنای تمثل و تجسم به صورت بشر این است که در حواس بینایی مریم به این صورت محسوس شود، و گر نه در واقع باز همان روح است نه بشر.

و چون از جنس بشر و جن نبود، بلکه از جنس ملک و نوع سوم مخلوقات ذوی العقول بود که خدا او را در کتابش وصف نموده، و ملک نامیده، و آن فردی را که مامور وحی است جبرئیل نامیده، مثلاً فرمود: * (مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ) * بقره/۹۷: « کسی که دشمن جبرئیل است [در واقع دشمن خداست] چرا که او، به فرمان خدا، قرآن را بر قلبت نازل کرده است، در حالی که مؤید [کتابهای آسمانی] پیش از آن، و هدایت و بشارتی برای مؤمنان است ». و جای دیگر او را روح خوانده، فرموده: * (قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ

۱. حسینی تهرانی، محمد حسین، معاد شناسی، تهران، نشر اسلامی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۹۳

۲. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، مکتب اعلام اسلامی، ج ۹، ۱۳۶۲، ص ۱۹۷

﴿نحل/۱۰۲﴾: «بگو: آن را روح القدس از طرف پروردگارت به حق فرود آورده». و نیز فرموده: ﴿نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَى قَلْبِكَ﴾ ﴿شعراء/۱۹۳-۱۹۴﴾: «روح الامین آن را بر دلت نازل کرد». و نیز او را رسول خوانده و فرمود: ﴿إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ﴾ ﴿حاقه/۴۰﴾: «که [قرآن] قطعاً گفتار فرستاده‌ای بزرگوار است». لذا از همه اینها می‌توان فهمید که آن روحی که برای مریم به صورت بشری مجسم شد همان جبرئیل بوده است.

در روایات، کلمه تمثیل بسیار به چشم می‌خورد، ولی در قرآن کریم جز در سوره مبارکه مریم آیه ۱۷ نیامده، و آیات بعدی که در آن جبرئیل خود را برای مریم معرفی می‌کند بهترین شاهد است بر اینکه وی در همان حال هم که به صورت بشر مجسم شده بود باز فرشته بود، نه اینکه بشر شده باشد، بلکه فرشته‌ای بود به صورت بشر، و مریم او را به صورت بشر دید.

بنابراین، معنای تمثیل جبرئیل برای مریم به صورت بشر، این است که در حاسه و ادراک مریم به آن صورت محسوس شد، نه اینکه واقعا هم به آن صورت در آمده باشد، بلکه در خارج از ادراک وی صورتی غیر صورت بشر داشت.

و این معنایی که برای تمثیل کردیم با همان معنای لغوی کلمه منطبق می‌شود، چون وقتی می‌گوئیم: «تمثیل شیء لشیء فی صورة کذا» معنایش این است که چیزی برای چیز دیگری به فلان صورت در آمد، یعنی او آن را به صورت فلان چیز تصور کرد، نه اینکه واقعا هم به آن صورت در آمده و چیز دیگری شده باشد، پس تمثیل ملک به صورت بشر، ظهور او برای بیننده به صورت بشر است، نه اینکه ملک بشر بشود، زیرا اگر معنایش این باشد لازم می‌آید که چیزی، چیزی دیگر شود، نه اینکه چیزی به صورت چیزی دیگر ظاهر شود و تمثیل یابد.^۱

۲-۲-۳. تولی و تبری فرشتگان

یکی از اوصاف عملی فرشتگان، «تولی و تبری» است. خدای سبحان هنگام درود فرستادن، فرشتگان را اهدا کنندگان صلوات بر رسول اکرم (ص) معرفی می‌کند؛ ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ ﴿احزاب/۵۶﴾: «خدا و

۱. طباطبایی، محمد حسین، پیشین، ج ۱۴، ص ۴۸-۴۷

فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر او درود فرستید و به فرمانش به خوبی گردن نهید.»

تبری نیز در کنار تولی از فرائض دینی است و همان طور که نماز و روزه واجب است، تولی اولیای حق و تبری از دشمنان حق، بر همگان واجب است. فرشتگان همان گونه که تولی دارند، تبری نیز دارند؛ * (إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ أُولَئِكَ عَلَيْهِمُ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ) * بقره/۱۶۱: « کسانی که کافر شدند، و در حال کفر مردند، لعنت خدا و فرشتگان و تمام مردم بر آنان باد.»

فرشتگان مانند ذات اقدس الهی از کافران منزجرند و بر آنها لعنت می‌فرستند؛ چنان که مؤمنان و انسانها نیز از کافران منزجرند و بر آنها نفرین و لعن می‌فرستند.^۱

۲-۲-۴. ماموریت ملائکه

گفته شده است که فرشتگان نیز مانند انس و جن از نوعی اختیار بهره‌مندند، اگر چه جنبه قدسی و نورانیت آنها غلبه دارد. به طوری که از بعضی مآخذ چنین استفاده می‌شود که فرشتگان نفس اماره ندارند. و عقل و نور محض هستند، چنان که امیر مومنان علی (علیه السلام) فرموده :

« إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ رَكَّبَ فِي الْمَلَائِكَةِ عَقْلًا بَلَا شَهْوَةَ وَ رَكَّبَ فِي الْبَهَائِمِ شَهْوَةً بَلَا عَقْلٍ وَ رَكَّبَ فِي بَنِي آدَمَ كِلَيْهِمَا فَمَنْ غَلَبَ عَقْلُهُ شَهْوَتُهُ فَهُوَ خَيْرٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلُهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ » ؛ خداوند عزوجل برای ملائکه، عقل را بدون شهوت قرار داده و برای حیوانات شهوت را بدون عقل، و برای فرزند آدم هم عقل و هم شهوت را. پس هر کس که عقلش بر شهوتش غالب شود از فرشتگان برتر است، و هر کس که شهوتش بر عقلش غالب آید از حیوانات پست تر و بدتر است.

۱. جوادی آملی، عبدالله، زن در آئینه جلال و جمال، پیشین، ص ۹۳

۲. ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرائع، قم، کتاب فروشی داوری، ۱۳۸۵، ج ۱، باب ششم، ص ۵

اما چنین آفرینشی برای فرشتگان منافاتی ندارد که آنها مکلف و مسئول باشند. امر خداوندی به سجده بر آدم تکلیفی بود که متوجه فرشتگان شد و اگر موجودات مقدس مانند جمادات محض - که هیچ گونه آگاهی و اختیاری ندارند - باشند نمی‌توانند شایسته آن امتیازات و عظمت‌ها باشند. البته به علت تقرب و ارتباط نزدیکی که فرشتگان با مقام شامخ ربوبی دارند، آنان از اختیار خودشان همواره در راه خیر و کمال بهره می‌برند.^۱

و نیز فرمایش دیگر حضرت امیر المومنین (علیه السلام) که به نوعی بر اختیار ملائکه دلالت می‌کند: «وَلَا تَعْدُو عَلَى عَزِيمَةِ جِدِّهِمْ بِلَادَةَ الْغَفَلَاتِ وَلَا تَنْتَضِلْ فِي هِمَمِهِمْ خَدَائِعُ الشَّهَوَاتِ»^۲؛ کندی غفلت‌ها بر قاطعیت کوشش و تلاش آنان نفوذی ندارند و عوامل فریبنده شهوات دست به سوی همت‌های آنان نمی‌یازند.

در جملات فوق، مقولاتی از قبیل همت و عزم به فرشتگان اسناد داده شده است که به طور واضح بر وجود اراده و مبادی اراده و حتی عزم، که از نتایج اختیار است، دلالت می‌کند.

برخی گفته‌اند اطاعت و ترک عصیان فرشتگان یک نوع اطاعت تکوینی است نه تشریعی، و اطاعت تکوینی همیشه وجود دارد، و به تعبیر دیگر آنها آن چنان ساخته شده‌اند که فرمانهای الهی را با کمال میل و رغبت و عشق در عین اختیار اجرا می‌کنند.^۳

و برخی از صاحب نظران در مورد چگونگی تکلیف فرشتگان گفته‌اند: جمله «يَعِصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ» * تحریم/۶ ناظر به این است که این فرشتگان ملتزم به تکلیف خویشند، و جمله «يَفْعَلُونَ» ناظر به این است که عمل را طبق دستور انجام می‌دهند، و اینکه جمله اول راجع به دست نکشیدن از کار است، و جمله دوم راجع به این است که کار را مو به مو طبق دستور خدا انجام می‌دهند.

۱. رجالی تهرانی، علی رضا، پیشین، ص ۲۷

۲. شریف رضی، محمد بن حسین، پیشین، ص ۱۳۱

۳. مکارم شیرازی، ناصر، پیشین، ج ۲۴، ص ۲۸۸

و نیز تکلیف ملائکه از سنخ تکلیف معهود در مجتمع بشری ما نیست، چون در بین ما انسانهای اجتماعی تکلیف عبارت از این است که تکلیف کننده اراده خود را متعلق به فعل مکلف کند، و این تعلق امری است اعتباری، که دنبالش پای ثواب و عقاب به میان می‌آید، یعنی اگر مکلف موجودی دارای اختیار باشد، و به اختیار خود اراده تکلیف کننده را انجام بدهد، مستحق پاداش می‌شود، و اگر ندهد سزاوار عقاب می‌گردد، و در چنین ظرفی یعنی ظرف اجتماع، و نسبت به چنین تعلقی یعنی تعلق اعتباری البته، هم فرض اطاعت هست و هم فرض معصیت، هم ممکن است مکلف فعل مورد اراده تکلیف کننده را بیاورد و هم ممکن است نیاورد.

اما در غیر ظرف اجتماع مثلاً در بین ملائکه که زندگیشان اجتماعی نیست، و اعتبار در آن راه ندارد، تا فرض اطاعت و معصیت هر دو در آن راه داشته باشد، تکلیف هم معنای دیگری دارد، آری ملائکه خلقی از مخلوقات خدایند، دارای ذواتی طاهره و نوریه، که اراده نمی‌کنند مگر آنچه خدا اراده کرده باشد، و انجام نمی‌دهند مگر آنچه او مامورشان کرده باشد، هم چنان که فرمود: ﴿بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ لَا يَسْتَفِئُونَ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ﴾ * انبیاء/۲۷، و به همین جهت در عالم فرشتگان جزا و پاداشی نیست، نه ثوابی و نه عقابی، و در حقیقت ملائکه مکلف به تکالیف تکوینی‌اند، نه امر و نهی‌های تشریعی، و تکالیف تکوینیشان هم به خاطر اختلافی که در درجات آنان هست مختلف است، هم چنان که در جای دیگر قرآن آمده: ﴿وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ﴾ * صافات/۱۶۴، و نیز از خود ملائکه نقل کرده که می‌گویند: ﴿وَمَا نَنْتَزِلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ لَهُ مَا بَيْنَ أَيْدِينَا وَمَا خَلْفَنَا﴾ * مریم/۶۴.

عموم فرشتگان در مساله عبادت و پرستش، موجوداتی تسلیم، خاشع و خالص‌اند که لحظه‌ای از عبادت حضرت حق غافل نمی‌شوند و بعضی از فرشتگان همواره حق تعالی را در حال سجده عبادت می‌کنند، بعضی همیشه در رکوعند و بعضی در قیام و گروهی فقط خداوند را تسبیح می‌گویند و شاید سایر فرشتگان هم در عمل، مشغول عبادت ایشان باشند و به هر رو، در این جا به ذکر چند نمونه از آیات و روایاتی که دلالت بر عبادت ایشان دارد، بسنده می‌کنیم:

۱. طباطبایی، محمد حسین، پیشین، ج ۱۹، ص ۵۶۲-۵۶۳

﴿لِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ وَالْمَلَائِكَةُ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ﴾*
نحل/۴۹: «و آنچه در آسمانها و آنچه در زمین از جنبندگان و فرشتگان است، برای خدا سجده می کنند و تکبر نمی ورزند».

﴿... وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا إِنْ اللَّهُ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ﴾* شوری/۵: «و [حال آنکه] فرشتگان به سپاس پروردگارشان تسبیح می گویند و برای کسانی که در زمین هستند آمرزش می طلبند. آگاه باش، در حقیقت خداست که آمرزنده مهربان است».

﴿وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَنِ إِنَاثًا أَشَهِدُوا خَلْقَهُمْ سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ﴾* زخرف/۱۹: «و فرشتگانی را که خود، بندگان رحمانند، مادینه [و دختران او] پنداشتند. آیا در خلقت آنان حضور داشتند؟ گواهی ایشان به زودی نوشته می شود و [از آن] پرسیده خواهند شد».

می دانیم که بعد از سخنان الهی و فرستاده اش، سخنی بالاتر و استوارتر از سخن وصی و جانشین او، امیر مومنان (علیه السلام) نیست لذا در خطبه اشباح می فرماید: «قَدْ اسْتَفْرَعَتْهُمْ أَشْغَالُ عِبَادَتِهِ وَ [وَصَلَتْ] وَصَلَتْ حَقَائِقُ الْإِيمَانِ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ مَعْرِفَتِهِ وَ قَطَعَهُمُ الْإِيْقَانُ بِهِ إِلَى أَوَّلِهِ إِلَيْهِ وَ لَمْ تَجَاوِزْ رَغْبَاتُهُمْ مَا عِنْدَهُ إِلَى مَا عِنْدَ غَيْرِهِ...» «اشتغال به عبادت حق، آنها را از هر کار دیگری باز داشته و حقایق ایمان با معرفت حق پیوندشان داده است و یقین و باور به حق آنها را به او مشتاق گردانیده، و علاقه ای به غیر از آن چه نزد پروردگار است ندارند.

و نیز در صحیفه سجادیه، دعای سوم، سید الساجدین (علیه السلام) به درگاه الهی عرضه می دارد: «اللَّهُمَّ وَ حَمَلَةُ عَرْشِكَ الَّذِينَ لَا يَفْتُرُونَ مِنْ تَسْبِيحِكَ، وَ لَا يَسْأَمُونَ مِنْ تَقْدِيسِكَ، وَ لَا يَسْتَحْسِرُونَ مِنْ عِبَادَتِكَ، وَ لَا يُؤْثِرُونَ التَّقْصِيرَ عَلَى الْجِدِّ فِي أَمْرِكَ، وَ لَا يَغْفُلُونَ عَنْ أَوَّلِهِ إِلَيْكَ»^۲: بار خدایا، درود بفرست بر نگه داران عرشت، که از تسبیح تو سست نمی شوند، و از تقدیس و مبرا گردانیدن تو به ستوه نمی آیند و از پرستش تو درمانده و

۱. شریف رضی، محمد بن حسین، پیشین، خ ۹۱

۲. علی بن حسین (ع)، پیشین، دعای سوم، ص ۳۶

خسته نمی‌شوند. تقصیر و کوتاهی را بر کوشش در فرمان بری تو اختیار نمی‌نمایند و از شیفتگی به سوی تو غفلت ندارند.

در حدیثی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌خوانیم: خداوند فرشتگانی دارد که از آغاز آفرینش آنها تا روز قیامت برای خدا سجده می‌کنند و در آن روز سر از سجده بر می‌دارند و می‌گویند: ما ابدناک حق عبادتک؛ ما حق عبادت ترا انجام ندادیم.^۱

نیز فرموده است: «إِنَّ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مَلَائِكَةً لَيْسَ شَيْءٌ مِنْ أَطْبَاقِ أَجْسَادِهِمْ إِلَّا وَهُوَ يُسَبِّحُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَ يُحَمِّدُهُ مِنْ نَاحِيَةٍ بِأَصْوَاتٍ مُخْتَلِفَةٍ لَا يَرْفَعُونَ رُءُوسَهُمْ إِلَى السَّمَاءِ وَلَا يَخْفِضُونَهَا إِلَى أَقْدَامِهِمْ مِنَ الْبُكَاءِ وَالْخَشْيَةِ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»^۲؛ برای خداوند تبارک و تعالی فرشتگانی است که تمام وجودشان خدای - عز و جل - را تسبیح می‌گوید و از جانبی او را با آوازهای گوناگون می‌ستایند و از اشک ریختن و خشیت خداوند سرهای خود را نه به سوی آسمان بلند می‌کنند و نه به طرف پاهای خویش پایین می‌آورند.

آری، تمام وجود فرشتگان حق را عشق به حضرتش و عشق به بندگی او احاطه کرده و تمام سرمایه آنها عبادتشان است، از این رو، آنان را عباد مکرمون نامیده و از بندگان خاص حضرت حق قلمداد کرده است و این عشق است که از ملائکه الله، بنده حقیقی و عبد خالص ساخته است.

۲-۲-۵. دلیل خلقت فرشتگان

تمامی افعال باری تعالی هدفمند و از روی حکمت است و کار بی‌هدفی از او صادر نمی‌شود چنان که فرموده است: «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ» * انبیاء / ۱۶: «و آسمان و زمین و آنچه را که میان آن دو است به بازیچه نیافریدیم».

با توجه به این مساله باید گفت به یقین، خلقت فرشتگان مانند سایر مخلوقات خداوند دارای حکمت است.

۱. مکارم شیرازی، ناصر، پیشین، ج ۱۱، ص ۲۵۶

۲. ابن بابویه قمی، محمد بن علی، توحید، بیروت، دارالمعرفه، بی تا، ص ۲۸۰

بعضی از دانشمندان اسلامی در این باره وجوهی را ذکر نموده‌اند، از جمله محدث عظیم‌القدر، علامه مجلسی می‌نویسد: اگر بگویند که این فرشته‌ها و تسلط آنها به انسان چه سودی دارد؟ جواب دهیم، چند وجه دارد: نخست این که، شیطان انسان را به شر و معصیت می‌کشاند، و این فرشته‌ها در برابر او آدمی را به خیر و طاعت دعوت می‌کنند. دوم این که مجاهد گفته: هیچ بنده خدا نباشد جز این که فرشته‌ای بر او گماشته شده تا او را از جن و انسان و جانوران نکه دارد. سوم این که، می‌بینیم بسا خاطره‌ای بی سبب، به قلب ما می‌آید و بعد روشن می‌شود که سبب مصلحتی بوده است، و بسا کشف می‌شود که سبب بلا یا گناه و تباهی می‌باشد؛ اولی از فرشته هادی است، و دومی از شیطان گمراه کننده. چهارم این که، چون آدمی بداند فرشته، کردار او را ثبت می‌کند و با اوست، بیشتر از گناه می‌پرهیزد، چنان که در حضور انسان محترم، شرم می‌کند و گناه نمی‌کند.^۱

به هنگام ذکر وظایف و کارهای فرشتگان - که جملگی با وجود حکمت آفرینش آنان پیوند دارد - ممکن است این سوال به ذهن خطور کند که چه اشکالی داشت تمام وظایفی را که خداوند به فرشتگان واگذارده، خود انجام می‌داد و دیگر این موجودات غیر مادی را نمی‌آفرید؟ باید گفت فرشتگان بیانگر عظمت و جلالت حق تعالی هستند، چنان که در روایات آمده و شیخ صدوق در کتاب توحید باب ذکر عظمت خداوند - جل جلاله چند نمونه را ذکر کرده است. علاوه بر آن، نظام طولی هستی اقتضا دارد که بین خدا و مخلوقات از جمله انسان واسطه‌هایی قدسی وجود داشته باشند؛ به بیانی دیگر، نظام عرضی شرایط مادی و اعدادی به وجود آمدن یک پدیده را تعیین می‌نماید. و به موجب این نظام است که تاریخ جهان وضع قطعی و مشخصی می‌یابد، هر حادثه در مکان و زمان خاص پدید می‌آید؛ و هر زمان خاص و مکان خاص، ظرف حوادث معینی می‌شود.

مقصود از نظام طولی علت و معلول، تربیت در آفرینش اشیا و به اصطلاح ترتیب در فاعلیت خدا در مورد اشیا از ناحیه اوست. علو ذات پروردگار و قدوسیت او اقتضا دارد که موجودات رتبه به رتبه و پشت سر یک دیگر نسبت به او قرار داشته باشند؛ صادر اولی باشد، صادر دومی باشد، صادر سومی باشد، و هم چنین یکی پس از دیگری ایجاد شوند و هر

۱. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، پیشین، ج ۵۹، ص ۱۵۳

کدام معلول ما قبل خود باشند. لذا باید گفت که عظمت و جلالت الهی اقتضا می‌کند بین او و انسان موجوداتی قدسی و با ظرفیت باشند تا امکان ارتباط با خدا برای انسان وجود داشته باشد. از این رو، در روایت است که: از حضرت صادق (علیه السلام) سوال می‌کنند: یا بن رسول الله، آیا رسول خدا (صلی الله علیه وآله) تاب مقاومت ملاقات و دیدار جبرئیل را نداشت و از آن جهت، از خود بی خود می‌شد و غش می‌کرد؟ فرمود: این در حالی بود که خداوند متعال بر رسولش تجلی می‌کرد و با او سخن می‌گفت.^۱

۲-۳. وظایف فرشتگان

فرشتگان دارای وظایف بسیاری هستند که هریک از آنها یا گروهی از آنها به کاری موظف می‌باشند، و می‌توان گفت که: کارهای ایشان به طور کلی به دودسته تقسیم می‌شود: ۱- وظایفی که در مورد شخص نیست. ۲- وظایفی که بعضی از فرشتگان به اعتبارشان خویش، در مواردی ویژه و در مورد اشخاصی خاصی، انجام می‌دهند.

در قسم اول، وظایف آنها بسیار است که به طور اجمال اشاره می‌شود: شهادت به وحدانیت خدا، شفاعت و استغفار برای مومنان، درود بر محمد و آل او (علیه السلام) خدمت به اهل بیت و شیعیان آن‌ها، وساطت در دبیر امور عالم، انزال وحی و قضا و قدر الهی، بشارت به مومنان، انذار کافران، نوشتن اعمال انسان‌ها، حفاظت از انسان‌ها، امداد مومنان، لعن برکفار؛ لذا دسته‌ای از ایشان حلالم عرش الهی‌اند، عده‌ای ماموران عذاب و عده‌ای ماموران رحمت الهی‌اند و

قسم دوم، از قبیل: دخالت فرشتگان در داستان حضرت زکریا، حمل تابوت بنی اسرائیل، فرشتگانی که به عنوان میهمان بر حضرت ابراهیم (ع) نازل شدند و سپس مامورین هلاکت قوم لوط را انجام دادند و

۲-۳-۱. فرشتگان کارگزاران خداوند در هستی

۱. حسینی طهرانی، محمد حسین، مهر تابان، مشهد، نشر علامه طباطبائی، چاپ پنجم، ۱۴۲۳ ه.ق، ص ۲۰۷

بر اساس آیات و روایات، فرشتگان واسطه‌های حضرت حق با عوالم هستی و موجودات آن هستند؛ یعنی، میان او و این عالم و عوالم دیگر، هر چه از خدا می‌رسد، به وسیله ملائکه است. از این رو هیچ واقعه، حادثه و رویدادی و هیچ تغییر، تبدیل و مساله‌ای - چه کوچک و چه بزرگ، چه خرد و چه کلان - در تمامی ابعاد آن و با همه پیچیدگی‌اش، تحقق پیدا نمی‌کند مگر به وساطت ملائکه.

در حقیقت افعال خداوند، از مجاری وجودی فرشتگان در شئون مختلف و با همه گستره کمی و کیفی اش پیاده می‌شود.^۱

چنانچه برخی از صاحب‌نظران معتقدند شکی نیست که مؤثر در وجود، موجودی جز خدا نیست و مؤثر حقیقی نیز جز او نخواهد بود؛ خداوند در نظم و تدبیر عوالم، از مخلوقات مستغنی بوده و از معاونت فرشتگان بی نیاز است* (تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ ...)* ملک/۱: «بزرگوار [او خجسته] است آنکه فرمانروایی به دست اوست».

اما خداوند بخشی از امورات عالم هستی را به آنها سپرده است چنان که در آیه* (فَالْمُدْبِرَاتِ أَمْرًا)* نازعات/ ۵: «و کار [بندگان] را تدبیر می‌کنند».

به طوری که هیچ حادثه‌ای از حوادث و هیچ واقعه‌ای مهم و یا غیر مهم نیست، مگر آنکه ملائکه در آن دخالتی دارند، و یک یا چند فرشته، موکل و مامور آند، اگر آن حادثه فقط یک جنبه داشته باشد یک فرشته، و اگر چند جنبه داشته باشد چند ملک موکل برآند. و دخالتی که دارند تنها و تنها این است که امر الهی را در مجرایش به جریان اندازند، و آن را در مسیرش قرار دهند، هم چنان که قرآن در این باره فرموده:*(لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهٖ يَعْمَلُونَ)* انبیاء/ ۲۷: در سخن از او پیشی نمی‌گیرند، و به امر او عمل می‌کنند.^۲

و نیز گفته شده، بطوری که از آیات قرآن کریم استفاده می‌شود فرشتگان در ابداء موجودات از ناحیه خدای تعالی، و برگشتن آنها به سوی او، بین خدا و خلق واسطه هستند، به

۱. شجاعی، محمد، ملائکه، قم، وثوق، چاپ سوم، ۱۳۸۵، صص ۱۸ و ۱۹

۲. طباطبایی، محمد حسین، پیشین، ج ۱۷، ص ۱۳

این معنا که اسبابی هستند برای حدوث حوادث، ما فوق اسباب مادی و جاری در عالم ماده که البته کاربردشان تا وقتی است که مرگ نرسیده و موجود به نشاء دیگر منتقل نشده است، چون بعد از مرگ و انتقال، دیگر اسباب مادی سببیتی ندارند.

اما وساطت ملائکه در مساله «عود» (باز گشت انسان ها به سوی خدا)، یعنی حال ظهور نشانه‌های مرگ و قبض روح و اجراء سؤال و ثواب و عذاب قبر، و سپس میراندن تمام انسانها در نفعه صور، و زنده کردن آنان در نفعه دوم، و محشور کردن آنان، و دادن نامه اعمال، و وضع میزانه‌ها، و رسیدگی به حساب، و سوق به سوی بهشت و دوزخ، که بسیار واضح است، و آیات دال بر این وساطت بسیار زیاد است، و احتیاجی به ایراد آنها نیست، روایات وارده در این مسائل از ناحیه رسول خدا (ص) و ائمه اهل بیت (ع) هم بیش از آن است که به شمار آید. و همچنین وساطت ملائکه در مرحله تشریع دین یعنی نازل شدن، و آوردن وحی، و دفع شیطانها از مداخله در آن، و پشت گرمی و یاری دادن به رسول خدا (ص)، و نیز تایید مؤمنین، و پاک کردن آنان از راه استغفار، و طلب مغفرت کردن از خدا برای آنان، جای تردید و بحث نیست.

و اما دلیل وساطت ملائکه در تدبیر امور این عالم، با اینکه هر امری برای خود سببی مادی دارد، دلیل اول اینکه به طور مطلق ملائکه را نازعات و ناشطات و سابحات و سابقات و مدبرات خوانده.

و همچنین دلیل دیگرش آیه زیر است، که می‌فرماید: ﴿... جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنَحٍ مَّثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ ...﴾ * فاطر/۱، که از آن به خاطر مطلق بودنش فهمیده می‌شود که ملائکه خلق شده‌اند برای اینکه واسطه باشند میان خدا و خلق، و برای انفاذ امر او فرستاده می‌شوند، همان امری که در آیه ﴿بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ﴾ انبیاء/۲۷، و آیه ﴿يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِنْ قَوَّتِهِمْ وَ يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾ * نحل/۵۰، که بال قرار دادن برای ملائکه اشاره به همین وساطت است.^۱

برخی معتقدند عبارت «جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا» با ملاحظه اینکه ملائکه جمع است و الف و لام بر سر دارد، می‌رساند که: تمام افراد و دسته‌های ملائکه، رُسُل و وسائطی هستند در بین

۱. همان، ج ۲۰، ص ۲۹۷

خدا و خلقتش در اجراء اوامری که بدیشان می کند؛ خواه در اوامر تکوینیّه، و خواه در اوامر تشریعیّه و بنابرین نباید آیه را اختصاص داد به فرشتگانی که بر پیغمبران علیهم السّلام فرود می آمدند و درباره خصوص احکام و شریعت، حامل وحی بوده اند؛ زیرا علاوه بر اطلاق لفظ رُسُل، آیاتی در قرآن کریم داریم که رسل و وسائط میان خدا و خلقتش را با تعبیری به غیر از تعبیر ملائکه یاد نموده است.^۱

و گفته شده، دیگر وجهی ندارد که ما کلمه «رسل» را که در آیه است اختصاص دهیم به آن ملائکه ای که بر انبیاء نازل می شدند. با اینکه قرآن کلمه «رسل» را بر ملائکه ای که واسطه وحی نبودند نیز اطلاق کرده، از آن جمله فرموده: ^۲ «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا» * انعام/ ۶۱: «تا هنگامی که یکی از شما را مرگ فرا رسد، فرشتگان ما جانش بستانند، در حالی که کوتاهی نمی کنند».

* (إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُونَ مَا تَمْكُرُونَ) * یونس/ ۲۱: «در حقیقت، فرستادگان [فرشتگان] ما آنچه نیرنگ می کنید می نویسند».

و نیز فرموده: ^۳ «وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا إِنَّا مُهْلِكُوا أَهْلَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ» * عنکبوت/ ۳۱: «و چون فرستادگان ما برای ابراهیم مژده آوردند، گفتند: ما اهل این شهر را هلاک خواهیم کرد، زیرا مردمش ستمکار بوده اند».

و برخی نیز معتقدند ظاهر آیه «جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا» اینست که جمیع ملائکه رسول بودند هر کدام فرستاده برای امری زیرا جمع محلی به الف و لام افاده عموم می دهد یک دسته مأمور به الهامات قلبی در قلوب بندگان یک دسته مأمور به دفع شیاطین یک دسته مأمور به نزول بر انبیاء و ائمه اطهار و بعض اولیاء یک دسته مأمور به نزول بر عبادت: طواف کعبه حرمهای مطهره ائمه طاهرین حضور در محافل مؤمنین در حال نماز و دعا و ذکر و مجالس وعظ و بیان احکام و تلاوت قرآن و بالاخره تمام مأمور به امری چه ملائکه رحمت و چه ملائکه

۱. حسینی طهرانی، محمد حسین، نور ملکوت قرآن، مشهد، علامه طباطبائی، ۱۴۱۰ه.ق، ج ۲ ص ۴۰۴

۲. طباطبائی، محمد حسین، پیشین، ج ۱۷، ص ۶

عذاب موکلین بهشت و جهنم و به انزال رحمت و عذاب و غیر اینها همه از بهر تو سرگشته و فرمان بردار»^۱.

بنابراین چنانچه گفته شده، ملائکه جز وساطت بین خدای تعالی و بین خلق او، و انفاذ دستورات او در بین خلق، وظیفه و کاری ندارند، و این بر اساس تصادف و اتفاق نیست، که مثلا خدای تعالی گاهی اوامر خود را به دست ایشان جاری سازد، و گاهی مثل همان امر را بدون وساطت ملائکه خودش انجام دهد، چون در سنت خدای تعالی نه اختلافی هست، و نه تخلفی، هم چنان که فرمود: ﴿إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ هود/۵۶: «به راستی پروردگار من بر راه راست است»، و نیز فرموده: ﴿فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا﴾ فاطر/۴۳: «و هرگز برای سنت خدا تبدیلی نمی‌یابی و هرگز برای سنت خدا دگرگونی نخواهی یافت».

از جمله وساطت‌های ملائکه یکی این است که بعضی از آنان مقام بلندتری دارند، و امر خدای تعالی را گرفته به پائین‌تر خود می‌رسانند و در تدبیر بعضی امور پائین‌تر خود را مامور می‌کنند، و این در حقیقت توسطی است که متبوع و دارنده مقام بلندتر بین خدا و بین تابع و دارنده مقام پائین‌تر آن دارد، مثل توسطی که ملک الموت در مساله قبض ارواح دارد، و پائین‌تر خود را مامور به آن می‌کند، و خدای تعالی از خود آنان حکایت کرده که گفته‌اند: ﴿وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَعْلُومٌ﴾ صافات/۱۶۴، و نیز فرموده: ﴿مُطَاعٌ ثَمَّ أَمِينٌ﴾ تکویر/۲۱، و نیز فرموده: ﴿حَتَّىٰ إِذَا فُزِعَ عَنْ قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ قَالُوا الْحَقَّ﴾ سبأ/۲۳: «تا چون هراس از دل‌هایشان برطرف شود، می‌گویند: «پروردگارتان چه فرمود؟» می‌گویند: «حقیقت و هموست بلندمرتبه و بزرگ»^۲.

برخی از صاحب‌نظران در رابطه با عدم منافات بین واسطه بودن ملائکه و استناد حوادث به ایشان، با استناد آنها به خدای تعالی و به اسباب ظاهری گفته‌اند: اینکه خدای تعالی ملائکه را واسطه بین خدا و حوادث دانسته، و یا به عبارتی ملائکه را اسبابی معرفی کرده که

۱. طبیب، عبدالحسین، أطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، اسلام، ۱۳۷۸، ج ۱۱، ص ۴

۲. طباطبایی، محمد حسین، پیشین، ج ۲۰، ص ۲۹۸

حوادث مستند به آنها است، منافات با این معنا ندارد که حوادث مستند به اسباب قریب و مادی نیز باشد، برای اینکه این دو استناد و این دو جور سببیت در طول همدند، نه در عرض هم، به این معنا که سبب قریب علت پیدایش حادثه است و سبب بعید علت پیدایش سبب قریب است.

هم چنان که منافات ندارد که در عین اینکه حوادث را به آنان مستند می‌کنیم به خدای تعالی هم مستند بسازیم، و بگوییم تنها سبب در عالم خدای تعالی است چون تنها رب عالم او است، برای اینکه گفتیم سببیت طولی است نه عرضی، و استناد حوادث به ملائکه چیزی زائد بر استناد آنها به اسباب طبیعی و قریبه‌اش ندارد، و خدای تعالی استناد حوادث به اسباب طبیعی و ظاهریش را تصدیق کرده، همانطور که استناد آن به ملائکه را قبول دارد.

و هیچ یک از اسباب در قبال خدای تعالی استقلال ندارند، تا رابطه خدای تعالی با مسبب آن سبب قطع باشد، و باعث شود که نتوانیم آن مسبب را مسبب خدای تعالی بدانیم، همانطور که وثنیت پنداشته و گفته‌اند: خدای تعالی تدبیر امور عالم را به ملائکه مقرب واگذار کرده. آری توحید قرآنی استقلال از هر چیز را از هر جهت نفی کرده، هیچ موجودی نه مالک خودش است، و نه مالک نفع و ضرر و مرگ و حیات و نشور خود.^۱

لذا هر فعلی از ملائکه صادر شود اولاً و بالذات از طرف خداست، ولی ثانیاً و بالعرض منتسب به فرشتگان است، از این رو فرشتگان نیز هرگز خود را معاون و شریک در کار خدا نمی‌دانند، بلکه همه به امر تکوینی و افاضه حق در تدبیر امور عالم کار می‌کنند. چنان که در خطبه اشباح حضرت امیر - سلام الله علیه - پس از بیان او صافی از طبقات فرشتگان می‌فرماید:

« لَا يَنْتَحِلُونَ مَا ظَهَرَ فِي الْخَلْقِ مِنْ صُنْعِهِ وَلَا يَدَّعُونَ أَنَّهُمْ يَخْلُقُونَ شَيْئاً مَعَهُ مِمَّا انْفَرَدَ بِهِ »^۲ فرشتگان هیچ چیز از صنع خداوندی را که در کارگاه آفرینش ظاهر گشته است، به خود نمی‌بندند؛ و مدعی هم نیستند که چیزی از موجودات را که تنها خداوند آفریده، آنها خلق کرده‌اند.

۱. طباطبایی، محمد حسین، پیشین، ج ۲۰، ص ۲۹۸

۲. شریف رضی، محمد بن حسین، خطبه ۹۰

۲-۳-۲. فرشتگان حامل عرش

خداوند در قرآن کریم یکی از ویژگی‌های فرشتگان را حامل عرش بودن آنها معرفی می‌کند و می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ﴾ مؤمن/۷: «کسانی که عرش [خدا] را حمل می‌کنند، و آنها که پیرامون آنند، به سپاس پروردگارشان تسبیح می‌گویند و به او ایمان دارند و برای کسانی که گرویده‌اند طلب آمرزش می‌کنند: پروردگارا، رحمت و دانش تو بر هر چیز احاطه دارد کسانی را که توبه کرده و راه تو را دنبال کرده‌اند ببخش و آنها را از عذاب آتش نگاه دار.»

گفته شده، خدای سبحان در این آیه و در هیچ جا از کلام عزیزش معرفی نفرموده که این حاملان عرش چه کسانی هستند، آیا از ملائکه‌اند؟ یا کسانی دیگر؟ ولی عطف کردن جمله «و من حوله» بر حاملان عرش، اشعار دارد بر اینکه حاملان عرش هم از ملائکه‌اند: چون در آیه ﴿و تَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ ...﴾ زمر/۷۵: «و فرشتگان را می‌بینی که پیرامون عرش...» تصریح دارد که طواف کنندگان پیرامون عرش از ملائکه‌اند. پس نتیجه می‌گیریم که حاملین عرش نیز از این طایفه‌اند.

و با در نظر داشتن آن بحث معنای جمله «الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ» چنین می‌شود: آن ملائکه‌ای که حامل عرشند، عرشی که تمامی اوامر و همه احکام الهی از آنجا صادر می‌شود اوامر و احکامی که با آنها امور عالم تدبیر می‌شود، و نیز آن ملائکه‌ای که پیرامون عرشند، یعنی مقربین از ملائکه، چنین و چنان می‌کنند.

«و يُؤْمِنُونَ بِهِ» ایمان آوردن ملائکه به خدا- با اینکه حامل عرش ملک و تدبیر خدایند و یا پیرامون آن طواف می‌کنند تا اوامر صادره را بگیرند و نیز او را از هر نقصی تنزیه نموده بر افعالش ثنا می‌گویند- به این معنا است که ملائکه به وحدانیت خدا در ربوبیت و الوهیت ایمان دارند. پس ذکر عرش و نسبت دادن تنزیه و تحمید و ایمان به ملائکه خود ردی

است بر مشرکین که ملائکه مقرب خدا را شرکای خدا در ربوبیت و الوهیت می‌پنداشتند و آنها را به جای خدا ارباب خود گرفته و می‌پرستیدند.^۱

الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ (آنان که حمل می‌کنند عرش را) به خاطر این که خدا را عبادت کرده و دستور او را فرمان برند وَمَنْ حَوْلَهُ (و آن که گرد آن است) منظور فرشتگانی هستند که دور عرش طواف می‌کنند و آنان (کروبیان) و بزرگان فرشتگان هستند.^۲

* (و تَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِّينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ) * زمر/۷۵: «و فرشتگان را می‌بینی که پیرامون عرش به ستایش پروردگار خود تسبیح می‌گویند و میانشان به حق داوری می‌گردد و گفته می‌شود: سپاس، ویژه پروردگار جهانیان است.»

گفته شده، کلمه «حافین» اسم فاعل از ماده «حف» است که به معنای احاطه کردن و حلقه زدن دور چیزی است. و کلمه «عرش» عبارت است از آن مقامی که فرامین و اوامر الهی از آن مقام صادر می‌شود، فرامینی که با آن امر عالم را تدبیر می‌کند. و «ملائکه» عبارتند از: مجریان مشیت خدا، و عاملان به اوامر او. و دیدن ملائکه به این حال کنایه است از اینکه بعد از درهم پیچیده شدن آسمانها، ملائکه را به اینصورت و حال می‌بینی.

و معنای آیه این است که: تو در آن روز ملائکه را می‌بینی در حالی که گرداگرد عرشند و پیرامون آن طواف می‌کنند، تا اوامر صادره را اجرا کنند، و نیز می‌بینی که سرگرم تسبیح خدا با حمد اویند.^۳

* (و الْمَلَكُ عَلَى أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ) * حاقه/۱۷: «و فرشتگان در اطراف [آسمان] اند، و عرش پروردگارت را آن روز، هشت [فرشته] بر سر خود بر می‌دارند.»

۱. طباطبایی، محمد حسین، پیشین، ج ۱۷، ص ۴۶۸

۲. طبرسی، فضل بن حسن، پیشین، ج ۸، ص ۸۰۳

۳. طباطبایی، محمد حسین، پیشین، ج ۱۷، ص ۴۵۳

گفته شده، « ارجاء » جمع « رجا » به معنی اطراف و جوانب چیزی است، و « ملک » در اینجا گرچه به صیغه مفرد ذکر شده ولی منظور جنس و جمع است.

گویی در آن روز فرشتگان همانند مامورانی که اطراف میدانی ایستاده و منتظر فرمان برای انجام کارند، در گرداگرد آسمانها صف می کشند و در انتظار فرمان حقند.

سپس می فرماید: « و در آن روز هشت فرشته فوق آنها عرش پروردگارت را حمل می کنند » (وَ يَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ).

این حاملان عرش گرچه صریحاً در این آیه تعیین نشده اند که از فرشتگانند یا غیر آنها ولی ظاهر تعبیرات مجموع آیه نشان می دهد که آنها از فرشتگانند، ولی مشخص نیست که آیا هشت فرشته اند یا هشت گروه کوچک یا بزرگ.^۱

برخی معتقدند آنچه در روایات اسلامی آمده است که حاملان عرش هم اکنون چهار نفر (یا چهار گروه) هستند اما در قیامت دو برابر می شوند، چنان که در حدیثی از پیغمبر گرامی اسلام (ص) می خوانیم « انهم اليوم اربعة فاذا كان يوم القيامة ایدهم باربعة آخرین، فیکونون ثمانیة »: آنها امروز چهار نفرند، و روز قیامت آنها را با چهار نفر دیگر تقویت می کند و هشت نفر می شوند.^۲

و از صحیفه سجادیه حکایت شده که امام سجاد (ع) در یکی از دعاهايش - که در باره حاملان عرش خدا، و هر فرشته مقرب اوست - چنین گفته^۳: « بار الها! بر حاملان عرشت درود فرست، که هرگز از تسبیح تو خسته نمی شوند، و از تقدیست به تنگ نمی آیند، و از عبادت تو به ستوه نمی آیند، هرگز کوتاهی کردن در انجام وظیفه را بر جدیت بر امر تو ترجیح نمی دهند، و از وله و عشق ورزیدن به تو غافل نمی شوند، و به اسرافیل که صاحب صور شاخص است، آن که همواره در انتظار فرمان توست، تا با دمیدن در آن، خفتگان در قبور و گروگانهای گور را بیدار کند، و به میکائیل، آن فرشته آبرومند در درگاهت که از اطاعتت مکانی رفیع یافته، و

۱. مکارم شیرازی، ناصر، پیشین، ج ۲۴، ص ۴۵۱

۲. قمی، علی بن ابراهیم، پیشین، ج ۲، ص ۳۸۴

۳. ما در اینجا با توجه به زیاد بودن متن عربی فقط ترجمه دعای صحیفه را آوردیم.

جبرئیل که امین بر وحی توست، و فرمانش در آسمانهایت نافذ است، و نزد تو مکانی دارد، و مقرب درگاه توست، و به روح، که مسلط بر ملائکه حجابهاست، بار الها! هم بر ایشان درود بفرست، و هم بر ملائکه پایین‌تر از آنان، آنها که ساکنان آسمانهایت، و اهل امانت بر رسالتت هستند، آنهايي که دایم در عبادت بودن خسته‌شان نمی‌کند، و از غلبه خواب و خستگی سست نمی‌شوند، شهوتها از تسبیح تو بازشان نمی‌دارد، و سهو غفلتها از تعظیم تو غافلشان نمی‌کند، آنها که از عظمت تو دیدگانی افتاده و خاشع دارند و هرگز جرأت سربلند کردن و به تو نگریستن نمی‌کنند، آنها که چانه‌هایشان (از شدت خضوع) پایین افتاده، و رغبتشان در آنچه نزد تو سراغ دارند طولانی، و یادشان از نعمت‌های تو دائمی است، در برابر عظمت تو و جلال کبریائیت متواضعند، و آنهايي که چون جهنم را می‌بینند، که بر اهل معصیت، زبانه می‌کشد، می‌گویند: "خدایا تو منزهی، و ما آن طور که باید عبادتت نکردیم."

پروردگارا! پس درود بفرست بر ایشان، و بر روحانیان از فرشتگان، و مقربین درگاهت، و حاملان غیب به سوی رسولانت، و آنها که بر وحیت امین تو شدند، و دسته‌های مختلف از فرشتگانت، که تو آنان را به خود اختصاص دادی، و با تقدیست، از طعام و نوشیدنیها بی‌نیازشان کردی، و در باطن طبقات آسمانهایت جای دادی، و آنها که در اطراف آسمانهایت قرار دارند، تا روزی که فرمانت صادر شود، بساط خلقت را برچینند.

و آنها که خزانه‌دار باران و رانندگان ابرند، و آن فرشته‌ای که به خاطر صدای زجر او صدای ناله رعدها شنیده می‌شود، و آنان که برف و تگرگ را مشایعت نموده با دانه‌های باران در هنگام نزول فرود می‌آیند، و آنها که قوام خزینه‌های باد به وجود ایشان است، و آنها که موکل بر کوه‌ها هستند، تا فرو نریزند، و آنها که تو، وزن آبها و کیل آبی که بارانهای مفید و مضر مشتمل بر آنند، به ایشان شناساندی، و آن فرشتگان که رسولان تو به سوی اهل زمین هستند که یا بلایی مکروه می‌آورند، و یا رخایی محبوب.

و سفیران کرام برره، و حافظان کرام نویسنده، و ملک الموت و کارکنانش، و منکر و نکیر و مبشر و بشیر، و رؤمان که بازپرس قبور است، و طواف کنندگان بیت معمور، و مالک دوزخ، و خازنان آن، و رضوان بهشت و پرده‌داران آن، و آن فرشتگانی که آنچه تو دستور می‌دهی بدون عصیان فرمان می‌برند، و آنهايي که به اهل بهشت می‌گویند: "سلام علیکم، این بهشت به خاطر صبری است که کردید، و چه نیک است پایان خوب این سرا"، و زبانیه که

وقتی دستور می‌رسد " کفار را بگیرید و ببندید و به سوی دوزخ بکشید " به سرعت می‌شتابند، و مهلتشان نمی‌دهند، خدایا به همه اینها که به ذکر نامشان ملهم شدیم، درود فرست، هر چند که ما به مکان و منزلت یک یک آنها در درگاه تو آشنا نیستیم، و نمی‌دانیم به چه کاری موکلند، و به ساکنان هوا و زمین و آب و هر کس از ایشان که موکل بر خلقند...^۱».

۲-۳-۳. واسطه فیض الهی بر انسان

گفته شده، از صفات و اعمال ملائکه که در کلام خدا و در احادیث ذکر شده‌اند، یکی این است که ملائکه موجوداتی هستند شریف و مکرم، که واسطه‌هایی بین خدای تعالی و این عالم محسوس هستند، به طوری که هیچ حادثه‌ای از حوادث و هیچ واقعه‌ای مهم و یا غیر مهم نیست، مگر آنکه ملائکه در آن دخالتی دارند، و یک یا چند فرشته، موکل و مامور آند، اگر آن حادثه فقط یک جنبه داشته باشد یک فرشته، و اگر چند جنبه داشته باشد چند ملک موکل برآند.

و دخالتی که دارند تنها و تنها این است که امر الهی را در مجرایش به جریان اندازند، و آن را در مسیرش قرار دهند، هم چنان که قرآن در این باره فرموده: ﴿لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهٖ يَعْمَلُونَ﴾ * انبیاء/ ۲۷ : در سخن از او پیشی نمی‌گیرند، و به امر او عمل می‌کنند.^۲

برخی از صاحب نظران در واسطه بودن فرشتگان می‌گویند: بطوری که از آیات قرآن کریم استفاده می‌شود فرشتگان در ابداء موجودات از ناحیه خدای تعالی، و برگشتن آنها به سوی او، بین خدا و خلق واسطه هستند، به این معنا که اسبابی هستند برای حدوث حوادث، ما فوق اسباب مادی و جاری در عالم ماده که البته کاربردشان تا وقتی است که مرگ نرسیده و موجود به نشاء دیگر منتقل نشده است، چون بعد از مرگ و انتقال، دیگر اسباب مادی سببیتی ندارند.

اما وساطت ملائکه در مساله « عود » (باز گشت انسان ها به سوی خدا)، یعنی حال ظهور نشانه‌های مرگ و قبض روح و اجراء سؤال و ثواب و عذاب قبر، و سپس میراندن تمام

۱. علی بن حسین (ع)، پیشین، دعای ۳، ص ۳۸

۲. طباطبایی، محمد حسین، پیشین، ج ۱۷، ص ۱۳

انسانها در نفخه صور، و زنده کردن آنان در نفخه دوم، و محشور کردن آنان، و دادن نامه اعمال، و وضع میزانها، و رسیدگی به حساب، و سوق به سوی بهشت و دوزخ، که بسیار واضح است، و آیات دال بر این وساطت بسیار زیاد است، و احتیاجی به ایراد آنها نیست، روایات وارده در این مسائل از ناحیه رسول خدا (ص) و ائمه اهل بیت (ع) هم بیش از آن است که به شمار آید.

و همچنین وساطت ملائکه در مرحله تشریع دین یعنی نازل شدن، و آوردن وحی، و دفع شیطانها از مداخله در آن، و پشت گرمی و یاری دادن به رسول خدا (ص)، و نیز تایید مؤمنین، و پاک کردن آنان از راه استغفار، و طلب مغفرت کردن از خدا برای آنان، جای تردید و بحث نیست.^۱

بعضی از مفسرین می‌گویند: منظور از «جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا» به این معنا است که فرشتگان را فرستاده و به اوصیا وحی و الهام و گفتار و رؤیاهای صادق و برای بندگان صالح الهام و سخن و رؤیا، برای جمیع خلقش الهام و رؤیا را قرار داد تا خلق اصلاح گردند و کمبودها جبران شود و نفوس آنان از قوه‌ها به فعلها درآید.^۲

برخی نیز در تفسیر آیه «جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا» می‌گویند: «ظاهر آیه اینست که جمیع ملائکه رسول بودند هر کدام فرستاده برای امری زیرا جمع محلی به الف و لام افاده عموم میدهد یک دسته مامور به الهامات قلبی در قلوب بندگان یک دسته مأمور به دفع شیاطین یک دسته مامور به نزول بر انبیاء و ائمه اطهار و بعضی اولیاء یک دسته مامور به نزول بر عبادت: طواف کعبه حریمهای مطهره ائمه طاهرین حضور در محافل مؤمنین در حال نماز و دعا و ذکر و مجالس وعظ و بیان احکام و تلاوت قرآن و بالاخره تمام مأمور به امری چه ملائکه رحمت و چه ملائکه عذاب موکلین ببهشت و جهنم و به انزال رحمت و عذاب و غیر اینها همه از بهر تو سرگشته و فرمان بردار».^۳

۱. همان، ج ۲۰، ص ۲۹۷

۲. گنابادی، سلطان محمد، بیان السعادة فی مقامات العبادة، بیروت، الأعلمی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۲۷۳

۳. طیب، عبدالحسین، پیشین، ج ۱۱، ص ۴

مجموع آیات و روایات در خصوص فرشتگان، دلالت دارد بر اینکه واسطه فیض بودن ملائکه، تنها اختصاص به عالم مادی و دنیا ندارد؛ بلکه این وساطت در عالم برزخ و در قیامت نیز هست. خداوند متعال خواست و مشیت خویش را در عوالم دیگر نیز به وساطت فرشتگان محقق می سازد. برای مثال در جهنم از وجود فرشتگان «غلاظ و شداد»*(یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَ يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ)*^۶ تحریم/ یاد شده و در رأس آنان، ملکی به نام «مالک» وجود دارد که دارای جناح های گوناگون و فراوانی است.

در بهشت نیز فرشتگانی وجود دارند که به مؤمنان درود می فرستند*(وَسَيَقِ الْكَافِرُ اتَّقُوا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّى إِذَا جَاؤُهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ)*^۷ زمر/۷۳: و کسانی که از پروردگارشان پروا داشته اند، گروه گروه به سوی بهشت سوق داده شوند، تا چون بدان رسند و درهای آن [به رویشان] گشوده گردد و نگهبانان آن به ایشان گویند: «سلام بر شما، خوش آمدید، در آن درآیید [و] جاودانه [بمانید]». و دسته ای به استقبال آنان می روند.* (لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَ تَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ)*^۸ انبیاء/۱۰۳: دلهره بزرگ، آنان را غمگین نمی کند و فرشتگان از آنها استقبال می کنند [و به آنان می گویند:] این همان روزی است که به شما وعده می دادند. و در رأس آنها فرشته ای به نام «رضوان» است که او نیز جناح های مختلف و بسیاری دارد.^۱

لذا هر فعلی از ملائکه صادر شود اولاً و بالذات از طرف خداست، ولی ثانیاً و بالعرض منتسب به فرشتگان است، از این رو فرشتگان نیز هرگز خود را معاون و شریک در کار خدا نمی دانند، بلکه همه به امر تکوینی و افاضه حق در تدبیر امور عالم کار می کنند. چنان که در خطبه اشباح حضرت امیر - سلام الله علیه - پس از بیان او صافی از طبقات فرشتگان می فرماید:^۲

۱. شجاعی، محمد، پیشین، صص ۳۵ و ۳۶

۲. رجالی تهرانی، علی رضا، پیشین، صص ۸۱-۸۲

« لَا يَنْتَحِلُونَ مَا ظَهَرَ فِي الْخَلْقِ مِنْ صُنْعِهِ وَلَا يَدْعُونَ أَنَّهُمْ يَخْلُقُونَ شَيْئاً مَعَهُ مِمَّا أَنْفَرَدَ^۱ به « فرشتگان هیچ چیز از صنع خداوندی را که در کارگاه آفرینش ظاهر گشته است، به خود نمی بندند؛ و مدعی هم نیستند که چیزی از موجودات را که تنها خداوند آفریده، آنها خلق کرده‌اند.

فرشتگان موکلان امور و متولیان زندگی آدمیانند و واسطه فیض رسانی و رحمت و برکت و کرامت خداوند بر انسانند. آنان نگهبان آدمیان به سوی خیر و کمالند و هر که خود را تحت ولایت الهی قرار دهد از یاری آنان بهره مند می‌شود.^۲

۲-۳-۴. ملائکه سفیران وحی

خداوند از فرشتگان، رسولانی بر می‌گزیند تا آنکه واسطه باشند میان او و میان انبیاء او که وحی را از ناحیه خدا گرفته به رسول بشری برسانند.

(بِأَيِّدِي سَفَرَةٍ كِرَامٍ بَرَرَةٍ) عبس/۱۵-۱۶: «به دست فرشتگانی، ارجمند و نیکوکار».

گفته شده، کلمه «سفرة» جمع سفیر است. یعنی این قرآن به دست سفیرانی نوشته شده که ذاتاً نزد پروردگارشان بزرگوار، و در عمل هم نیکوکارند.

و از این آیات بر می‌آید که برای وحی، ملائکه مخصوصی است، که متصدی حمل صحف آن و نیز رساندن آن به پیامبرانند، پس می‌توان گفت این ملائکه اعوان و یاران جبرئیلند، و تحت امر او کار می‌کنند، و اگر نسبت القای وحی را به ایشان داده، منافات ندارد با اینکه در جای دیگر آن را به جبرئیل نسبت دهد، و بفرماید:*(نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَى قَلْبِكَ)* شعراء/۱۹۴، و در جای دیگر در تعریف جبرئیل بفرماید:*(إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ)* تکویر/۲۱، بلکه همین آیه مؤید مطلب ما است، که می‌فرماید دستوراتش مطاع است، معلوم می‌شود جبرئیل برای رساندن وحی به انبیاء، کارکنانی از ملائکه تحت فرمان دارد، پس وحی رساندن آن ملائکه هم وحی رساندن جبرئیل است، هم چنان که

۱. شریف رضی، محمد بن حسین، خطبه ۹۰

۲. دلشاد تهرانی، مصطفی، منظر مهر (مبانی تربیت در نهج البلاغه)، تهران، دریا، ۱۳۷۹، ص ۸۱

عمل جبرئیل و اعوانش روی هم فعل خدای تعالی نیز هست، و این انتساب وحی به چند مقام نظیر مساله توفی و قبض ارواح است، که یک جا به اعوان ملک الموت نسبت داده، و یک جا به خود او، و یک جا به خود خدای تعالی.^۱

برخی نیز گفته اند، منظور از «سفره» در اینجا فرشتگان الهی است که سفیران وحی یا کاتبان آیات او هستند.^۲

چنانچه گفته شده، جمله «جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا» اشعار بلکه دلالت دارد بر اینکه تمام ملائکه رسولان و واسطه‌هایی بین خدا و بین خلق هستند، تا اوامر تکوینی و تشریعی او را انجام دهند، و دیگر وجهی ندارد که ما کلمه «رسل» را که در آیه است اختصاص دهیم به آن ملائکه‌ای که بر انبیاء نازل می‌شدند. با اینکه قرآن کلمه «رسل» را بر ملائکه‌ای که واسطه وحی نبودند نیز اطلاق کرده، از آن جمله فرموده: ^۳ «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا» (انعام/۶۱): «تا هنگامی که یکی از شما را مرگ فرا رسد، فرشتگان ما جان‌ش بستانند، در حالی که کوتاهی نمی‌کنند».

* (إِنْ رُسُلُنَا يَكْتُوبُونَ مَا تَمْكُرُونَ) * یونس/۲۱: «در حقیقت، فرستادگان [فرشتگان] ما آنچه نیرنگ می‌کنید می‌نویسند».

و نیز فرموده: ^۴ «وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا إِنَّا مُهْلِكُوا أَهْلَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ» (عنکبوت/۳۱): «و چون فرستادگان ما برای ابراهیم مژده آوردند، گفتند: ما اهل این شهر را هلاک خواهیم کرد، زیرا مردمش ستمکار بوده‌اند».

برخی معتقدند ظاهر آیه «جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا» اینست که جمیع ملائکه رسول بودند هر کدام فرستاده برای امری؛ زیرا جمع محلی به الف و لام افاده عموم می‌دهد یک دسته مامور به الهامات قلبی در قلوب بندگان یک دسته مأمور به دفع شیاطین یک دسته مامور به نزول بر انبیاء و ائمه اطهار و بعض اولیاء یک دسته مامور به نزول بر عبادت: طواف کعبه حریمهای

۱. طباطبایی، محمد حسین، پیشین، ج ۲۰، ص ۳۲۹

۲. مکارم شیرازی، ناصر، ج ۲۶، ص ۱۳۵

۳. طباطبایی، محمد حسین، پیشین، ج ۱۷، ص ۶

مطهره ائمه طاهرین حضور در محافل مؤمنین در حال نماز و دعا و ذکر و مجالس وعظ و بیان احکام و تلاوت قرآن و بالاخره تمام مأمور به امری چه ملائکه رحمت و چه ملائکه عذاب موکلین ببهشت و جهنم و به انزال رحمت و عذاب و غیر اینها همه از بهر تو سرگشته و فرمان بردار»^۱.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ ...

﴾**حج/۷۵

خدای تعالی اختیار می‌کند و بر می‌گزیند از ملائکه فرستادگان را تا آنکه واسطه باشند میان او و میان انبیاء او به رسانیدن وحی.^۲

چنانچه از آیات قرآن کریم به دست می‌آید محل فرود ملائکه‌ی وحی، قلب مبارک رسول الله (ص) می‌باشد. ﴿نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَى قَلْبِكَ ...﴾ * شعراء/۱۹۳-۱۹۴؛ «روح الامین آن را بر دلت نازل کرد»

گفته شده، منظور از قلب در کلام خدای تعالی «جان و نفس» آدمی است و رسول خدا (ص) در همان حالی که به او وحی می‌شد هم می‌دید و هم می‌شنید، اما بدون اینکه دو حس بینائی و شنوائی‌اش به کار بیفتد، همچنان که در روایت آمده، که حالتی شبیه به بیهوشی (مدهوش) به حضرت دست می‌داد،^۳ پس همانطور که ما شخصی را می‌بینیم و صدایش را می‌شنویم، ایشان فرشته‌ی وحی را می‌دید و صدایش را می‌شنید اما بدون اینکه دو حس بینائی و شنوائی مادی خود را چون ما بکار گیرد، و اگر رؤیت و شنیدن حضرت در حال وحی مثل دیدن و شنیدن ما بود، پس باید آنچه می‌دیده و می‌شنیده میان او و سایر مردم مشترک باشد

۱. طیب، عبدالحسین، پیشین، ج ۱۱، ص ۴

۲. شریف لاهیجی، محمد بن علی، تفسیر شریف لاهیجی، تهران، دفتر نشر داد، ۱۳۷۳ ش، ج ۳، ص ۲۱۳

۳. که به آن «رحاء وحی» می‌گویند. (المیزان، ج ۱۵، ص ۴۴۹)

و اصحابش هم فرشته‌ی وحی را ببینند و صدایش را بشنوند و حال آنکه گاهی اصحاب حضور داشتند و فرشته‌ی وحی نازل می‌شد ولی آنها چیزی احساس نمی‌کردند^۱

چرا که دیدن ملائکه مستلزم این است که عالم غیب فرشتگان مبدل به عالم شهود (ماده) شود، زیرا نفوس مردمی که در عالم ماده گرفتارند و به عالم طبیعت دل بسته‌اند، طاقت مشاهده‌ی ملائکه را ندارند، زیرا عالم مردم دنیا با عالم فرشتگان متفاوت است و قرار گرفتن در عالم فرشتگان جز به این ممکن نیست که از عالم ماده به ماورای ماده منتقل شوند.^۲

فرشتگان مژده تولد یحیی را به زکریا می‌آورند. ﴿فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ... أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَى مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ﴾ * آل عمران/۳۹: «پس فرشتگان، او را ندا دردادند که: خداوند تو را به [ولادت] یحیی - که تصدیق کننده [حقانیت] کلمه‌ی الله [عیسی] است مژده می‌دهد».

و مژده تولد عیسی را به مریم (ع) می‌آورند. ﴿إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ...﴾ * آل عمران/۴۵: «[یاد کن] هنگامی [را] که فرشتگان گفتند: «ای مریم، خداوند تو را به کلمه‌ای از جانب خود، که نامش مسیح، عیسی بن مریم است مژده می‌دهد».

۲-۳-۵. فرشتگان و امداد مومنان

یکی دیگر از وظایف و کارهای فرشتگان الهی امداد مومنان است چنانکه خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

۱. طباطبایی، محمد حسین، پیشین، ج ۱۵، ص ۴۵۰

۲. همان، ج ۱۷، ذیل آیات اول فاطر.

* (وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرِ وَ أَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنْزَلِينَ بَلَى إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا وَ يَأْتَوْكُمْ مِنْ قَوَرِهِمْ هَذَا يُمِدِّدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ وَ مَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَى لَكُمْ وَ لِنُطْمِئِنَّ قُلُوبُكُمْ بِهِ وَ مَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ) * آل عمران/ ۱۲۳-۱۲۶: «و یقیناً خدا شما را در [جنگ] بدر- با آنکه ناتوان بودید- یاری کرد. پس، از خدا پروا کنید، باشد که سپاسگزاری نمایید. آن گاه که به مؤمنان می‌گفتی: «آیا شما را بس نیست که پروردگارتان، شما را با سه هزار فرشته فرودآمده، یاری کند؟» آری، اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید، و با همین جوش [و خروش] بر شما بتازند، [همانگاه] پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته نشاندار یاری خواهد کرد. و خدا آن [وعده پیروزی] را، جز مژده‌ای برای شما قرار نداد تا [بدین وسیله شادمان شوید و] دل‌های شما بدان آرامش یابد، و یاری جز از جانب خداوند توانای حکیم نیست.»

گفته شده، خداوند نصرتی را که در روز بدر به مسلمین فرموده بیان می‌دارد:

«لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ»: ای مؤمنان خدا شما را یاری کرد، در بدر با تقویت قلوب شما و با فرستادن فرشتگان و افکندن ترس در دل دشمنان.

در حالی که ذلیل بودید (أَذِلَّةٌ جمع ذلیل است) و مراد اینست که از نظر عده و عده اندک بودید و تاب مقاومت نداشتید.

ابن عباس گوید: ملائکه جز در روز بدر هرگز جنگ نکردند بلکه به عنوان مدد و پشتیبان مسلمین بودند.^۱

بدون شک فرشتگان در جنگ بدر به یاری پیامبر (ص) شتافتند، اما دلیلی در دست نیست که این جنود ناپیدای الهی، رسماً وارد میدان جنگ شده و مشغول نبرد شده باشند، بلکه قرائنی موجود است نشان می‌دهد، آنها برای تقویت روحیه مومنان و دل

۱. طبرسی، فضل بن حسن، پیشین، ج ۲، ذیل آیات ۱۲۳-۱۲۶ سوره آل عمران

گرمی آنان نازل گشته اند. پس موجودی به نام فرشته وجود دارد که امدادهای غیبی توسط آنها به مومنان می‌رسد. چنان که خداوند آنها را برای کمک به مجاهدان در جنگ بدر فرستاد.

در جای دیگر خداوند می‌فرماید: ﴿إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ﴾ (تحریم/۴)

اگر فرمود: «ملائکه بعد از خدا و جبریل و صالح مؤمنین پشتیبان اویند» برای این بود که پشتیبانی ملائکه را بزرگ جلوه دهد، گویی نامبردگان در اول آیه یک طرف، و ملائکه به تنهایی یک طرف قرار دارند.^۱

و نیز در قرآن کریم آمده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا﴾ (احزاب/۹: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نعمت خدا را بر خود به یاد آرید، آن گاه که لشکریایی به سوی شما [در] آمدند، پس بر سر آنان تندبادی و لشکریایی که آنها را نمی‌دیدید فرستادیم، و خدا به آنچه می‌کنید همواره بیناست».

گفته شده، این آیه مؤمنین را یادآوری می‌کند که در ایام جنگ خندق چه نعمتها به ایشان ارزانی داشت، ایشان را یاری، و شر لشکر مشرکین را از ایشان برگردانید، با اینکه لشکریانی مجهز، و از شعوب و قبائل گوناگون بودند، از غطفان، از قریش، احابیش، کنانه، یهودیان بنی قریظه، بنی النضیر جمع کثیری آن لشکر را تشکیل داده بودند، و مسلمانان را از بالا و پایین احاطه کرده بودند، با این حال خدای تعالی باد را بر آنان مسلط کرد، و فرشتگانی فرستاد تا بیچاره‌شان کردند.

و عبارت «وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا» لشکریایی که شما ایشان را نمی‌دیدید، و آن ملائکه بودند که برای بیچاره کردن لشکر کفر آمدند.^۱

۱. طباطبایی، محمد حسین، پیشین، ج ۱۹، ص ۵۵۷

۲-۳-۶. فرشتگان محافظ انسان

همه موجودات به ویژه انسان پیوسته در معرض آسیبهای جسمی یا خطرات روحی از قبیل وسوسه شیطان و نفس اماره و سقوط ظاهری و باطنی قرار دارد.

از آنجا که پروردگار مهربان بهترین نگهبان می‌باشد،* (... قَالَ لَهُ خَيْرٌ حَافِظًا ...) * یوسف/۶۴: « ... پس خدا بهترین نگهبان است ... ».

گروهی از فرشتگان را مأمور نگهداری انسان قرار داده است. * (وَإِنِّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ) * انفطار/۱۰: «و قطعاً بر شما نگهبانانی [گماشته شده] اند».

گفته شده، منظور از حافظین در آیه ۱۰ سوره انفطار، فرشتگانی است که مأمور حفظ و نگهداری اعمال انسان‌ها هستند، نه حفظ کردن در مقابل حوادث گوناگون.^۲

در مجموع، آیاتی که اعلام می‌کند خداوند فرشتگان متعددی به منظور نگهبانی و محافظت بر هر شخص گمارده؛ انسانی نیست مگر اینکه نگهبانی دارد که برایش از جان و روح انسان، در مسیر حق و عدالت و هم چنین از جسم او در مقابل خطرات مختلف حراست می‌کند. این آیات عبارتند از:

۱. * (إِنَّ كُلَّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ) * طارق/۴: «هیچ کس نیست مگر اینکه نگاهبانی بر او [گماشته شده] است».

۲. * (وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ) * انعام/۶۱: «و اوست که بر بندگان قاهر [و غالب] است و نگهبانانی

۱. همان، ج ۱۶، ص ۴۲۷

۲. مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن (تفسیر موضوعی)، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب، چ چهارم، ۱۳۷۴،

ج ۶، ص ۹۳

بر شما می‌فرستد، تا هنگامی که یکی از شما را مرگ فرا رسد، فرشتگان ما جانش بستانند، در حالی که کوتاهی نمی‌کنند.»

۳. ﴿لَهُ مُعَقَّبَاتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ ...﴾ * رعد/۱۱: «برای او فرشتگانی است که پی در پی او را به فرمان خدا از پیش رو و از پشت سرش پاسداری می‌کنند.»

۴. ﴿وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ كِرَامًا كَاتِبِينَ﴾ * انفطار/۱۰-۱۱: «و قطعاً بر شما نگهبانانی گماشته شده اند: [فرشتگان] بزرگواری که نویسندگان [اعمال شما] هستند.»

۵. ﴿إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ﴾ * ق/۱۷: «آن گاه که دو [فرشته] دریافت‌کننده از راست و از چپ، مراقب نشسته‌اند.»

۶. ﴿إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُونَ مَا تَمْكُرُونَ﴾ * یونس/۲۱: «در حقیقت، فرستادگان [فرشتگان] ما آنچه نیرنگ می‌کنید می‌نویسند.»

از آیات کریمه قرآن مجید چنین استفاده می‌شود که از جمله وظایف فرشتگان این است که به فرمان خداوند متعال انسانها را در بعضی مواقع حفظ می‌کنند، تا این که قضای حتمی و قطعی الهی فرا رسد، چنان که می‌فرماید:

﴿وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ﴾ * انعام/۶۱

«يُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً»

: او خدایی است که فرشتگانی بسوی شما می‌فرستد که اعمال شما را ثبت و ضبط کنند. این کار برای بندگان لطف است، زیرا موجب می‌شود که از گناهان اجتناب کنند.^۱

۱. طبرسی، فضل بن حسن، پیشین، ج ۴، ص ۴۸۴

برخی معتقدند منظور از حفظه در آیه فوق بدین معناست که آن حفظه کارشان حفظ آدمی است از همه بلیات و مصائب، نه تنها بلای مخصوصی.

جهت و هدف از گماشتن ملائکه «حفظه» برای آدمی تا زمان مرگ جهت احتیاج آدمی به این حفظه این است که نشات دنیوی، نشات اصطکاک و مزاحمت و برخورد است، هیچ موجودی در این نشات نیست مگر اینکه موجودات دیگری از هر طرف مزاحم آن می‌باشند.

یکی از این موجودات، انسان است که ترکیب وجودیش از لطیف‌ترین و دقیق‌ترین ترکیبات موجود در عالم، صورت گرفته، و معلوم است که رقیب‌ها و دشمنان چنین موجودی از رقبای هر موجود دیگری بیشتر خواهند بود، و لذا به طوری که از روایات نیز برمی‌آید خدای تعالی از فرشتگان خود کسانی را مامور کرده تا او را از گزند حوادث و دستبرد بلاها و مصائب حفظ کنند، و حفظ هم می‌کنند و از هلاکت نگهش می‌دارند تا اجلش فرا رسد، در آن لحظه‌ای که مرگش فرا می‌رسد دست از او برداشته و به دست بلاها و گرفتاری‌ها می‌سپارندش تا هلاک شود.^۱

* (لَهُ مُعَقَّبَاتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ) * رعد/۱۱؛

در باره «معقبات» معانی مختلفی ذکر شده از جمله :

۱- منظور فرشتگان است که به دنبال یکدیگر می‌آیند، ملائکه شب، بدنبال ملائکه روز و ملائکه روز بدنبال ملائکه شب. اینها فرشتگانی هستند که عمر انسان را حفظ می‌کنند. این معنی از حسن، سعید بن جبیر، قتاده، مجاهد و جبائی است. حسن اضافه می‌کند که: اینها چهار فرشته هستند که هنگام نماز فجر جمع میشوند. چنان که خداوند می‌فرماید: * (إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا) * اسراء ۷۸: «زیرا نماز صبح همواره [مقرون با] حضور [فرشتگان] است». از آنجا که ما نیز همین طور روایت شده است.

۱. طباطبایی، محمد حسین، پیشین، ج ۷، ص ۱۸۷

۲- منظور فرشتگانی است که انسان را از مهالک حفظ می‌کنند و میان او و مقدرات، حائل می‌شوند. این قول از علی (ع) و ابن عباس است. برخی گفته‌اند: تعداد فرشتگان محافظ، ده تا است.

مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ: برای انسان، از پیش رو و پشت سر، مراقبانی است که اطراف او می‌چرخند و موکل او هستند و به امر خداوند، او را از خطرات حفظ می‌کنند. در این خصوص بعضی گفته‌اند: یعنی اعمال گذشته و آینده او را تا وقت مرگ حفظ و ثبت می‌کنند. و برخی نیز گفته‌اند: یعنی او را از آنچه مقدر نیست، حفظ می‌کنند ولی اگر چیزی مقدر باشد، دیگر نیروی نگهداری آنها تأثیری نخواهد داشت، در باره کلمه «مِنْ أَمْرِ اللَّهِ» ابن عباس، حسن، مجاهد و جبایی گویند: یعنی «بامر الله».^۱

و از کتاب توحید حکایت شده، که وی به سند خود از ابی حیان تیمی، از پدرش از امیر المؤمنین (ع) روایت کرده، که فرمود: احدی از مردم نیست مگر آنکه با او چند فرشته است، که وی را از اینکه در چاهی سقوط کند، و یا دیواری به رویش فرو ریزد، و یا ناملایمی به او برسد، حفظ می‌کنند، و این مراقبت را در طول عمر او ادامه می‌دهند تا اجلش فرا رسد، آن گاه او را تنها می‌گذارند، تا هر بلایی که مقدر است، بر سرش بیاید ...^۲

امام باقر(ع) فرمود: «دو فرشته انسان را در شب حفظ می‌کنند و در روز به طور متناوب به این وظیفه عمل می‌کنند».^۳

برخی معتقدند منظور از «أَمْرِ اللَّهِ» بلايا و پیشامدها است یعنی ملائکه انسان را به امر خدا از بلايا و حوادث که امر و تقدیر خدا هستند، حفظ می‌کنند، احتمال دارد که حفظ راجع به جسم و روح و اعمال و عقیده، همه باشد و انسان که به حکم * (إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ) * انشقاق/۶: «ای انسان، حقاً که تو به سوی پروردگار خود بسختی در تلاشی، و او را ملاقات خواهی کرد» و به حکم * (كُلُّ لَيْلَةٍ رَاجِعُونَ) * انبیاء/ ۹۳ پیوسته در حال سیر به

۱. طبرسی، فضل بن حسن، پیشین، ج ۶، ص ۴۳۱

۲. ابن بابویه قمی، محمد بن علی، توحید، پیشین، ص ۳۶۷، ح ۵

۳. کبیر مدنی، علیخان بن احمد، پیشین، ج ۲، ص ۶۱

سوی خداست ملائکه از پس و پیش او را و اعمال و عقائد او را حفظ می‌کنند. گویا منظور از بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ آن است که او را از هر طرف احاطه کرده‌اند در این صورت تعقیب از پس و پیش همان احاطه کردن او است.^۱

گفته شده، بدون تردید انسان در زندگی خود در معرض آفات و بلاهای زیادی است، حوادثی از درون و برون، انواع بیماریها، میکروبها، انواع حادثه‌ها و خطراتی که از زمین و آسمان می‌جوشد، انسان را احاطه کرده‌اند، مخصوصا به هنگام کودکی که آگاهی انسان از اوضاع اطراف خود بسیار ناچیز است و هیچگونه تجربه‌ای ندارد، در هر گامی خطری در کمین او نشسته است، و گاه انسان تعجب می‌کند که کودک چگونه از لابلای این همه حوادث جان به سلامت می‌برد و بزرگ می‌شود، مخصوصا در خانواده‌هایی که پدران و مادران چندان آگاهی از مسائل ندارند و یا امکاناتی در اختیار آنها نیست مانند کودکانی که در روستاها بزرگ می‌شوند و در میان انبوه محرومیتها، عوامل بیماری و خطرات قرار دارند.

اگر برآستی در این مسائل بیندیشیم احساس می‌کنیم که نیروی محافظی هست که ما را در برابر حوادث حفظ می‌کند و همچون سپری از پیش رو و پشت سر محافظ و نگهدار ما است.

در بسیاری از مواقع، حوادث خطرناک برای انسان پیش می‌آید و او معجزه‌آسا از آنها رهایی می‌یابد بطوری که احساس می‌کند همه اینها تصادف نیست بلکه نیروی محافظی از او نگهداری می‌کند.^۲

و مواظب های دیگری نیز توسط فرشتگان انجام می‌شود که یکی از آنها حفاظت از اعمال نیک انسان است.

خداوند مراقبان بسیاری بر انسان گماشته است چنان که در روایات متعددی که از پیشوایان اسلام نقل شده نیز روی این تاکید شده است:

۱. قرشی، علی اکبر، أحسن الحديث، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۲۱۳

۲. مکارم شیرازی، ناصر، پیشین، ج ۱۰، ص ۱۴۳

در روایتی از امام باقر (ع) می‌خوانیم که در تفسیر آیه رعد/۱۱ فرمود:

فی روایه أبی الجارود، عن أبی جعفر (علیه السلام) فی قوله: لَهُ مُعَقَّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ.

« يحفظ بامر الله من ان يقع فی رکی^۱ او يقع علیه حائط او یصیبه شیء حتی اذ جاء القدر خلوا بینه و بینه یدفعونه الی المقادیر و هما ملکین یحفظانه باللیل و ملکین من نهار یتعاقبانہ »^۲: به فرمان خدا انسان را حفظ می‌کند از اینکه در چاهی سقوط کند یا دیواری بر او بیفتد یا حادثه دیگری برای او پیش بیاید تا زمانی که مقدرات حتمی فرا رسد در این هنگام آنها کنار می‌روند و او را تسلیم حوادث می‌کنند، آنها دو فرشته‌اند که انسان را در شب حفظ می‌کنند و دو فرشته‌اند که در روز که به طور متناوب به این وظیفه می‌پردازند.

در حدیثی دیگر از امام صادق (ع) می‌خوانیم:

« ما من عبد الا و معه ملکین یحفظانه فاذا جاء الامر من عند الله خلیا بینه و بین امر الله »: هیچ بنده‌ای نیست مگر اینکه دو فرشته با او هستند و او را محافظت می‌کنند، اما هنگامی که فرمان قطعی خداوند فرا رسد، او را تسلیم حوادث می‌کنند.^۳ بنا بر این آنها تنها او را از حوادثی که به فرمان خدا قطعیت نیافته حفظ می‌کنند.

در نهج البلاغه نیز می‌خوانیم که امیر مؤمنان علی (ع) فرمود: « إِنَّ مَعَ كُلِّ إِنْسَانٍ مَلَکَیْنِ یَحْفَظَانِهِ فَإِذَا جَاءَ الْقَدَرُ خَلَّیَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَهُ »: با هر انسانی دو فرشته است که او را حفظ می‌کنند، اما هنگامی که مقدرات حتمی فرا رسد او را رها می‌سازند.^۴

همچنین در خطبه اول نهج البلاغه در توصیف فرشتگان و گروه‌های مختلف آنها می‌خوانیم: « وَ مِنْهُمْ الْحَفَظَةُ لِعِبَادِهِ »: گروهی از آنها حافظان بندگان اویند.^۱

۱. الرکی: جنس للركیة، و معنی آن چاه است، و جمع آن، رکایا « ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ج ۴، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۲۶۱ ».

۲. بحرانی، هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۲۳۵

۳. همان

۴. شریف رضی، محمد بن حسین، پیشین، کلمات قصار، جمله ۲۰۱

۲-۳-۷. فرشتگان کاتب اعمال انسان

از دیگر وظایف فرشتگان، ثبت تمام اعمال بندگان خداست. بدون شک خداوند قبل از هر کس، و بهتر از هر کس، شاهد و ناظر اعمال آدمی است، ولی برای تاکید بیشتر و احساس مسئولیت فزونتر مراقبان زیادی گمارده است که یک گروه از آنها همین فرشتگانند چنان که می‌فرماید:

(وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ كِرَامًا كَاتِبِينَ يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ) انفطار/ ۱۲-۱۰: «و قطعاً بر شما نگهبانانی [گماشته شده] اند: [فرشتگان] بزرگواری که نویسندگان [اعمال شما] هستند آنچه را می‌کنید، می‌دانند.»

در تفسیر آیه فوق گفته‌اند: این آیه شریفه اشاره دارد به اینکه اعمال انسان غیر از طریق یادآوری خود صاحب عمل، از طریقی دیگر نیز محفوظ است، و آن محفوظ بودن اعمال با نوشتن فرشتگان نویسندگان اعمال است، که در طول زندگی هر انسانی موکل بر او هستند، و بر معیار آن اعمال پاداش و کیفر می‌بینند، هم چنان که فرمود: *(وَ نُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنْشُورًا اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا)* اسراء/ ۱۳-۱۴: «و روز قیامت برای او نامه‌ای که آن را گشاده می‌بیند بیرون می‌آوریم. نامه‌ات را بخوان کافی است که امروز خودت حسابرس خود باشی.»

در این آیات عده این فرشتگان که مامور نوشتن اعمال انسانند معین نشده، بلکه در آیه زیر که می‌فرماید: *(إِذْ يَتَلَفَّى الْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشَّمَالِ قَعِيدٌ)* ق/ ۱۷: به خاطر بیاورید هنگامی که دو فرشته راست و چپ که ملازم انسان هستند اعمال او را دریافت می‌دارند.

و نیز در تفسیر آیه: *(إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا)* اسراء/ ۷۸: همان قرآن فجر (نماز صبح) مورد مشاهده (فرشتگان شب و روز) است. اخبار بسیار زیادی از دو طریق شیعه و سنی رسیده که دلالت دارد بر اینکه نویسندگان نامه اعمال هر روز بعد از غروب خورشید بالا

می‌روند، و نویسندگانی دیگر نازل می‌شوند، و اعمال شب را می‌نویسند تا صبح شود، بعد از طلوع فجر صعود نموده مجدداً فرشتگان روز نازل می‌شوند، و همین طور.

و در آیه مورد بحث که می‌فرماید: «يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ» دلالتی بر این معنا هست که نویسندگان دانای به نیت نیز هستند، چون می‌فرماید: آنچه انسانها می‌کنند می‌دانند، و معلوم است که بدون علم به نیت نمی‌توانند به خصوصیات افعال و عناوین آنها، و اینکه خیر است یا شر، حسنه است یا سیئه علم پیدا کنند، پس معلوم می‌شود ملائکه دانای به نیت نیز هستند.^۱

برخی صاحب نظران گفته‌اند، قابل توجه اینکه آیات فوق در توصیف این فرشتگان می‌گوید: «آنها بزرگوار و در نزد پروردگار والا مقامند» تا انسانها بیشتر مراقب اعمال خویش باشند زیرا هر قدر ناظر بر اعمال انسان شخصیت والاتری داشته باشد انسان بیشتر از او ملاحظه می‌کند، و از انجام گناه شرمندتر می‌شود.

تعبیر به «کاتبین» در حقیقت تأکیدی است بر این معنی که آنها به حافظه قناعت نمی‌کنند، بلکه دقیقاً می‌نویسند و ثبت می‌کنند، و به این ترتیب هرگز چیزی از آنها فوت نمی‌شود و صغیر و کبیر را ثبت می‌کند.

ضمناً تمام این تعبیرات بیانگر اختیار و آزادی اراده انسان است، چرا که اگر آدمی اختیاری از خود نداشت گماردن این همه مامورین ثبت و ضبط اعمال، و اینهمه هشدار و اخطارها هدف و مفهوم صحیحی نخواهد داشت.

از سوی دیگر همه اینها بیانگر این واقعیت است که مساله حساب و جزای الهی بسیار سخت جدی است، چرا که خداوند اهمیت فوق العاده‌ای به آن داده است.

و توجه و ایمان به این واقعیت کافی است که انسان را تربیت کند و به مسئولیت‌هایش آشنا سازد و اثر بازدارنده فوق العاده روی اعمال خلاف بگذارد.^۲

۱. طباطبائی، محمد حسین، پیشین، ج ۲۰، ص ۳۷۳-۳۷۲

۲. مکارم شیرازی، ناصر، پیشین، ج ۲۶، ص ۲۲۷

در تفسیر نورالثقلین از احتجاج طبرسی نقل شده است که شخصی از امام صادق (ع) پرسید: علت وجود فرشتگان مامور ثبت اعمال نیک و بد انسانها چیست، در حالی که می‌دانیم خداوند عالم السر و ما هو اخفی است یعنی هر چیزی را که از آن مخفی‌تر نیست می‌داند؟! امام (ع) در پاسخ فرمود: استعبدھم بذلک، و جعلھم شھودا علی خلقه، لیكون العباد لملازمتهم ایاھم اشد علی طاعة اللّٰه مواظبة، و عن معصيته اشد انقباضا، و کم من عبد یھم بمعصیة فذكر مکانھما فارعوی و کف، فیقول ربی یرانی، و حفظتی علی بذلک تشهد، و ان اللّٰه برأفته و لطفه و کلھم بعبادہ، یذبون عنھم مردة الشیاطین، و هو ام الارض، و آفات کثیرة من حیث لا یرون باذن اللّٰه، الی ان یجیء امر اللّٰه عز و جل.

« خداوند این فرشتگان را به عبادت خود دعوت کرد و آنها را شهود بر بندگان قرار داد، تا بندگان به خاطر مراقبت آنان، بیشتر مراقب اطاعت الهی باشند، و از عصیان او بیشتر ناراحت شوند، و چه بسیار بنده‌ای که تصمیم به گناه می‌گیرد سپس به یاد این فرشته می‌افتد و خودداری می‌کند، می‌گوید:

پروردگرم مرا می‌بیند، و فرشتگان حافظ اعمال نیز گواهی می‌دهند، علاوه بر این، خداوند به رحمت و لطفش اینها را مامور بندگان کرده، تا به فرمان خدا شیاطین سرکش را از آنها دور کند، و همچنین جانوران زمین و آفات بسیار را که آنها نمی‌بینند، تا آن زمان که فرمان خدا و مرگ آنها فرا رسد»^۱.

از این روایت به خوبی استفاده می‌شود که آنها علاوه بر مأموریت ثبت اعمال مامور حفظ انسان از حوادث ناگوار و آفات و وسوسه‌های شیاطین نیز هستند.

بنابراین شایسته است که انسان در طول مدت زندگی به صیانت نفس بپردازد و بداند علاوه بر این که خداوندی که شاهد اعمال امروز او و حاکم روز جزا است، مراقبت و ناظر اوست، مراقبان دیگری نیز بر وی مقرر فرموده که امیر المومنین (علیه السلام) می‌فرماید: « اَعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّ عَلَیْكُمْ رَصْدًا مِنْ أَنْفُسِكُمْ وَ عُیُونًا مِنْ جَوَارِحِكُمْ وَ حِفَظًا صِدْقٍ یَحْفَظُونَ أَعْمَالَكُمْ وَ عَدَدَ أَنْفَاسِكُمْ لَا تَسْتُرُكُمْ مِنْهُمْ ظُلْمَةُ لَیْلِ دَاجٍ وَ لَا یَكْنِیْكُمْ مِنْهُمْ بَابٌ دُوْرَتَاجٍ وَ إِنَّ غَدًا مِنَ الْیَوْمِ قَرِیبٌ »: بندگان خدا! بدانید (که) دیده بانانی از خودتان و

۱. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، پیشین، ج ۵، ص ۵۲۲

جاسوس‌هایی از اندامتان بر شما (گماشته شده) است و (از فرشتگان) نگه دارنده‌هایی هستند که از روی راستی کردار و شماره نفس‌هایتان را ضبط می‌نمایند، تاریکی شب تا شما را از این فرشتگان نمی‌پوشاند و در بزرگ محکم بسته شده شما را از آنها پنهان نمی‌گرداند، و فردا (مرگ) به امروز نزدیک است.

(إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ) (ق/ ۱۸-۱۷: «آن گاه که دو [فرشته] دریافت‌کننده از راست و از چپ، مراقب نشسته‌اند. [آدمی] هیچ سخنی را به لفظ در نمی‌آورد مگر اینکه مراقبی آماده نزد او [آن را ضبط می‌کند]».

صاحب نظران در این خصوص گفته‌اند علاوه بر احاطه علمی خداوند به ظاهر و باطن انسان، دو فرشته نیز مامور حفظ و نگاهداری حساب اعمال اویند که از طرف راست و چپ از او مراقبت می‌کنند، پیوسته با او هستند و لحظه‌ای جدا نمی‌شوند، تا از این طریق اتمام حجت بیشتری شود، و تاکید می‌باشد بر مساله نگاهداری حساب اعمال.

«تلقى» به معنی دریافت و اخذ و ضبط است، و «متلقیان» دو فرشته‌ای هستند که مامور ثبت اعمال انسان می‌باشند.

«قعيد» از ماده «قعود» به معنی نشسته است و در اینجا منظور ملازم و مراقب است که این دو همواره با انسانند و مترصد اعمال او می‌باشند.

«مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ»

در آیه گذشته سخن از ثبت تمامی اعمال آدمی بود، و در این آیه روی خصوص الفاظ و سخنان او تکیه می‌کند، و این به خاطر اهمیت فوق العاده و نقش مؤثری است که گفتار در زندگی انسانها دارد، تا آنجا که گاهی یک جمله مسیر اجتماعی را به سوی خیر یا شر تغییر می‌دهد.

۱. فیض الاسلام اصفهانی، علی نقی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، تهران، نشر تألیفات فیض الإسلام، چ پنجم،

۱۳۷۹، خطبه ۱۵۶، ص ۴۹۸

و هم به خاطر اینکه بسیاری از مردم سخنان خود را جزء اعمال خویش نمی‌دانند، و خود را در سخن گفتن آزاد می‌بینند، در حالی که مؤثرترین و خطرناکترین اعمال آدمی همان سخنان او است.

بنا بر این ذکر این آیه بعد از آیه گذشته از قبیل ذکر خاص بعد از عام است.^۱

گفته شده، جمله «عَنِ الْيَمِينِ وَ عَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ» می‌خواهد موقعیتی را که ملائکه نسبت به انسان دارند تمثیل کند، و دو طرف خیر و شر انسان را که حسنات و گناهان منسوب به آن دو جهت است به راست و چپ محسوس انسان تشبیه نماید، (و گر نه فرشتگان موجوداتی مجردند که در جهت قرار نمی‌گیرند).^۲

«رقیب» به معنی مراقب و «عتید» به معنی کسی است که مہیای انجام کار است، غالب مفسران معتقدند که «رقیب» و «عتید» همان دو فرشته‌ای است که در آیه قبل به عنوان «متلقیان» از آنها یاد شده است، فرشته سمت راست نامش «رقیب» و فرشته سمت چپ نامش «عتید» است، گرچه آیه مورد بحث صراحتی در این مطلب ندارد، ولی با ملاحظه مجموع آیات چنین تفسیری بعید به نظر نمی‌رسد.

در اینکه این دو فرشته چه سخنانی را می‌نویسند؟ در میان مفسران گفتگو است: جمعی معتقدند همه را می‌نویسند، حتی ناله‌ای را که دردمند در موقع درد سر می‌دهد! در حالی که بعضی دیگر عقیده دارند تنها الفاظ خیر و شر و واجب و مستحبّ یا حرام و مکروه را می‌نویسند و کاری به مباحات ندارند.

اما عمومیت تعبیر آیه نشان می‌دهد که تمامی الفاظ و گفتار آدمی ثبت می‌شود.^۳

در تفسیر نورالثقلین حدیثی از عن سهل بن زیاد از یحیی بن المبارک از عبد الله از جبلة از إسحاق بن عمار از صادق (ع) آمده است که «إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا قَعَدَا يَتَحَدَّثَانِ قَالَتِ الْحَفَظَةُ بَعْضُهَا لِبَعْضٍ اعْتَزَلُوا بِنَا، فَلَعَلَّ لَهُمَا سِرّاً وَ قَدْ سَتَرَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا!» :

۱. مکارم شیرازی، ناصر، پیشین، ج ۲۲، ص ۴۷-۴۸

۲. طباطبایی، محمد حسین، پیشین، ج ۱۸، ص ۵۲۲

۳. مکارم شیرازی، ناصر، پیشین، ج ۲۲، ص ۴۹

« هنگامی که دو مؤمن کنار هم می‌نشینند و بحثهای خصوصی می‌کنند، حافظان اعمال به یکدیگر می‌گویند: ما باید کنار رویم، شاید آنها سری دارند که خداوند آن را مستور داشته ».

راوی می‌گوید: مگر خداوند عز و جل نمی‌فرماید ما يُلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ: هیچ سخنی انسان نمی‌گوید مگر اینکه فرشته مراقب و آماده ثبت اعمال نزد آن حاضر است؟
امام فرمود: «إِنْ كَانَتْ الْحَفِظَةُ لَا تَسْمَعُ فَاِنَّ عَالِمَ السِّرِّ يَسْمَعُ وَ يَرَى:

اگر حافظان سخنان آنها را نشنوند خداوندی که از اسرار با خبر است می‌شنود و می‌بیند!^۱

از این روایت استفاده می‌شود که خداوند برای اکرام و احترام مؤمن بعضی از سخنان او را که جنبه سری دارد از آنها مکتوم می‌دارد، ولی خودش حافظ تمام این اسرار است.

برخی از صاحب نظران معتقدند: فرشته دست راست نویسنده حسنات انسان است، و فرشته دست چپ نویسنده اعمال زشت انسان. برخی نیز می‌گویند: فرشتگان کاتب اعمال چهار فرشته هستند که دو نفر آنان کاتب اعمال روز و دو نفر کاتب اعمال شب هستند.

از ابی امامه از پیامبر خدا (ص) روایت شده است که فرمودند: فرشته دست چپ نسبت به مسلمانی که گناه کرده است مدت شش ساعت قلم خود را بر می‌دارد، اگر در ظرف این مدت پشیمان شد و توبه کرد آن گناه را نمی‌نویسد، و گر نه یک گناه برای او می‌نویسد.

و در روایت دیگری حضرت می‌فرماید: فرشته دست راستی نسبت به فرشته دست چپ فرمانروا است، هر گاه مسلمان عمل نیکی انجام داد فرشته دست راست ده برابر در نامه‌اش می‌نویسد، و هر گاه عمل گناهی انجام داد و فرشته دست چپ خواست آن را به حسابش بنویسد، فرشته دست راستی به او می‌گوید:

۱. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، پیشین، ج ۵، ص ۱۱۰

دست نگهدار، و فرشته دست چپ هفت ساعت صبر می‌کند، اگر از این گناه به پیشگاه خداوند پوزش خواست و آمرزش طلبید آن گناه را به حساب او نمی‌نویسد، و اگر توبه نکرد یک گناه به حسابش می‌نویسد.^۱

در باره ویژگیهای این فرشتگان (ماموران ثبت اعمال) تعبیرات پر معنی و هشدار دهنده‌ای در روایات اسلامی وارد شده است از جمله اینکه^۲:

۱- کسی از امام موسی بن جعفر (ع) سؤال کرد: دو فرشته‌ای که مامور ثبت اعمال انسان هستند آیا از اراده و تصمیم باطنی او به هنگام گناه یا کار نیک نیز با خبر می‌شوند؟

امام (ع) در پاسخ فرمود: آیا بوی چاه فاضلاب و عطر یکی است؟

راوی عرض کرد: نه! امام (ع) فرمود: هنگامی که انسان نیت کار خوبی کند نفشش خوشبو می‌شود! فرشته‌ای که در سمت راست است (و مامور ثبت حسنات می‌باشد) به فرشته سمت چپ می‌گوید: برخیز که او اراده کار نیک کرده است و هنگامی که آن را انجام داد زبان آن انسان قلم آن فرشته، و آب دهانش مرکب او می‌شود، و آن را ثبت می‌کند، اما هنگامی که اراده گناهی می‌کند نفشش بد بو می‌شود! ملائکه طرف چپ به فرشته سمت راست می‌گوید بر خیز که او اراده معصیت کرده، و هنگامی که آن را انجام می‌دهد زبانش قلم آن فرشته و آب دهانش مرکب او است و آن را می‌نویسد!^۳

۲- آنها مامورند به هنگامی که انسان نیت کار نیک می‌کند آن را به عنوان یک «حسنه» ثبت کنند، و هنگامی که آن را انجام می‌دهد ده حسنه بنویسند، اما هنگامی که تصمیم بر گناه می‌گیرد تا عمل نکرده چیزی بر او نمی‌نویسند و بعد از عمل تنها یک گناه ثبت کنند.^۴

۱. طبرسی، فضل بن حسن، پیشین، ج ۹، ص ۲۱۶

۲. با توجه به زیاد بودن متن عربی به ترجمه روایات بسنده می‌کنیم.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ ۴، ۱۴۰۷ ه.ق، ج ۲، بَابُ مَنْ يَهْمُ

بِالْحَسَنَةِ أَوْ السَّيِّئَةِ، ج ۳، ص ۴۲۹

۴. همان، ح ۱ و ۲، ص ۴۲۸

۳- در روایت دیگری آمده است که رسول خدا (ص) بعد از اشاره به وجود این دو فرشته، و نوشتن حسنات با پاداش ده برابر، فرمود هنگامی که انسان کار بدی انجام می‌دهد، فرشته راست به فرشته چپ می‌گوید: در نوشتن این گناه عجله مکن شاید کار نیکی بعد از آن انجام دهد که گناه او را بپوشاند همانگونه که خداوند بزرگ می‌فرماید: ﴿... إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ...﴾ هود/۱۱۴: «زیرا خوبیها بدیها را از میان می‌برد» یا اینکه توبه و استغفار کند (و اثر گناه از میان برود) ... و او هفت ساعت از نوشتن کار بد خودداری می‌کند، و اگر کار نیک یا استغفاری به دنبال آن نیاید فرشته حسنات به فرشته سیئات می‌گوید بنویس بر این بدبخت محروم!^۱

۴- در حدیث دیگری از امام صادق (ع) آمده است: «هنگامی که مؤمنان در یک مجلس خصوصی با هم سخن می‌گویند حافظان اعمال، به یکدیگر می‌گویند

ما از آنها دور شویم، شاید سری دارند که خدا آن را مستور داشته!»^۲

امروزه با وجود آلاتی که اختراع شده است با آنکه مادی است نه معنوی و روحانی، می‌بینم چگونه کلمات و صورت انسان را ضبط میکنند و قرن‌ها می‌توانند در خود نگهداری کنند، نباید شکی و تردیدی به خود راه دهیم در اینکه فرشتگان الهی اعمال و صور را ضبط می‌کنند.

حقاً اگر انسان با خدا باشد و برای رضای خدا عملی انجام دهد، به خوبی خواهد یافت که خداوند او را یله نگذارده و در مواقع ضرورت به فریادش می‌رسد، و ارواح طیبه حیّه و جنود ملائکه برای کمک و صیانت او بسیج می‌شوند؛ چون عالم کون زنده و بیدار است. ﴿... وَ عِنْدَنَا كِتَابٌ حَفِیْظٌ﴾ ق/۴: «... و پیش ما کتاب ضبط کننده‌ای است».

خداوند وظایف مهم دیگری نیز بر عهده فرشتگان گذارده است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. همان، ج ۴، ص ۴۲۹

۲. همان، ج ۲، ص ۱۸۲

گروهی جان می‌ستانند. (اعراف/۳۷)

گروهی مامور عذاب و مجازات مردمان سرکشند. (هود/۷۷)

گروهی شفاعت کنندگان مؤمنان هستند. (نجم/۲۶ و انبیاء/۲۸)

گروهی به مؤمنان با استقامت بشارت می‌دهند. (فصلت/۳۰)

و گروهی سازنده وحی و آورندگان کتب آسمانی برای انبیا هستند. (نحل/۲)

و نیز در قرآن برای هر دسته از فرشتگان مأموریت و نقش خاصی تعیین شده است و با همان مأموریت نام‌گذاری شده‌اند:

«النَّازِعَاتُ» (نازعات/۱)، «الصَّافَاتُ» (صافات/۱)، «الزَّاجِرَاتُ» (صافات/۲)، «النَّاشِرَاتُ» (مرسلات/۳)، و «الْفَارِقَاتُ» (مرسلات/۴).

۲-۴. تأثیر فرشتگان بر سعادت و سرنوشت انسان

انسان موجود مختاری است که سعادت و شقاوتش را با اراده و تصمیم خود می‌سازد:

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ» * رعد/۱۱: «در حقیقت، خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند».

«إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» * دهر/۳: «ما راه را بدو نمودیم یا سپاسگزار خواهد بود و یا ناسپاسگزار».

«وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ» * کهف/۲۹: «و بگو: حق از پروردگارتان [رسیده] است. پس هر که بخواهد بگردد و هر که بخواهد انکار کند».

۲-۴-۱. تأثیر ایمان به فرشتگان در زندگی انسان

از جمله موضوعات مهم اسلامی و معتقدات ضروری مذهب، موضوع وجود ملائکه و

ایمان به آنهاست.

ایمان به ملائکه یعنی تصدیق و باور قاطع و قوی به اینکه ملائکه از جمله مخلوقات خدا هستند و از دستورات خدا سرپیچی نمی‌کنند و هر امری که به آنها ابلاغ شود بی‌درنگ انجام می‌دهند.

*(لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهٖ يَعْمَلُونَ)*انبیاء/ ۲۷: «که در سخن بر او پیشی نمی‌گیرند، و خود به دستور او کار می‌کنند».

ایمان به ملائکه شامل چهار موضوع و مسئله است:

۱- ایمان آوردن به وجودشان.

۲- ایمان به همه آنها، چه آنانی که نامشان در قرآن آمده مانند جبرئیل و چه آنهایی که ذکری از نامشان نشده، ایمان بیاوریم.

۳- ایمان به صفات و ویژگی‌های آنها که در قرآن آمده است.

۴- ایمان به انجام کارهایی که خدا به آنها امر کرده مانند: تسبیح، عبادت شبانه روز و بدون خستگی و

در آیات قرآن کریم، ایمان به فرشتگان به قدری اهمیت دارد که در ردیف ایمان به خداوند و نبوت و روز قیامت و کتب آسمانی شمرده شده است، چنان که خداوند فرموده است: *(آمن الرسولُ بما أنزلَ الیه من ربه و المؤمنون کلُّ آمن بالله و ملائکته و کتبه و رُسله ...)* بقره/۲۸۵: «پیامبر [خدا] بدانچه از جانب پروردگارش بر او نازل شده است ایمان آورده است، و مؤمنان همگی به خدا و فرشتگان و کتابها و فرستادگانش ایمان آورده‌اند».

و نیز می‌فرماید: *(ولکن البرّ من آمن بالله و الیوم الآخر و الملائکة و الکتاب و النیین)* بقره/۱۷۷: «بلکه نیکی آن است که کسی به خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران ایمان آورد».

خداوند در این آیه، ایمان را مرکب از پنج واقعیت می‌داند: الله، قیامت، ملائکه، کتاب و انبیا. از این رو، همان گونه که انکار خدا موجب کفر می‌شود، انکار فرشتگان و حتی فرشته ای از فرشتگان خدا نیز مساوی با کفر خواهد بود و کافر دشمن حق و جایگاهش در جهنم ابدی است، چنان که درباره یهود فرمود: ﴿مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ﴾ بقره/۹۸؛ هر کسی که دشمن خدا و فرشتگان و رسولان حق و جبرئیل و میکائیل است (چنین کسی کافر است) پس خداوند هم دشمن کافران است.

گفته شده، اینها قابل تفکیک نیستند: الله، فرشتگان او، فرستادگان او، جبرئیل، میکائیل و هر فرشته دیگر، و در حقیقت دشمنی با یکی دشمنی با بقیه است.

به تعبیر دیگر دستورات الهی که تکامل بخش انسان‌هاست از سوی خداوند بوسیله فرشتگان بر پیامبران نازل می‌شود و اگر تفاوتی بین ماموریت‌های آنها باشد از قبیل تقسیم مسئولیت است نه تضاد در ماموریت، آنها همه در مسیر یک هدف قرار دارند، بنا بر این دشمنی با یکی از آنها، دشمنی با خدا است.^۱

برخی از صاحب نظران می‌گویند: «از عناصر محوری برّ، ایمان و اعتقاد و ارادت یکسان به همه فرشتگان است، از این رو ملائکه به صورت جمع مُحَلّی به الف و لام «الملائكة» آمده است، پس مؤمن همان گونه که به جبرئیل و میکائیل و اسرافیل علیهم السلام که به ترتیب با اذن پروردگار عهده دار علم، رزق و حیات‌اند، ایمان دارد باید به عزرائیل علیه السلام هم ایمان و ارادت داشته باشد و اگر کسی بر اثر انزجار از مرگ، به حضرت عزرائیل بی ایمان یا کم ارادت بود شمول آن بر نیست».^۲

اینکه چرا خداوند تا این حد به مسأله ایمان به فرشتگان اهمیت می‌دهد، از یک سو به جهت مقام و مرتبه این موجودات شریف است که در ردیف بزرگترین و با ارزش‌ترین موجودات هستی قرار دارند و صفات نیکوی آنها از جمله عصمت، فرمانبرداری، قدرت، زیبایی، خیر و... موجب می‌شود تا شایسته احترام و تکریم باشند. چنانکه دوستی با آنها دوستی با خدا و

۱. مکارم شیرازی، ناصر، پیشین، ج ۱، ص ۳۶۳

۲. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، قم، اسراء، چاپ اول، ۱۳۸۵، ص ۱۰۷

دشمنی با آنها دشمنی با خدا محسوب می‌شود.

ازسوی دیگر، بدیهی است که باید برای ایمان به کتب الاهی، به صحت صدور آن ازسوی خداوند اطمینان حاصل شود و طبق آیات دیگر قرآن، این ملائکه هستند که کتب آسمانی را بر انبیا نازل کرده‌اند؛ پس باید برای ایمان به کتب آسمانی، به ملائکه فروآورنده آنها نیز ایمان داشت.

و نیز می‌فرماید: * (وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا) * نساء / ۱۳۶: «و هر کس به خدا و فرشتگان او و کتابها و پیامبران و روز بازپسین کفر ورزد، در حقیقت دچار گمراهی دور و درازی شده است.»

گفته شده، تعبیر به ضلال بعید (گمراهی دور) در این آیه تعبیر لطیفی است یعنی چنین اشخاص آن چنان از جاده اصلی پرت شده‌اند که بازگشت‌شان به شاهراه اصلی به آسانی ممکن نیست.^۱

در این مورد اخبار و روایات فراوانی نیز وارد شده که جملگی بر وجود ملائکه تصریح دارند، از جمله دعایی است که امام سجاد (علیه السلام) در صحیفه سجادیه در دعای سوم انشا کرده و آن را به درود و صلوات بر ملائکه الله اختصاص داده‌اند و نیز کلام گهربار علی (علیه السلام) که می‌فرماید:

« ثُمَّ خَلَقَ سُبْحَانَهُ لِإِسْكَانِ سَمَآوَاتِهِ وَ عِمَارَةِ الصَّفِيحِ الْأَعْلَى مِنْ مَلَكَوتِهِ خَلْقًا بَدِيعًا مِنْ مَلَائِكَتِهِ »^۲: سپس خداوند سبحان برای سکونت در آسمان‌ها در آبادانی بالاترین قسمت از ملکوت خویش، مخلوقات بدیع و نو ظهور، یعنی فرشتگان را آفرید.

عده ای گمراه عقیده داشتند که هر چه را می‌بینیم وجود دارد و تا خدا و فرشتگان را نبینیم ایمان نمی‌آوریم. در جوابشان آمد که خدا دیدنی نیست، اما فرشتگان را روزی خواهید دید:

۱. مکارم شیرازی، ناصر، پیشین، ج ۴، ص ۱۶۸

۲. شریف رضی، محمد بن حسین، پیشین، خ ۹۱

(يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلَائِكَةَ لَا بُشْرَى يَوْمَئِذٍ لِلْمُجْرِمِينَ وَيَقُولُونَ حِجْرًا مَحْجُورًا) فرقان/۲۲:»

روزی که فرشتگان را ببینند، آن روز برای گناهکاران بشارتی نیست، و می‌گویند: «دور و ممنوع از رحمت خداييد».

علامه جعفری می‌گوید: «و اکنون نیز بعضی از دانشمندان معاصر برای این که هر حقیقتی را با چهره طبیعی آن بپذیرند، فرشتگان را انواعی از نیروها و قوای مخفی طبیعت تلقی نموده، می‌خواهند استبعاد افرادی را که در طبیعت نمی‌تواند واقعیت دیگری را بپذیرند، ولی این یک سطحی نگری در شناسایی‌هاست که ناشی از تفسیر نابجای علم و طبیعت است. مگر آنان که عناصر را در چهار نوع منحصر می‌دانستند علم‌گرایان نبوده‌اند؟ مگر آنان که صوت را از پدیده‌های عرضی دانسته، آن را غیر قابل انتقال تلقی می‌کردند چهره دانشمندی نداشتند؟ آری کسانی بودند که با طرفداری جدی از علم، بقای اعراضی مانند صوت را پس از به وجود آمدن، امکان ناپذیر می‌دانستند؛ نیز متفکرانی که از علم دفاع می‌کردند و کمترین اطلاعی از جریانات ذرات بنیادین طبیعت نداشتند اندک نبوده‌اند...

به هر حال، این یک روش بنیان کن است که، ما نخست علم و جهان هستی را محدود می‌کنیم و سپس در دریایی از وحشت و اضطراب غوطه‌ور می‌گردیم. آیا کسی نیست از ما بپرسد که با مشاهدت فراوان در طول تاریخ درباره قالب ناپذیری اصول و مسائل علمی از یک طرف، و با شناسایی انسان و بی‌کرانه جویی‌هایش از طرف دیگر، و نامحدود بودن روابط و اجزای طبیعت با سیستم بار، که رو به ماورای طبیعت (متافیزیک به معنای عمومی آن) دارد، چگونه به خود اجازه می‌دهید که علم و جهان هستی را محدود نموده، در برابر مفاهیم و مسائل عالی و با اهمیت به وحشت و اضطراب و نیهیلیستی دچار شوید؟!

ما می‌گوییم: فرشتگان وجود دارند و اگر نامحسوس بودن وجود فرشتگان را دلیل نیستی آنان بدانیم نیمه اساسی معلومات خود را که عبارت است از: واقعیات نامحسوس، منکر شده این و هیچ متفکر خردمند نمی‌تواند این قضیه نمی‌بینم پس وجود ندارد را زمینه جهان بینی خود قرار داده و حکم به نیستی بیرون از منطقه حواس نماید.

ما می‌دانیم که ارتعاشات صوتی بایستی به حد معینی برسد تا ما آن را بشنویم، اجسام و اشکال و رنگ‌ها در فاصله معینی برای ما مطرح می‌شوند، دانه‌ای از الکترون و انرژی را تاکنون ندیده‌ایم، جاذبیت محسوس نیست، هیچ یک از پدیده‌ها و نیروهای درونی مانند اندیشه و تخیل و اراده و آن حقیقتی که مدیریت آنها را در بر دارد و من نامیده می‌شود وارد منطقه حواس نمی‌شوند و حتی تسلیم حساس‌ترین وسایل نمی‌گردند.

فرشتگان از جنس و نوع اجزای و پدیده‌های عالم طبیعت نیستند، بلکه موجودات مقدس و دارای ماهیت‌های مخصوصی می‌باشند. و توصیفات ما درباره فرشتگان مستند به منبع وحی است یا به طور مستقیم، که قرآن است و یا به طور غیر مستقیم، که از زبان ولی الله اعظم امیر المومنین و سایر ائمه معصومین می‌باشد.^۱

ایمان به غیب و فرشتگان عالم علوی، شرط تقوی و رستگاری است. قرآن کریم شرط یقین و فلاح را ایمان به غیب می‌داند.

(الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ* أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ* خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَ عَلَى سَمْعِهِمْ وَ عَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاةً وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ)* بقره/۳-۷: «آنان که به غیب ایمان می‌آورند، و نماز را بر پا می‌دارند، و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند و آنان که بدانچه به سوی تو فرود آمده، و به آنچه پیش از تو نازل شده است، ایمان می‌آورند و به آخرت یقین دارند. آنها ایند که از هدایتی از جانب پروردگارشان برخوردارند و آنها همان رستگارانند. در حقیقت کسانی که کفر ورزیدند- چه بیمشان دهی، چه بیمشان ندهی- برایشان یکسان است [آنها] نخواهند گروید. خداوند بر دلهای آنان، و بر شنوایی ایشان مهر نهاده و بر دیدگان‌شان پرده‌ای است و آنان را عذابی بزرگ است.»

در این آیات بطور صریح، شرط سعادت ابدی را ایمان به غیب و عالم علوی و آخرت و تعبّد محض در برابر ما اُنزل الله می‌داند، و بلافاصله غیر از این افراد را کافر می‌شمرد؛ و بر ختم

۱. جعفری، محمد تقی، پیشین، ج ۲، ص ۱۱۶

دلها و گوشها و پرده و حجاب بر روی چشمهایشان حکم می‌نماید، و ایعاد به عذاب عظیم می‌دهد.^۱

ایمان به فرشتگان تأثیر مهمی در زندگی روز مره انسان دارد، و اگر انسان دانست که چنین است احتیاط می‌کند، و اگر دانست که فرشتگانی مأمور بر او هستند و شب و روز از او نگهداری می‌کنند، در اینحال احتیاط می‌کند تا اینکه چیزی بر او نوشته شود. آیا اگر بداند که جاسوسی دنبال او می‌باشد و از او مراقبت می‌کند آیا احتیاط نمی‌کند که ممکن است حرفی بزند و یا کاری انجام دهد که به ضرر او تمام شود؟ پس چطور از فرشتگان پرهیز نمی‌کند در حالیکه او آنها را نمی‌بیند و بشر جاسوسها را می‌بینند، کسی که تو را نگهداری می‌دهد و زیر نظر قرار دارد مواظب خود خواهی شد، ولی فرشتگان تو را می‌بینند و تو آنها را نمی‌بینی، ممکن است خود را از بشر پنهان کنی و داخل خانه‌ای شوی، یا دری بر خود ببندی تا از تو با خبر نشود ولی فرشتگان در هر جا که باشی با تو همراهند. خداوند عز و جل به آنان این قدرت را داده تا هر جائیکه خداوند به آنها فرمان دهد برسند، به همین خاطر خداوند می‌فرماید: ﴿وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ كَرَامًا كَاتِبِينَ يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ﴾ * انفطار/ ۱۰- ۱۲؛ خداوند این را فرموده تا ما مواظب خود باشیم.^۲

و این ثمره ایمان به فرشتگان است که انسان مواظب گفتار و کردار بد خود خواهد بود، تا اینکه بر او چیزی نوشته نشود، وگرنه روز قیامت مجازات خواهد شد. و کسی که با فرشتگان دشمنی کند و آنان را دوست ندارد، خداوند دشمن او خواهد بود. و می‌فرماید: ﴿أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ بَلَىٰ وَرُسُلْنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ﴾ * زخرف/ ۸۰: «آیا می‌پندارند که ما راز آنها و نجوایشان را نمی‌شنویم؟ چرا، و فرشتگان ما پیش آنان [حاضرند و] ثبت می‌کنند».

پس خداوند حرف زدن آهسته بین دو نفر و راز و نیاز کردن و آنچه سرّ می‌باشد می‌شنود، و فرشتگان آنرا می‌نویسند و این از نشانه ایمان به فرشتگان می‌باشد.

۱. حسینی طهرانی، محمد حسین، نور ملکوت قرآن، پیشین، ج ۲، ص ۲۰۹

۲. صالح بن فوزان الفوزان، ایمان به فرشتگان و تأثیر آن در زندگی امت اسلام، ترجمه: ابو عبدالله (اسحاق بن عبدالله بن محمد الدبیری)، ریاض، ۱۴۲۱ق، ص ۲۸

ایمان به ملائکه آثار مهمی در حیات انسان مؤمن دارد، که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- اطلاع یافتن از قدرت و عظمت خدای متعال است، زیرا بزرگی و عظمت مخلوق نشانی از عظمت و بزرگی خالق است.

۲- استقامت و پایداری در اطاعت از خدا و عبادت او. وقتی انسان ایمان داشته باشند که ملائکه تمام اعمالش را می‌نویسند و ثبت می‌کنند، از خدا می‌ترسد، و در نتیجه نه مخفیانه و نه آشکارا اقدام به گناه و نافرمانی از خدا نمی‌کند.

۳- وقتی انسان مؤمن یقین یابد موجوداتی به نام ملائکه که تعدادشان هم خیلی زیادند با او مشغول عبادت خدایند، احساس آرامش و اطمینان می‌کند و در می‌یابد که تنها او نیست که خدا را عبادت می‌کند.

۴- وقتی انسان مؤمن بداند که ملائکه مأمور مراقبت و حفظ او هستند، متوجه عنایت خدای متعال نسبت به خود می‌گردد و موجب می‌شود شکر گزاریش به خاطر نعمتهای بیش از حد خدا بیشتر و بیشتر شود.

۵- اگر انسان مؤمن پی ببرد که وقتی اجلش سر رسد، ملک الموت که مأمور قبض روح است به سراغش می‌آید و روحش را قبض خواهد کرد، به فانی بودن دنیا بیشتر ایمان می‌آورد، در نتیجه سعی می‌کند با ایمان و عمل صالح، خود را برای روز آخرت آماده‌تر سازد.

۲-۴-۲. نقش ملائکه در تکامل وجودی انسان

یاری و همراهی فرشتگان بر اساس نسبتی طولی با آدمیان سنتی است الهی در جهت سیر دادن همگان به خیر و کمال سعادت.^۱

۱. دلشاد تهرانی، مصطفی، پیشین، ص ۸۲

(هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا) احزاب/۴۳: «اوست کسی که با فرشتگان خود بر شما درود می‌فرستد تا شما را از تاریکیها به سوی روشنایی برآورد، و به مؤمنان همواره مهربان است».

ملائکه و خداوند مؤمنین را تایید می‌کنند «هو الذی یصلی علیکم و الملائکة: خدا و ملائکه بر پیامبر(ص) درود و صلوات می‌فرستند:

(إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا) احزاب/۵۶: «خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر او درود فرستید و به فرمانش بخوبی گردن نهید».

کسانی که کفر بورزند و از مسیر خدا منحرف شوند، بر خلاف مسیر همه موجودات قرار گرفته‌اند و نتیجتاً پیوند خود را با خدا و ملائکه و پیامبران و مردم و تمام هستی و عالم بریده‌اند و مورد طرد و لعن همه این‌ها قرار می‌گیرند: *(إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ مَا تَوْأَمَهُمْ كُفَّارًا أُولَئِكَ عَلَيْهِمُ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ)* بقره/۱۶۱: «کسانی که کافر شدند، و در حال کفر مردند، لعنت خدا و فرشتگان و تمام مردم بر آنان باد».

(تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ) قدر/۴: «در آن [شب] فرشتگان، با روح، به فرمان پروردگارشان، برای هر کاری [که مقرر شده است] فرود آیند».

در شب قدر ملائکه بر او نازل می‌شوند او را تایید می‌کنند و بر او سلام می‌گویند.^۱

درود فرستادن فرشتگان بر مومنان همان ایفای رسالت هدایت آنان است.

(إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ) فصلت/۳۰: «در حقیقت، کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداست» سپس ایستادگی کردند، فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند [او می‌گویند]: «هان، بیم مدارید و غمگین مباشید، و به بهشتی که وعده یافته بودید شاد باشید».

۱. صلواتی، محمود، نقش ملائکه در سازمان دهی و حرکت جهان، تهران، سیما، بی تا، صص ۳۱ و ۳۲

زیرا نزول فرشتگان رحمت و بشارت بر قلوب مردان سالک، زمینه پایداری آنان را فراهم تر می‌سازد و نشانه های عینی بشارت را می‌یابند. پس وظیفه فرشتگان آوردن رحمت ویژه است که در راهیابی و مقصد شناسی و پیمودن آن سهم به سزایی دارد که همان هدایت تکوینی است در رسالتی بس سودمند در اهتدای انسان های متکامل دارند.^۱

۲-۴-۳. فرشتگان، مأموران هدایت

همه فرشتگان فرستادگان خداوندند که هر یک وظیفه ای دارند تا با انجام دادن آن، هدایت تکوینی ویژه ای را به مورد خاص برسانند؛ * (... جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا ...) * فاطر/۱: ... فرشتگان را پیام‌آورنده قرار داده است ... ».

* (هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا) * احزاب/۴۳: «اوست کسی که با فرشتگان خود بر شما درود می‌فرستد تا شما را از تاریکیها به سوی روشنایی برآورد، و به مؤمنان همواره مهربان است».

* (إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا) * احزاب/۵۶: «خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر او درود فرستید و به فرمانش بخوبی گردن نهید».

درود فرستادن فرشتگان بر مومنان همان ایفای رسالت هدایت آنان است.

* (إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ) * فصلت/۳۰: «در حقیقت، کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداست» سپس ایستادگی کردند، فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند [او می‌گویند]: «هان، بیم مدارید و غمگین مباشید، و به بهشتی که وعده یافته بودید شاد باشید».

زیرا نزول فرشتگان رحمت و بشارت بر قلوب مردان سالک، زمینه پایداری آنان را فراهم تر می‌سازد و نشانه های عینی بشارت را می‌یابند. پس وظیفه فرشتگان آوردن رحمت

۱. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم (هدایت در قرآن)، قم، اسراء، چ اول، ۱۳۸۳، ص ۸۴

ویژه است که در راهیابی و مقصد شناسی و پیمودن آن سهم به سزایی دارد که همان هدایت تکوینی است در رسالتی بس سودمند در اهتدای انسان های متکامل دارند.^۱

۲-۴-۴. تعلیم دهنده قوه عاقله انسان

در میان عوامل مؤثر در تربیت عواملی وجود دارند که فراتر از امور طبیعی اند و برای انسان ملموس و محسوس نیستند، ولی این عوامل پیوسته در تعامل با انسانند و در زندگی آدمی نقشی مهم دارند.

مهمترین عوامل ماورای طبیعت فرشتگان و شیاطین اند که به دلیل محسوس و ملموس نبودن نقششان در تربیت مورد توجه جدی قرار نمی گیرد و نیز نقش آنها در تربیت به درستی دریافت نمی شود، به گونه ای که گاه نقش این عوامل در تربیت کاملاً منتفی می شود و گاه به آنها به صورت علت تامه در تربیت نگاه می شود، در حالی که فرشتگان و شیاطین به نحو اقتضا در تربیت انسان موثرند و رابطه آنها با انسان رابطه ای طولی است، یعنی چون انسان اراده خیر کند، فرشتگان در همان جهت او را راهنمایی و یاری می کنند، ولی هیچ یک از آنها بر انسان مسلط نیستند و تا انسان خود راه نفوذ و زمینه و بستر مناسب را فراهم نکند، هیچ موجودی نمی تواند او را به سوی خیر و شر راه ببرد.^۲

برای انسان ها مربیانی است که تعلیم دهنده و تربیت کننده خرد و قوه عاقله او می باشند. در مرحله اول، مربی انسان خداوند متعال است و در مرحله دوم، فرشتگان و مامورن غیبی عالم تکوینند که به اذن الهی، پیوسته به وسیله الهام درونی و هدایت های باطنی، انسان را تعلیم می دهند و تربیت می کنند، که شاید خود انسان از وجود و خدمات این مربیان دلسوز، بی اطلاع باشد. چنان که امام صادق (علیه السلام) فرموده است: مومنی نیست جز آن که قلبش از درون دو گوش دارد: گوشی که شیطان در آن وسوسه

۱. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم (هدایت در قرآن)، پیشین، ص ۸۴

۲. دلشاد تهرانی، مصطفی، پیشین، ص ۸۰

کند و گوش‌ی که فرشته در آن دمد، و خداوند مومن را به وسیله فرشته تقویت می‌کند.^۱

بنابراین فرشتگان در اوقات حساس زندگی انسان، یعنی در انتخاب اعمال خوب و زشت که سعادت و شقاوت را به دنبال دارد، او را تذکر می‌دهند و به کردار نیک رهنمون می‌شوند و تشویق می‌کنند؛ و از عمل زشت باز می‌دارند و بر عواقب وخیم آن هشدار می‌دهند. این رفیقان شایسته و اساتید بی‌مزد و پر مهر، پیوسته با وی هستند، مگر این که شقاوت وی به جایی برسد که تنبیه و تذکر او بی‌فایده و بی‌اثر باشد. البته این مطلب نمی‌تواند دلالت کند که فرشته بر انسان فضیلت و برتری دارد؛ زیرا بی شک انسان‌های کامل از آنها برترند.^۲ و همچنین در روایت وارد است که شخص رسول خدا (ص) توسط خداوند متعال تربیت شده است؛ امیر المومنین (ع) فرمود: «يَا كَمِيلُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص أَذَبَهُ اللَّهُ وَهُوَ أَذَّبَنِي وَ أَنَا أُؤَدِّبُ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَوْرَثُ الْأَذَابِ الْمُكْرَمِينَ»^۳ : ای کمیل! رسول الله را خداوند ادب آموخت و مرا رسول خدا (ص) و من نیز مومنان را تربیت خواهم کرد و آداب بزرگواران را به ارث خواهم گذاشت.

فرشتگان اسبابی الهی و عوامل اساسی در تربیت انسان و یاورانی نیکو در راه رسیدن آدمی به خیر و کمال و سعادت حقیقی‌اند. انسان مسجود فرشتگان است و همه آنان مأمور یآوری انسان در جهت سیر به سوی کمال مطلقند. خدای سبحان از زبان فرشتگان این حقیقت را اعلام فرموده است:

«نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ» * فصلت / ۳۱: «در زندگی دنیا و در آخرت دوستانتان ماییم»

۱. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، پیشین، ج ۲، ص ۲۶۷

۲. رجال‌ی تهرانی، علی رضا، پیشین، ص ۹۲

۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف القعول؛ محقق و مصحح: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، چ دوم، ۱۳۶۳، ص ۱۷۱

فرشتگان موکلان امور و متولیان زندگی آدمیانند و واسطه فیض رسانی و رحمت و برکت و کرامت خداوند بر انسانند. آنان نگهبان آدمیان به سوی خیر و کمالند و هر که خود را تحت ولایت الهی قرار دهد از یاری آنان بهره مند می‌شود.^۱

به بیان امیرمؤمنان علی (علیه السلام): «إِنَّ مَعَ كُلِّ إِنْسَانٍ مَلَكََيْنِ يَحْفَظَانِهِ»^۲ با هر انسان دو فرشته است که او را می‌پایند.

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) درباره تربیت والاترین آدمیان، یعنی سرور عالمیان حضرت ختمی مرتبت بدین حقیقت اشاره فرموده است:

«وَلَقَدْ قَرَنَ اللَّهُ بِهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - مِنْ لَدُنْ أَعْنُ كَانَ فَطِيمًا أَعْظَمَ مَلَكٍ مِنْ مَلَائِكَتِهِ، يَسْلُكُ بِهِ طَرِيقَ الْمَكَارِمِ، وَ مُحَاسِنَ أَخْلَاقِ الْعَالَمِ، لَيْلَهُ وَ نَهَارَهُ»^۳: هنگامی که آن حضرت از شیر گرفته شد خداوند بزرگترین فرشته از فرشتگانش را شب و روز همنشین او فرمود تا راههای بزرگواری را پیمود، و خویهای نیکوی جهان را فراهم نمود.

یاری و همراهی فرشتگان بر اساس نسبتی طولی با آدمیان سنتی است الهی در جهت سیر دادن همگان به خیر و کمال سعادت.

ابلیس و سپاهیانش یعنی شیاطین جن و یاورانشان در مقابل خیر و کمال و سعادت انسان صف بسته اند و نقشی مهم - به نحو اقتضا و نه علت تامه - در تربیت آدمی - در جهت مثبت و منفی - دارند.^۴

برخی معتقدند ابلیس و نسل او بر آنان که گمراهی را انتخاب می‌نمایند، سرپرستی می‌یابند و آنان را در گمراهی یاری می‌کنند و به هیچ وجه بر آنان که گمراهی را نخواهند سلطه نمی‌یابند. قضای الهی چنین است که خداوند شیطان را بر افرادی که خودشان میل به

۱. دلشاد تهرانی، مصطفی، پیشین، ۸۱

۲. شریف رضی، محمد بن حسین، حکمت ۲۰۱

۳. همان، خطبه ۱۹۲

۴. دلشاد تهرانی، مصطفی، پیشین، ص ۸۲

پیروی او را دارند و سرنوشت خود را به دست او می سپارند، مسلط کرده است و اینها را که شیطان برایشان حکم فرمایی می کند.^۱

* (إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَكَّلُونَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ) * نحل/۱۰۰: تسلط او فقط بر کسانی است که وی را به سرپرستی برمی گیرند، و بر کسانی که آنها به او [خدا] شرک می ورزند.

۲-۴-۵. اثر متقابل محبت فرشتگان و مومنان بر یکدیگر

انسان در سیر صعودی و صیروت خویش تا لقاء الله، به فرشتگان می رسد و برای بار یافتن به مقام خلافت الهی باید به تعلیم فرشتگان پردازد و استاد آنان شود. چنین مقامی بی شک نیازمند آن است که نخست انسان سالک صاعد، فرشته خو گردد تا به سر حد آنان برسد و راه برای صعودی برتر و عروجی والاتر از فرشتگان گشوده شود.

از این رو بیان صفات فرشتگان، تنها بار علمی ندارد. بلکه انسان را در جهت فرشته خو شدن یاری می کند و راه خلافت الهی را برای او آسان می سازد.^۲

علم و شناخت انسان درباره فرشتگان و اوصاف آنان چنانچه با عمل همراه شود، انسان سالک را تا مرز فرشتگی، ترقی می دهد و این، مرتبه والایی است که قرآن کریم راه آن را برای انسان، هموار نموده است. مسلماً پیمودن این راه که از خاک نشینی تا هم دوشی و هم نشینی با سماواتیان، امتداد می یابد اگرچه میسر و ممکن است، اما همتی بسیار عالی، تلاشی پیگیر و مراقبت و مداومتی پیوسته و پایان ناپذیر می خواهد. اگر چنین همت و تلاش و مراقبت و مداومتی در کار باشد، انسان تا مرز فرشتگان و مصافحه با آنان پیش خواهد رفت.^۳

از جمله صفاتی که قرآن کریم برای فرشتگان، ثابت می داند، گناه نکردن و فرمان های خدای سبحان را بی کم و کاست، عمل نمودن است: * (لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا

۱. طباطبایی، محمد حسین، پیشین، ج ۱۲، ص ۱۶۶

۲. همان، ص ۳۱۸

۳. همان، ص ۲۰۶

يُؤْمَرُونَ ﴿٦﴾ * تحریم/۶. و در جای دیگر نیز آنان را بندگان گرامی حق معرفی می کند که هرگز بر فرمان خدا پیشی نمی گیرند و جز به امر او عمل نمی کنند: ﴿بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ﴾ * انبیاء/۲۶-۲۷.

قرآن کریم در این باره به انسان های فرشته خویی اشاره می کند که در سراسر هستی آنها اثری از گناه و خطا و اشتباه دیده نمی شود و در حریمی از طهارت و تقوی الهی همواره به سر می برند و آنان اهل بیت رسول خدا (ص) هستند که خدای سبحان این گونه مخاطبشان ساخته و می فرماید: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ * احزاب/۳۳: « خدا فقط می خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند ».

وصف دیگری که قرآن کریم درباره فرشتگان بیان می دارد، استغفار آنان برای بندگان مومن خدا است. ﴿الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ﴾ * غافر/۷.

این فرشته خویی یعنی استغفار و دعا برای همه مومنان در پیامبران الهی نیز وجود دارد. حضرت نوح (ع) به درگاه خداوند عرضه می دارد که: ﴿رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِإِلَدِي وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ﴾ * نوح/۲۸: « پروردگارا، بر من و پدر و مادرم و هر مؤمنی که در سرایم درآید، و بر مردان و زنان باایمان ببخشای ». این استغفار حضرت (ع) تا ابد همه زنان و مردان مومن را در بر می گیرد؛ چرا که مومنان هر عصری نوح را به عنوان یکی از پیامبران اولوالعزم می شناسند و به هنگام اولیای بزرگ خدا همواره پس از حضرت آدم بر نوح پیامبر، درود می فرستند و می گویند: « السَّلامُ عَلَى نوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ »^۲ و همین اعتقاد به منزله ورود به

۱. همان، ص ۲۰۸

۲. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان (زریات حضرت معصومه (ع) در قم)، ترجمه: مهدی الهی قمشه ای، تهران، انتشارات علمی، چ سوم، ۱۳۷۶، ص ۱۰۳۴

بیت نبوت نوح (ع) است و او نیز برای همین اهل بیت معنوی خویش یعنی انسان‌های با ایمان (تا دامنه قیامت) استغفار نموده است که^۱: ﴿وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي﴾ * نوح/۲۸.

ابراهیم خلیل(ع) نیز از این صفت فرشته خویی برخوردار است که برای آمرزش روز حساب خود و پدر و مادر خود و نیز تمام مؤمنان، استغفار کرده و چنین عرضه می‌دارد: ﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ﴾ * ابراهیم/۴۱: «پروردگارا، روزی که حساب برپا می‌شود، بر من و پدر و مادرم و بر مؤمنان ببخشای.»

ذکر و یاد آوری فرشتگان فقط برای علم و دانش و درک چیزی نیست چنانکه تاریخ را مطالعه می‌کنیم، بلکه ما آنان را یاد آوری می‌کنیم تا اینکه آماده شویم و بر حذر باشیم که چیزی از بدی‌ها بر ما نوشته شود و روز قیامت مورد بازخواست خداوند قرار گیریم و مجازات شویم.

همچنین بخاطر دوست داشتن آنان را یاد آوری می‌کنیم، زیرا خداوند آنانرا دوست می‌دارد و همچنین ما آنان را دوست می‌داریم زیرا نیکوترین و فرمانبردارترین مخلوقات خدایند.

چنانکه خداوند می‌فرماید: ﴿كَرَامَ بَرَّةٍ﴾ * عبس/۱۶: «ارجمند و نیکوکار.» خلاصه اینکه بایستی قدر و منزلت فرشتگان را بدانیم و آنانرا دوست بداریم، زیرا خداوند آنان را دوست می‌دارد. و هنگامی که فرشتگان مؤمنان را قبض روح می‌کنند به آنها می‌گویند سلام بر شما به خاطر اعمالی که انجام دادید وارد بهشت شوید: ﴿الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ * نحل/۳۲: «همان کسانی که فرشتگان جانشان را- در حالی که پاکند- می‌ستانند [و به آنان] می‌گویند: درود بر شما باد، به [پاداش] آنچه انجام می‌دادید به بهشت درآیید.»

ولی کسی که با فرشتگان دشمنی کند و آنان را دوست ندارد، خداوند دشمن او خواهد بود. و کسیکه خداوند با او دشمن شود قیامت او بلند شده و حالی نخواهد داشت.^۲

۱. جوادی آملی، عبدالله، صورت و سیرت انسان در قرآن، پیشین، ص ۲۰۹

۲. صالح بن فوزان الفوزان، پیشین، ص ۳۰

خداوند می‌فرماید: ﴿مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ
لِّلْكَافِرِينَ﴾ * بقره/۹۸: «هر که دشمن خدا، و فرشتگان و فرستادگان او، و جبرئیل و میکائیل
است [بداند که] خدا یقیناً دشمن کافران است.»

فصل سوم: فرشتگان و نقش آنها در سعادت انسان در عهد

قدیم

۳-۱. ماهیت فرشتگان

در فرهنگ یهود، فرشتگان از جایگاه مهمی برخوردار هستند که به عنوان کارگزاران امور خداوند و پیام رسان او در جهان می باشند. به طوری که در عهد قدیم آیات بسیاری در خصوص فرشتگان آمده و آن را به عنوان موجودی ماورای الطبیعه معرفی می کند.

۳-۱-۱. سیمای فرشتگان در عهد قدیم

در توصیف عهد قدیم، فرشتگان فاقد جسم مادی هستند و از آنها به بادهای یا شعله های آتش تعبیر شده است.

« بادهای فرمانبران تو هستند و شعله های آتش خدمتگذاران تو » (مزمور، ۱۰۴: ۴).

در خصوص آفرینش فرشتگان در تلمود چنین آمده است: دو طبقه از موجودات عاقل در جهان وجود دارد یکی طبقه « علونیم » یا ساکنان جهان بالا که همان فرشتگان هستند، و دیگری « تحتونیم » یا ساکنان عالم پایین که نوع بشرند.^۱

در سفر داوران آمده است که فرشتگان موجودی مادی نیستند و احتیاج به غذا ندارند. در داستان تولد سامسون وقتی مانوح (پدر سامسون) با فرشته خداوند روبرو شد چنین آمده است: « از او پرسید: آیا تو همان مردی هستی که با زن من صحبت کرده ای؟ فرشته گفت: بلی. ... آنگاه مانوح به فرشته گفت: خواهش می کنم همین جا بمان تا بروم و برایت غذایی بیاورم. فرشته جواب داد: در اینجا منتظر می مانم، ولی چیزی نمی خورم. اگر می خواهی چیزی بیاوری، هدیه ای بیاور که به عنوان قربانی سوختنی به خداوند تقدیم گردد » (داوران، ۱۳: ۱۶-۱۱).

ولی در سفر پیدایش آمده که فرشتگان غذا می خورند. « وقتی آن دو فرشته به دروازه شهر رسیدند، لوط در آجا نشسته بود. به محض مشاهده آنها، از جا برخاست و به استقبالشان شتافت و گفت: ای سروران من بیایید و میهمان من باشید. ... لوط آنقدر اصرار کرد تا آنها

۱. کهن، ابراهام، گنجینه ای از تلمود؛ ترجمه از متن انگلیسی: امیر فریدون گرگانی؛ ترجمه و تطبیق با متون

عبری: یهوشع و نتن الی، تهران، اساطیر، ۱۳۸۲، ص ۶۸

راضی شدند و به خانه وی رفتند. او نان فطیر پخت و شام مفصلی تهیه دید و به ایشان داد که خوردند» (پیدایش، ۱۹: ۳-۱)^۱.

البته و با این وجود، فرشتگان غالباً خودشان را بر انسانها به شکل جسمانی ظاهر کرده اند.^۲ در کتاب هوشع آمده است: «یعقوب با فرشته کشتی گرفت و پیروز شد. سپس با گریه و التماس از او تقاضای برکت نمود» (هوشع، ۱۲: ۴).

گفته شده، ملائکه جسم نیستند؛ بلکه عقول مجرد از ماده‌اند. آنها مخلوق هستند و خداوند خالق آنهاست. در تورات نیز آمده است: «آنها گاهی به صورت مرد، گاهی به صورت زن، زمانی به صورت ارواح و زمانی به صورت ملائکه‌اند» (مزامیر، ۴، ۱۰۴).

اما درباره صورت‌هایی که فرشتگان به آن صورت‌ها در نظر انبیا دیده می‌شوند، می‌گوییم: انبیایی را می‌بینی که ملائکه را به صورت انسان می‌دیدند، چنانکه در سفر پیدایش، ۱۸: ۲ آمده است: «ناگهان متوجه شد که سه نفر مرد به طرفش می‌آیند» بعضی فرشته را به صورت انسان ترسناک و مبهوت‌کننده می‌دیدند همان‌طور که در سفر داوران آمده است: «دیدار او چون دیدار فرشته خدا، بسیار ترساننده بود». (داوران، ۱۳: ۶) و بعضی فرشته را به شکل آتش می‌دیدند؛ چنانکه در سفر خروج آمده است: «ناگهان فرشته خداوند چون شعله آتش از میان بوته ای بر او ظاهر شد» (خروج، ۳: ۲). گفته شده چون ابراهیم، دارای نیروی (نبوت) عظیم بود، فرشتگان بر او به شکل انسان ظاهر شدند و چون لوط دارای نیروی (نبوت) ضعیف بود، بر او به شکل ملائکه ظاهر شدند^۳.

۳-۱-۲. رابطه خداوند با فرشتگان

۱. همچنین ن.ک به پیدایش، ۱۸

۲. پیدایش ۱۸ و ۱۹

۳. خزعلی، مرضیه، بررسی ماهیت فرشتگان از دیدگاه ادیان الهی، فصلنامه علمی- پژوهشی اندیشه نوین دینی، شماره ۱۲، ۱۳۸۷، صفحات ۱۰۵-۱۳۶ به نقل از ابن‌میمون اندلسی، موسی، دلالة الحائرین و هداية المضلین، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۰، ص ۶۵

آیا خدا فرشته و فرشته خداست؟ نه هرگز! ولی در عهد قدیم این خلط شده است. یعنی به گونه‌ای روشن میان خداوند و پیام‌آورش تمایزی صورت نگرفته است.

در سفر پیدایش باب ۱۶ از آیه اول، می‌گوید: «فرشته خداوند هاجر را نزدیک چشمه ای که سر راه شور است، یافت. فرشته خداوند پرسید: ای هاجر، از، کنیز سارای، از کجا آمده‌ای و به کجا می‌روی؟ گفت: گفت من از خانه بانویم گریخته ام. فرشته خداوند فرمود: نزد بانوی خود برگرد و مطیع او باش. من نسل تو را بی شمار می‌گردانم. اینک تو حامله هستی، و پسری خواهی زاید. نام او را اسماعیل (یعنی «خدا می شنود») بگذار، چون خداوند آه و ناله تو را شنیده است. ... هاجر با خود گفت: آیا به راستی خدا را دیدم و زنده ماندم؟ پس خداوند را که با او سخن گفته بود «أنت ایل رئی» (یعنی چاه خدای زنده‌ای که مرا می بیند) نامیده شد. « (پیدایش، ۱۶: ۷-۱۳).

این خداوند است که فرمان ذبح اسماعیل را می‌دهد (پیدایش، ۲۲: ۱) و بعد از آن، ابراهیم، مخاطب فرشته خدا قرار می‌گیرد. وقتی ابراهیم می‌خواست اسحاق^۱ را قربانی کند «در همان لحظه، فرشته خداوند از آسمان ابراهیم را صدا زده گفت: ابراهیم! ابراهیم! او جواب داد: بلی خداوندا! فرشته گفت: کارد را بر زمین بگذار و به پسر آسیمی نرسان. الان دانستم که مطیع خدا هستی، زیرا یگانه پسر را از او دریغ نداشتی» (پیدایش، ۲۲: ۱۲-۱۱).

و نیز آمده است: «آنگاه در خواب فرشته خدا مرا ندا داده گفت: ببین، تمام قوچ هایی که با میشها جفت گیری می کنند خط دار، خالدار و ابلق بودند، زیرا از آنچه که لابان به تو کرده است آگاه هستم. من همان خدایی هستم که در بیت ئیل به تو ظاهر شدم» (پیدایش، ۳۱: ۱۱-۱۳).

و در سفر خروج آمده است: «ناگهان فرشته خداوند چون شعله آتش از میان بوته‌ای بر او ظاهر شد. موسی دید که بوته شعله ور است، ولی نمی‌سوزد. با خود گفت: عجیب است! چرا بوته نمی‌سوزد؟ پس نزدیک رفت تا علتش را بفهمد. وقتی خداوند دید که موسی به بوته نزدیک می‌شود، از میان بوته ندا داد: موسی! موسی! موسی جواب داد: بلی! خدا فرمود: بیش از

۱. البته این مطلب بر خلاف قرآن واحادیث است چون حضرت ابراهیم(ع) اسماعیل را می خواست قربانی کند.

این نزدیک نشو! کفشهایت از پای درآور، زیرا مکانی که در آن ایستاده‌ای، زمین مقدسی است. من خدای اجداد تو ایراهیم، اسحاق و یعقوب هستم. موسی روی خود را پوشاند، چون ترسید به خدا نگاه کند. « (خروج، ۳: ۲-۶).^۱

به‌همین ترتیب در داستان جدعون (چهارمین نفر از داوران بنی‌اسرائیل) او گاه با خدا سخن می‌گوید و گاه با فرشته خدا (داوران، ۶: ۱۱).

پس عهد قدیم در یک حکایت، یک بار کسی را که با هاجر حرف می‌زند فرشته و بار دیگر خدا می‌خواند. و همین طور موارد دیگری که بررسی شد.

۳-۱-۳. ارزشیابی فرشتگان نسبت به انسان

عهد قدیم هرچند انسان را به عنوان جانشین و خلیفه خدا معرفی می‌کند ولی مقام او را پایین تر از فرشته‌ها می‌داند. « وقتی به آسمان تو نگاه می‌کنم، می‌گویم انسان چیست که تو به فکر او باشی و او را مورد لطف خود قرار دهی؟ تو مقام او را فقط اندکی پایین تر از فرشتگان قرار دادی و تاج عزت و احترام را بر سر وی نهادی. او را بر تمام خلقت خود گماردی و همه چیز را زیر فرمان او در آوردی: گوسفندان و گاو، حیوانات وحشی، پرندگان آسمان، ماهیان دریا و جاندارانی که در آبها زندگی می‌کنند » (مزامیر، ۸: ۳-۸).^۲

۳-۱-۴. تعدد فرشتگان

با اینکه فرشتگان موجودی مجرد بوده و ازدواج نمی‌کنند اما تعداد آنها بی حد و حصر گزارش شده است. « خداوند در میان هزاران هزار عرابه از کوه سینا به خانه مقدس خویش که در کوه صهیون است، رفته است » (مزامیر، ۶۸: ۱۷).

۱. همچنین نگاه کنید به داوران، ۶: ۱۱-۱۵

۲. همچنین ر.ک به سفر پیدایش، ۱: ۲۶-۲۷

و نیز در سفر دانیال آمده است: « آنگاه تخت هایی دیدم که برای داوری برقرار شد و وجود ازلی بر تخت خود نشست. ... رود خانه ای از آتش در برابرش جریان داشت. هزاران نفر او را خدمت می کردند و میلیون ها نفر در حضورش ایستاده بودند » (دانیال، ۷: ۹-۱۰).

۳-۱-۶. فرشتگان مقرب در عهد قدیم

در کتاب مقدس اصناف مختلفی از فرشتگان وجود دارد. ولی در بین آنها به دو فرشته ارشد (Archangel) و مقرب اشاره شده است.

جبرئیل

«جبرئیل»، این کلمه به معنای «خدا قدیر است» یا «مرد خدا و قهرمان خدا» آمده است.^۱ نام جبرئیل دو بار در عهد قدیم آمده است.

در کتاب دانیال نبی، جبرئیل به صورت انسانی بر دانیال پدیدار می شود تا معنای رؤیای او را برایش باز گوید. حضور جبرئیل با جذبه ای همراه است که دانیال از آن مدهوش می شود.

« وقتی سعی می کردم معنی این خواب را بفهم، ناگهان وجودی شبیه انسان برابر من ایستاد، و صدایی از آن سوی رودخانه اولادی شنیدم که گفت: ای جبرئیل، معنی این خواب را به دانیال بگو. پس جبرئیل به طرف آمد و من وحشت کردم و رو به زمین افتادم. او به من گفت: ای انسان خاکی بدان که آنچه دیدی مربوط به زمان آخر است » (دانیال، ۸: ۱۵-۱۷).

همچنین در باب ۹ دانیال آمده است: « جبرئیل که او را در خواب قبلی دیده بودم، با سرعت پرواز کرد و هنگام قربانی عصر نزد من رسید و به من گفت: دانیال من آمده ام به تو فهم ببخشم تا بتوانی این اسرار را بفهمی » (دانیال، ۹: ۲۱-۲۲).

۱. New Catholic encyclopedia, (The Catholic University of America, ۲۰۰۳, ۲nd ed.), .

۷۰۶, p.۴۰

در جای دیگری دانیال نبی پس از اینکه رویایی می‌بیند بر زمین افتاده و بیهوش می‌شود، سپس می‌گوید: «دستی مرا لمس نمود و مرا که به صورت افتاده بودم بر روی کف دستها و زانوهای بلند کرد و گفت: ای دانیال ای مرد محبوب خدا، برخیز و به آنچه می‌خواهم به تو بگویم گوش بده! زیرا برای همین نزد تو فرستاده شده‌ام» (دانیال، ۱۰: ۹-۱۱) به نظر می‌رسد که این فرشته نیز جبرئیل بوده است.

میخائیل:

«میخائیل»، شاهزاده فرشتگان آسمانی است، و به عنوان فرمانده کل قوای لشکریان آسمانی به شمار می‌رود. نام او به معنی «شبیهِ خداوند» است.^۱

در کتاب دانیال از عهد قدیم، میخائیل به عنوان یکی از فرشتگان اعظم و نیز نگهبان قوم اسرائیل ذکر شده است. دانیال نبی پس از انجام یک دوره خاص، رؤیای را تجربه می‌کند که در آن با میخائیل به صحبت می‌پردازد. دانیال در این رؤیا متوجه می‌شود که میخائیل در طول بلایای پیش روی قوم اسرائیل از آنان حمایت خواهد کرد.

در رؤیای دانیال آمده است: «اما فرشته‌ای که بر مملکت پارس حکمرانی می‌کرد بیست و یک روز با من مقاومت کرد و مانع آمدن من شد. سرانجام میکائیل که یکی از فرشتگان اعظم است، به یاری من آمد» (دانیال، ۱۰: ۱۳). و در جای دیگر، میکائیل، نگهبان قوم اسرائیل معرفی شده است (دانیال، ۱۰: ۲۱).

همچنین در کتاب دانیال درباره نقش میکائیل در زمان آخر آمده است: «در آن زمان، فرشته اعظم، میکائیل، به حمایت از قوم تو بر خواهد خاست» (دانیال، ۱۲: ۱).

۲-۳. ویژگی‌های فرشتگان

در عهد قدیم برای فرشتگان ویژگی‌هایی بیان شده که برخی از آن را ذکر می‌کنیم.

۱. برنهام، سوفی، فرشتگان: ترجمه دامغانی - فریده، تهران، پیکان، ۱۳۷۷، ص ۱۱۵

۳-۲-۱. عصمت فرشتگان

عهد قدیم با اینکه فرشتگان را بالاتر از انسان می داند ولی، با این وجود فرشتگان را نیز معصوم نمی داند.

در کتاب ایوب آمده، الفیاز شبی در خواب حضور روح را احساس کرده و این ندا به گوشش می رسد « آیا انسان خاکی (ایوب) می تواند در نظر خدای خالق، پاک و بی گناه باشد؟ حتی فرشتگان آسمان نیز در نظر خدا پاک نیستند، چه برسد به آدمیانی که از خاک آفریده شده اند و مانند بید ناپایدارند » (ایوب، ۴: ۱۹-۱۷).

۳-۲-۲. فرشتگان حامل عرش

در عهد قدیم از فرشتگان به عنوان موجودات بال دار یاد شده است.

« حضور پر جلال خداوند که بالای موجودات بالدار قرار داشت، بر خاست و به آستانه عبادتگاه آمد » (حزقیال، ۹: ۳). و نیز آمده « جبرئیل که او را در خواب قبلی دیده بودم، با سرعت پرواز کرد و هنگام قربانی عصر نزد من رسید » (دانیال، ۹: ۲۱).

در رؤیای حزقیال نبی آمده است: « در یکی از این رؤیاهای طوفانی دیدم که از شمال به طرف من می آمد. پیشایش آن، ابر بزرگی از آتش در حرکت بود، هاله ای از نور دور آن بود و در درون آن، چیزی مانند فلزی برآق، می درخشید. سپس، از میان ابر، چار موجود عجیب ظاهر شدند شیه انسان بودند. ولی هر یک، چهار رت و دو جفت بال داشتند! ... زیر هر یک از بال هایشان، دستهایی می دیدم مثل دست انسان. ... هر کدام دو جفت بال داشتند، که یک جفت باز بود و به نوک بال های موجودات پهلویی می رسید و جفت دیگر بدنشان را می پوشاند. هر جا روحشان می رفت، آنها هم مستقیم می رفتند بدون آنکه رویشان را برگردانند.

در همان حال که به این چهار موجود زنده خیره شده بودم، زیر آنها و بر روی زمین، چهار چرخ دیدم زیر هر موجود یک چرخ. ... وقتی آن موجودات زنده حرکت می کردند، چرخها هم با آنها حرکت می کردند. هنگامی که آنها از زمین بر می خواستند، چرخها نیز بر

می‌خواستند، و وقتی می‌ایستادند، چرخها هم می‌ایستادند، چون روح آن چهار موجود در چرخها نیز قرار داشت. پس موجودات و چرخها تحت هدایت روحشان بودند.

... بر فراز صفحه بالای سرشان، چیزی شبیه به یک تخت سلطنتی زیبا قرار داشت که گویی از یاقوت کبود ساخته شده بود و بر روی آن تخت، وجودی نشسته بود که به یک انسان شباهت داشت. ... دور تا دورش را نیز نوری درخشان فرا گرفته بود که همه رنگ‌های رنگین کمان در آن دیده می‌شد. حضور پر جلال خداوند بدین گونه بر من ظاهر شد» (حزقیال، ۱).^۱

همچنین در باب ۶ اشعیا آمده است: «خداوند را دیدم که بر تختی بلند و باشکوه نشسته بود و خانه خدا از جلال او پر شده بود. اطراف تخت را فرشتگان احاطه کرده بودند. هر فرشته شش بال داشت که با دو بال صورت خود را می‌پوشاند، و با دو بال پاهای خود را، و با دو بال دیگر پرواز می‌کرد. آنها به نوبت سرود می‌خواندند و می‌گفتند: مقدس، مقدس، مقدس است خداوند قادر متعال؛ تمام زمین از جلال او پر است» (اشعیا، ۶: ۲-۳).

۳-۲-۳. ماموریت فرشتگان

همه فرشتگان فرمانبران خداوند هستند. پس هیچ کاری را جز به اذن خداوند انجام نمی‌دهند.

«ای همه فرشتگان توانا که گوش به فرمان خداوند هستید تا دستوراتش را اجرا نمایید، او را ستایش کنید!» (مزامیر، ۱۰۳: ۱۹-۲۱).

فرشتگان به فرمان خداوند از مظلومان حمایت کرده و آنها را در برابر دشمنانشان محافظت می‌کنند. «فریاد علیه ظلم مردم این شهر به حضور خداوند رسیده و او ما را فرستاده است تا آن را ویران کنیم» (پیدایش، ۱۹: ۱۲-۱۳).

۱. همچنین نگاه کنید به باب ۱۰ حزقیال

در جملات فوق، مقولاتی از قبیل همت و عزم به فرشتگان اسناد داده شده است که بر اراده و اختیار دلالت می‌کند. با این وجود، فرشتگان، مثل همه مخلوقات، زیر اراده خدا هستند.

فرشتگان خدا را عبادت کرده و او را ستایش می‌کنند.

اشعیای نبی می‌نویسد: « اطراف تخت را فرشتگان احاطه کرده بودند. هر فرشته شش بال داشت که با دو بال صورت خود را می‌پوشاند، و با دو بال پاهای خود را، و با دو بال دیگر پرواز می‌کرد. آنها به نوبت سرود می‌خواندند و می‌گفتند: مقدس، مقدس، مقدس است خداوند قادر متعال، تمام زمین از جلال او پر است » (اشعیای، ۶: ۲-۳).

دانیال نبی می‌افزاید: « هزاران نفر او را خدمت می‌کردند و میلیون‌ها نفر در حضورش ایستاده بودند » (دانیال ۷ : ۱۰). همچنین آمده است: « تمام فرشتگان آسمان، تو را سجده می‌کنند » (نحمیا، ۹: ۶).

داود بارها تسبیح ارواح آسمان را ذکر می‌کند، برای نمونه:

« ای کسانی که در آسمانها ساکن هستید. ای همه فرشتگان، خداوند را ستایش کنید. ای همه لشکرهای آسمانی، او را ستایش کنید » (مزامیر ۱۴۸: ۱-۲ مقایسه کنید با ۱۰۳ : ۱۹-۲۲) پس عبادت فرشتگان نشان دهنده‌ی این است که فرشتگان موجودی مکلف هستند.

۳-۲-۴. علم فرشتگان

فرشتگان موجودی آگاه بوده و از اعمال انسان با خبر می‌باشد. « شما مثل فرشته خدا هستید و خوب را از بد تشخیص می‌دهید » (دوم سموئیل، ۱۴: ۱۷) و نیز آمده « شما مثل فرشته خدا دانا هستید و هر چه می‌شود، می‌دانید » (دوم سموئیل، ۱۴: ۲۰).

۳-۳. وظایف فرشتگان

در عهد قدیم، فرشتگان، ملکوت آسمان را تشکیل می‌دهند و به عنوان کارگزاران خداوند در رساندن پیام‌های الهی به آدمیان و انجام مشیت خداوند هستند. تسبیح خداوند، حمایت از مؤمنان و تنبیه گناه‌کاران و رساندن وحی به انسان از جمله وظایف آنهاست.

۳-۳-۱. فرشته‌ها کارگزاران خداوندی

در عهد قدیم نیز اینطور بیان شده که فرشتگان واسطه خدا در روی زمین هستند چنان که لوط و خانواده‌اش را از عذابی قرار بود نازل شود نجات می‌دهند « وقتی آن دو فرشته به دروازه شهر رسیدند، لوط در آجا نشسته بود. به محض مشاهده آنها، از جا برخاست و به استقبالشان شتافت و گفت: ای سروران من بیایید و میهمان من باشید. ... لوط آنقدر اصرار کرد تا آنها راضی شدند و به خانه وی رفتند. او نان فطیر پخت و شام مفصلی تهیه دید و به ایشان داد که خوردند » (پیدایش، ۱۹: ۳-۱).

در ادامه این داستان وقتی مردان شهر به خانه لوط حمله کردند تا به آن دو مرد (فرشته) تجاوز کنند آمده است: « آن دو مرد دست خود را دراز کرده، لوط را به داخل خانه کشیدند و در را بستند، و چشمان تمام مردانی را که در بیرون خانه بودند، کور کردند تا نتوانند در خانه را پیدا کنند. آن دو مرد از لوط پرسیدند: در این شهر چند نفر قوم و خویش داری؟ پسران و دختران و دامادان و هر کسی را که داری از این شهر بیرون ببر. زیرا ما این شهر را تماماً ویران خواهیم کرد. فریاد علیه ظلم مردم این شهر به حضور خداوند رسیده و او ما را فرستاده است تا آن را ویران کنیم » (پیدایش، ۱۹: ۱۳-۱۲).

در باب ۲۴ پیدایش آمده که ابراهیم به نوکرش گفت: « خداوند، خدای قادر متعال، به من فرمود که ولایت و خانه پدری‌ام را ترک کنم و وعده داد که این سرزمین را به من و به فرزندانم به ملکیت خواهد بخشید. پس خود خداوند فرشته خود را پیش روی تو خواهد فرستاد و ترتیبی خواهد داد که در آنجا همسری برای پسر اسحاق بیابی و همراه بیاوری » (پیدایش، ۲۴: ۷).^۱

۱. همچنین ر.ک به پیدایش، ۲۴: ۴۰

و در سفر پیدایش از فرشتگان با نام لشکر خدا یاد شده است. « یعقوب با خانواده اش به سفر خود ادامه داد. در بین راه فرشتگان خدا بر او ظاهر شدند. یعقوب وقتی آنها را دید، گفت: این است لشکر خدا. پس آنها را محنایم^۱ نامید » (پیدایش، ۳۲: ۱-۲).

در جای دیگر آمده، « آنگاه فرشته خدا که پیشاپیش بنی اسرائیل حرکت می‌کرد، آمد و در پشت سر آنها قرار گرفت. ستون ابر نیز به پشت سر آنها منقل شد و در میان قوم اسرائیل و مصری ها حایل گردید » (خروج، ۱۴: ۱۹).

همچنین در خصوص وعده‌های خدا به بنی اسرائیل آمده است، « من فرشته‌ای پیشاپیش شما می‌فرستم تا شما را به سلامت به سرزمینی هدایت کند که برای شما آماده کرده‌ام. به سخنان او توجه کنید و از دستوراتش پیروی نمایید. از او تَمَرَد نکنید، زیرا گناهان شما را نخواهد بخشید، چرا که او نماینده من و نام من بر اوست. اگر مطیع او باشید و تمام دستورات مرا اطاعت کنید، آنگاه من دشمن دشمنان شما خواهم شد. فرشته من پیشاپیش شما خواهد رفت و شما را به سرزمین اموری ها، حیتی ها، فرزی ها، کنعانی ها، حوری ها و یبوسی‌ها هدایت خواهد کرد و من آنها را هلاک خواهم نمود » (خروج، ۲۳: ۲۰-۲۳).^۲

و نیز آمده، « خداوند به موسی فرمود: چرا اسم تو را محو کنم؟ هر که نسبت به من گناه کرده است، اسم او را محو خواهم کرد. حال بازگرد و قوم را به جایی که گفته‌ام راهنمایی کن و فرشته من پیشاپیش تو حرکت خواهد کرد » (خروج، ۳۲: ۳۴-۳۳).^۳

در سفر اعداد آمده که وقتی بلعام می‌خواست پیش پادشاه بالاق برود « خدا از رفتن بلعام خشمناک شد و فرشته ای به سر راهش فرستاد تا راه را بر او ببندد » (اعداد، ۲۲: ۲۲).

در سفر دوم پادشاهان باب ۱ آمده است: « زمانی که اخزیا (پادشاه اسرائیل) مجروح شده بود قاصدانی به معبد بعل زبوب فرستاد تا بپرسند که آیا بهبود خواهد یافت یا نه. اما

۱. «محنایم» به معنی دو لشکر است که منظور لشکر خدا و لشکر ابراهیم می باشد.

۲. ر.ک به اعداد، ۲۰: ۱۶

۳. همچنین ر.ک به خروج، ۳۳: ۲

فرشته خداوند به ایلای نبی دستور داد تا خود را به قاصدان پادشاه برساند و بگوید آیا در اسرائیل خدایی نیست که نزد بعل زبوب خدای عقرون می‌روید تا از او پرسید که پادشاه بهبود می‌یابد یا نه؟ به پادشاه بگویید که خداوند می‌فرماید: چون چنین کاری کرده ای از بستر بیماری بر نخواهی خاست و خواهی مرد» (دوم پادشاهان، ۱: ۲-۴).

در کتاب زکریّا در رؤیای اسبها آمده، فرشته ای همراه با یاران زیادی به روی زمین آمده و وضعیت زمین را از لحاظ صلح و آرامش به خدا گزارش می‌کنند.^۱

و در کتاب زکریّا آمده است: «فرشته خطاب به یهوشع گفت خداوند قادر متعال چنین می‌فرماید: اگر از قوانین من اطاعت کنی و هر آنچه به تو می‌گویم انجام دهی، تو را سرپرست خانه خود می‌سازم و به تو اجازه می‌دهم مثل این فرشته به حضور من بیایی» (زکریّا، ۳: ۷).

۳-۳-۲. فرشتگان محافظ

خداوند گروهی از فرشتگان را مأمور نگهداری و نجات دهنده انسان از خطرات و حوادث قرار داده است.

زمانی که ابراهیم افرایم و منسی (پسران یوسف) را می‌خواست برکت دهد، آمده است: «آن فرشته ای که مرا از هر بدی محفوظ داشته، آنها را برکت دهد، باشد که این دو پسر نام من و نام پدرانم ابراهیم و اسحاق را زنده نگه دارند» (پیدایش، ۴۸: ۱۶).

در کتاب مزامیر آمده، «فرشته خداوند دور آنانی که از خداوند می‌ترسند و او را گرامی می‌دارند حلقه می‌زنند و ایشان را از خطر حفظ می‌کنند» (مزامیر، ۳۴: ۷).

همچنین در مزامیر آمده، ایوب از خداوند می‌خواهد «آنانی که بد خواه من هستند شکست خورده، خوار و مغبون شوند. همچون کاه در برابر باد پراکنده شوند و فرشته خداوند

۱. ن.ک به زکریّا، ۱: ۱۲-۸

آنها را براند. وقتی فرشته آنها را تعقیب می‌کند، راه آنها تاریک و لغزنده شود تا نتوانند فرار کنند» (مزامیر، ۳۵: ۴-۶).

در خصوص حافظ بودن خدا و فرشتگان آمده، «او به فرشتگان خود دستور می‌دهد تا به هر راهی که بروی، از تو حمایت و محافظت کنند. آنها تو را روی دست خود خواهند گرفت تا پایت به سنگ نخورد. شیر درنده و مار سمی را زیر پا له خواهی کرد و آسیبی به تو نخواهد رسید» (مزامیر، ۹۱: ۱۱-۱۳).

وقتی داریوش پادشاه دانیال را به سرپیچی از فرمانش به چاه شیران انداخت، روز بعدش آمد به او سر بزند «گفت: ای دانیال، خدمت گذار خدای زنده، آیا خدایت که همیشه او را عبادت می‌کردی تواناست تو را از چنگال شیران نجات دهد؟ آنگاه صدای دانیال به گوش پادشاه رسید: پادشاه تا ابد زنده بماند! آری، خدای من فرشته خود را فرستاد و دهان شیران را بست تا به من آسیبی نرسانند، چون من در حضور خدا بی تقصیرم و نسبت به تو نیز خطایی نکردم» (دانیال، ۶: ۲۰-۲۲).

همچنین آمده، وقتی نبوکد نصر شدرك، میشك و عبد نغو را به داخل كوره آتش انداخت و دید کسی همراه آهاست و هیچ آسیبی به آنها نمی رسد گفت: «ستایش بر خدای شدرك، میشك و عبد نغو كه فرشته خود را فرستاد تا خدمت گذاران خود را كه به توكل كرده بودند نجات دهد» (دانیال، ۳: ۲۸).

۳-۳-۳. فرشته مرگ

گروهی از فرشتگان کارشان نابود کردن و میراندن آدم هاست چنانکه در سفر پیدایش آمده است: «آن دو مرد از لوط پرسیدند: در این شهر چند نفر قوم و خویش داری؟ پسران و دختران و دامادان و هر کسی را که داری از این شهر بیرون ببر. زیرا ما این شهر را تماماً ویران خواهیم کرد. فریاد علیه ظلم مردم این شهر به حضور خداوند رسیده و او ما را فرستاده است تا آن را ویران کنیم» (پیدایش، ۱۹: ۱۲-۱۳).

همچنین در دوم پادشاهان، شبی که پادشاه آشور می‌خواست به اورشلیم حمله کند، آمده است: «در همان شب فرشته خداوند صد و هشتاد و پنج هزار نفر از سربازان آشور را کشت، به طوری که صبح روز بعد، وقتی مردم بیدار شدند تا آنجا که چشم کار می‌کرد، جنازه دیده می‌شد» (دوم پادشاهان، ۱۹: ۳۵).^۱

و در اول تواریخ آمده است که «خداوند مرض مهلکی بر اسرائیل فرستاد و هفتاد هزار نفر مردند. سپس فرشته ای فرستاد تا اورشلیم را نابود کند. اما خداوند از این کار متأسف شد و به فرشته مرگ چنین دستور داد: کافی است! دست نگهدار!» (اول تواریخ، ۲۱: ۱۴-۱۵).^۲

فرشتگان وظایف دیگری نیز دارند از جمله: تفسیر خواب (دانیال، باب های ۷، ۸، ۹ و ۱۰؛ زکریا: باب های ۴، ۵).

۳-۴. نقش فرشتگان در سعادت انسان

همان طور که در بخش قرآن گفتیم انسان موجود مختاری است که سعادت و شقاوتش را با اراده و تصمیم خود می‌سازد. در عهد قدیم نیز با توجه به ویژگی ها و وظایفی که به فرشتگان نسبت داده شده انسان می‌تواند با اعتقاد به جود فرشتگان و حضور آنها در تمام لحظات زندگی اش، سعادت دنیا و آخرت خود را تضمین کند.

۳-۴-۱. فرشتگان پیام آور

فرشتگان واسطه‌هایی بین خداوند و این عالم محسوس هستند چنانچه در کتاب زکریا آمده است: «آنگاه فرشته به من گفت: این پیام را از طرف خداوند قادر متعال با صدای بلند اعلام کن: من برای اورشلیم و یهودا غیرت زیادی دارم» (زکریا، ۱: ۱۴).

مژده تولد اسماعیل: در سفر پیدایش آمده است: «فرشته خداوند هاجر را نزدیک چشمه ای که سر راه شور است، یافت. فرشته خداوند پرسید: ای هاجر، از، کنیز سارای، از کجا

۱. همچنین نگاه کنید به دوم تواریخ، ۳۲: ۲۱؛ اشعیا، ۳۷: ۳۶

۲. همچنین نگاه کنید به دوم سموئیل، ۲۴: ۱۵-۱۶

آمده‌ای و به کجا می‌روی؟ گفت: گفت من از خانه بانویم گریخته‌ام. فرشته خداوند فرمود: نزد بانوی خود برگرد و مطیع او باش. من نسل تو را بی شمار می‌گردانم. اینک تو حامله هستی، و پسری خواهی زایید. نام او را اسماعیل (یعنی «خدا می شنود») بگذار، چون خداوند آه و ناله تو را شنیده است « (پیدایش، ۱۶: ۱۱-۷).

در جای دیگر آمده، « ... فرشته خدا از آسمان هاجر را ندا داده، گفت: ای هاجر، چه شده است؟ نترس! زیرا خدا ناله های پسر را شنیده است. برو او را بردار و در آغوش بگیر. من قوم بزرگی از او به وجود خواهم آورد « (پیدایش، ۲۱: ۱۸-۱۷).

همچنین آمده است وقتی ابراهیم می خواست اسحاق را قربانی کند « در همان لحظه، فرشته خداوند از آسمان ابراهیم را صدا زده گفت: ابراهیم! ابراهیم! او جواب داد: بلی خداوندا! فرشته گفت: کارد را بر زمین بگذار و به پسر آسیمی نرسان. الان دانستم که مطیع خدا هستی، زیرا یگانه پسر را از او دریغ نداشتی « (پیدایش، ۲۲: ۱۲-۱۱).

مژده تولد سامسون: در سفر داوران آمده است: « روزی فرشته خداوند بر همسر مانوح از قبیله دان که در شهر صرعه زندگی می کرد ظاهر شد. این زن، نازا بود و فرزندی نداشت، اما فرشته به او گفت: هر چند تا به حال نازا بوده ای، ولی به زودی حامله شده، پسری خواهی زایید. مواظب باش شراب و مسکرات ننوشی و چیز حرام و ناپاک نخوری. موی سر پسر هرگز نباید تراشیده شود، چون او نذیره بوده، از بدو تولد وقف خدا خواهد بود « (داوران، ۱۳: ۵-۳).

۳-۴-۲. راهنمایی فرشتگان

فرشتگان انسان را از آنچه بدان آگاهی ندارند، راهنمایی می کنند.

در ماجرای یعقوب با لابان آمده است: « آنگاه در خواب فرشته خدا مرا ندا داده گفت: ببین، تمام قوچ‌هایی که با میشها جفت گیری می کنند خط دار، خالدار و ابلق بودند، زیرا از آنچه که لابان به تو کرده است آگاه هستم « (پیدایش، ۳۱: ۱۱-۱۲).

اطاعت از راهنمایی فرشتگان سعادت انسان را تضمین می‌کند. « من فرشته‌ای پیشاپیش شما می‌فرستم تا شما را به سلامت به سرزمینی هدایت کند که برای شما آماده کرده‌ام. به سخنان او توجه کنید و از دستوراتش پیروی نمایید. از او تمرد نکنید، زیرا گناهان شما را نخواهد بخشید، چرا که او نماینده من و نام من بر اوست. اگر مطیع او باشید و تمام دستورات مرا اطاعت کنید، آنگاه من دشمن دشمنان شما خواهم شد. فرشته من پیشاپیش شما خواهد رفت و شما را به سرزمین اموری‌ها، حیثی‌ها، فرزی‌ها، کنعانی‌ها، حوری‌ها و یبوسی‌ها هدایت خواهد کرد و من آنها را هلاک خواهم نمود » (خروج، ۲۳: ۲۰-۲۳).^۱

دخالت فرشتگان در زندگی رؤسای قوم عهد عتیق، فراوان است. چنان که می‌بینیم فرشتگان ابراهیم، لوط، یعقوب، بلعام، مانوح، ایلّیا، دانیال و زکریّا را هدایت می‌کردند؛ آگاهشان می‌نمودند و یا تسلیشان می‌دادند.^۲

کسانی که در زندگی خود به خداوند توکل کرده باشد خداوند فرشتگان خود را مأمور می‌کند تا آنها در برابر مشکلات یاری کرده و نجات دهند. « ستایش بر خدای شدرک، میشک و عبد نغو که فرشته خود را فرستاد تا خدمت گذاران خود را که به او توکل کرده بودند نجات دهد » (دانیال، ۳: ۲۸).

۳-۴-۳. فرشتگان شفیع

یکی دیگر از وظایف فرشتگان شفاعت برای مومنان است. چنانکه در باره بیماری ایوب آمده است: « هرگاه فرستاده ای از آسمان (یا یکی از هزاران فرشتگان) در آنجا حاضر شود تا برایش شفاعت نموده، آنگاه خدا بر او ترحم نموده، می‌فرماید: آزادش سازید! نگذارید بمیرد! چون برای او فدیهای یافته‌ام. آنگاه بدن او مثل بدن یک طفل، سالم شده، دوباره جوان و قوی می‌گردد » (ایوب، ۳۳: ۲۵-۲۳).

۱. ر.ک به اعداد، ۲۰: ۱۶

۲. ابراهیم: پیدایش ۱۸: ۲ و غیره؛ هاجر: پیدایش ۲۱: ۷؛ لوط: پیدایش ۱۹: ۱؛ یعقوب: پیدایش ۲۸: ۱۲ و ۳۲: ۲؛ مانوح (پدر سامسون): داوران ۱۳؛ ایلّیا، کتاب اول پادشاهان ۱۹: ۵-۷؛ دانیال: دانیال ۶: ۲۲ و غیره؛ زکریّا (نبی): زکریّا ۱: ۹ و غیره.

فصل چهارم: فرشتگان و نقش آنها در سعادت انسان در عهد جدید

۴-۱. ماهیت فرشتگان

در عهد جدید فرشتگان موجودی مجرد بوده و فاقد جسم مادی هستند. و به عنوان روح هایی خدمتگذار برای خداوند کار می کنند.

۴-۱-۱. سیمای فرشتگان در عهد جدید

فرشتگان، فاقد جسم مادی هستند و در عهد جدید از آنها به بادهای و یا روحها تشبیه شده است.

در اول قرن تیان آمده است که: « درست همان گونه که دانه ها و گیاهان با هم فرق دارند، بدن ها نیز با هم فرق دارند. بدن انسان ها، حیوانات، ماهی ها، و پرندگان، همه با هم فرق دارند. بدنی که فرشتگان آسمان دارند، با بدن ما تفاوت بسیار دارد، و جلوه بدن آنها با جلوه ما نیز متفاوت است » (اول قرن تیان، ۱۵: ۳۹-۴۰).

خداوند درباره فرشتگان می فرماید: « همچون باد به سرعت پیغام می برند، و چون شعله های آتش، با شور حرارت خدمت می کنند » (عبرانیان ۱: ۷).

در عبرانیان ۱: ۱۴ آمده است: « فرشته ها فقط روح هایی خدمتگذار هستند » و اینکه روح جسم نیست. وقتی عیسی به شاگردانش ظاهر می شود به آنها می گوید: « به دستها و پاهایم نگاه کنید! می بینید که واقعاً خودم هستم. به من دست بزنید تا خاطر جمع شوید که من روح نیستم. چون روح بدن ندارد، اما همان طور که می بینید، من دارم » (لوقا، ۲۴: ۳۹).

البته و با این وجود، فرشتگان غالباً خودشان را بر انسان ها به شکل جسمانی ظاهر کرده اند.^۱

امروزه به عقیده کلیسای کاتولیک، فرشتگان موجوداتی مجرد از ماده هستند و آفرینش ایشان پیش از آفرینش انسان بوده است. آنها دارای سلسله مراتب و محافظ انسان هستند. درود

۱. لوقا ۱: ۲۶، یوحنا ۲۰: ۱۲، عبرانیان ۱: ۳: ۲

و تحیت و به معنای دیگر، پرستش بعضی از فرشتگان در کلیسای مسیحیت رایج است که از آن جمله می‌توان پرستش میکاییل یا فرشته جنگجو را نام برد.

از قرن چهارم میلادی به بعد در بسیاری از بلاد مسیحیت، نمازخانه‌هایی برای میکاییل ساخته شده است. نقاش‌ها و مجسمه‌سازها در دوره‌های مختلف نیز همگی فرشتگان را به صورت انسان و با بال به تصویر کشیده‌اند.^۱

بر حسب نص کتاب عهد جدید فرشتگان مذکر و مونث ندارند. «در روز قیامت، انسانها دیگر ازدواج نمی‌کنند بلکه مثل فرشتگان آسمان خواهند بود»^۲ (متی، ۲۲: ۳۰) اما با این وجود، کلمه فرشته در کتاب مقدس همواره به صورت مذکر ذکر شده است و در مواردی، ظهور فرشتگان بر انسانها به شکل مردان بوده است. روزی که زنان به سر قبر عیسی می‌رفتند «ناگاه دو مرد با لباسهایی درخشان و خیره‌کننده، در مقابل ایشان ظاهر شدند» (لوقا، ۲۴: ۴).^۳

به تصریح کتاب عهد جدید، فرشتگان ازدواج نمی‌کنند و مرگ نیز در آنان راه ندارد. «ازدواج، برای مردم فانی این دنیا است؛ اما کسانی که شایسته شمرده شوند که پس از مرگ زنده گردند، وقتی به آن عالم بروند، نه ازدواج می‌کنند و نه می‌میرند؛ و از این لحاظ مانند فرشتگان و فرزندان خدا می‌شوند؛ زیرا از مرگ به یک زندگی تازه منتقل شده‌اند» (لوقا، ۲۰: ۳۴-۳۶).

۴-۱-۲. ارزشیابی فرشتگان نسبت به انسان

به اعتقاد مسیحیان، فرشتگان دسته‌ای از مخلوقات عاقل هستند که هم از لحاظ سرشت و هم از لحاظ قدرت در مرحله‌ای بالاتر از انسانها قرار دارند.^۴

اما آنچه در عهد جدید ذکر شده، انسان را برتر از فرشتگان معرفی می‌کند. در فصل اول عبرانیان آمده است: «او (مسیح) از فرشته‌ها برتر گردید، نام او نیز گواه بر این برتری است:

۱. خزعلی، مرضیه، پیشین

۲. همچنین نگاه کنید به انجیل مرقس، ۱۲: ۲۵

۳. همچنین نک به مرقس، ۱۶: ۶-۴

۴. ال‌میر کانی، قس جیمس انس؛ پیشین؛ ص ۳۷۵

«پسر خدا» این نامی است که خدای پدر به او داده، و از نام لقب همه فرشته‌ها بالاتر است. ... خدا درباره فرشتگان می‌فرماید: همچون باد، بسرعت پیغام می‌برند، و چون شعله‌های آتش، با شور و حرارت خدمت می‌کنند. اما درباره فرزندش می‌گوید: ای خدا، سلطنت تو تا ابد برقرار است؛ اساس حکومت تو، بر عدل و راستی است. ... خدا به فرزندش فرمود: در کنار من بنشین تا دشمنانت را زیر پاهایت بیفکنم. اما خطاب به هیچ فرشته ای چنین نگفت. زیرا فرشته‌ها فقط روح‌هایی خدمتگذار هستند، و برای کمک و مراقبت از کسانی فرستاده می‌شوند که مایلند نجات الهی را دریافت نمایند» (عبرانیان، ۱: ۴-۱۴).

و نیز آمده، «به یاد داشته باشید که دنیای آینده که از آن سخن می‌گوییم، به وسیله فرشته اداره نخواهد شد، بلکه مسیح آن را اداره خواهد کرد. زیرا داود پیغمبر در کتاب زبور به خدا می‌گوید: انسان چیست که تا این اندازه او را مورد توجه قرار می‌دهی؟ این پسر انسان کیست که تا این حد او را سرافراز می‌گردانی؟ زیرا هر چند برای مدتی کوتاه او را پایین تر از فرشتگان قرار دادی، اما اکنون تاج جلال و افتخار را بر سر او گذارده‌ای، و همه چیز را تحت فرمان او درآورده‌ای. ما تا به حال ندیده ایم که همه چیز تحت فرمان انسان در آمده باشد؛ اما عیسی را می‌بینیم که اندک زمانی پایین تر از فرشتگان قرار گرفت و اکنون در اثر فدا کردن جان خود در راه ما، خدا تاج جلال و افتخار را بر سر او گذاشته است» (عبرانیان، ۲: ۵-۹).

و در باب ۲۸ متی آمده است که عیسی می‌گوید: «تمام اختیارات آسمان و زمین به من داده شده است» (متی، ۲۸: ۱۸).

عهد جدید فرشتگان را تعظیم کننده مسیح معرفی کرده و در روز قیامت مسیحیان را داوران فرشتگان می‌داند.

«اکنون مسیح در آسمان است و در مقامی رفیع، در دست راست خدا نشسته و تمام فرشتگان و قدرتهای آسمان در برابر او تعظیم می‌کنند و تحت فرمان او می‌باشند» (اول پطرس، ۳: ۲۲).

«آیا نمی‌دانید که ما (مسیحیان) حتی فرشتگان را داوری خواهیم کرد؟» (اول قرنتیان، ۶: ۳).

۴-۱-۳. تعدّد فرشتگان

با اینکه فرشتگان ازدواج نمی‌کنند اما تعداد آنها بی حد و حصر است.

در انجیل متی آمده، « مگر نمی‌دانی که من می‌توانم از پدرم درخواست کنم تا در یک لحظه، هزاران فرشته به کمک ما بفرستد » (متی، ۲۶: ۵۳).

و در لوقا آمده است: « ناگهان گروه بی‌شماری از فرشتگان آسمانی به آن فرشته پیوستند » (لوقا، ۲: ۱۳).

همچنین در عبرانیان آمده است: « شما وارد محفل شاد گروه بی‌شماری از فرشتگان شده‌اید » (عبرانیان، ۱۲: ۲۲) و نیز در مکاشفه آمده: « سپس در رؤیا، میلیون‌ها فرشته را دیدم که گرداگرد تخت و موجودات زنده و رهبران روحانی جمع شده است » (مکاشفه، ۵: ۱۱).

۴-۱-۴. فرشتگان مقرب در عهد جدید

در عهد جدید به دو فرشته ارشد (Archangel) و مقرب اشاره شده است.

جبرئیل

«جبرئیل» این کلمه به معنای «خدا قدیر است» یا «مرد خدا و قهرمان خدا» آمده است.^۱ نام جبرئیل دوبار در عهد جدید آمده است.

در انجیل لوقا، جبرئیل، مژده تولد یحیی را برای زکریا می‌آورد.

وقتی فرشته ای خبر تولد یحیی را به زکریا می‌آورد زکریا به او می‌گوید: « این غیر ممکن است، چون من پیر شده ام و همسرم نیز سالخورده است! فرشته در جواب گفت: من جبرئیل هستم که در حضور خدا می‌ایستم و اوست که مرا فرستاده تا این خبر خوش را به تو بدهم » (لوقا، ۱: ۱۸-۱۹).

New Catholic encyclopedia, ibid v.۰۶, p.۴۰ . ۱

و نیز مژده تولد عیسی را برای مریم می‌آورد. « در ششمین ماه بارداری الیزابت، خدا فرشته خود جبرئیل را به ناصره، یکی از شهرهای استان جلیل فرستاد، تا وحی او را به دختری به نام مریم برساند. مریم نامزدی داشت به نام یوسف، از نسل داود پادشاه. جبرئیل به مریم ظاهر شد و گفت: سلام بر تو ای دختری که مورد لطف پروردگار قرار گرفته ای! خداوند با توست! مریم سخت پریشان و متحیر شد، چون نمی‌توانست بفهمد منظور فرشته از این سخنان چیست. فرشته به او گفت: ای مریم، نترس! زیرا خدا بر تو نظر لطف انداخته است! تو به زودی باردار شده، پسری به دنیا خواهی آورد و نامش را عیسی خواهی نهاد » (لوقا، ۱: ۲۶-۳۱).

در هیچ کدام از این موارد، مادی بودن حضور جبرئیل ادعا نشده است و لذا بسیاری از عالمان نتیجه می‌گیرند که آنچه آنها دیده‌اند واقعیتی ذهنی در رویای آنها بوده است، همچنین در انجیل لوقا که خود او مشاهده کننده نبوده و ممکن است از ساختار ادبی کتاب یهودیان در آن عصر بهره گرفته باشد.

بدون توجه به مناقشه در مادی بودن هویت جبرئیل که بعضی دانشمندان مسیحی به آن معتقد هستند، مومنان مسیحی جبرئیل را به عنوان فرشته مقرب مورد ستایش قرار می‌دهند، عنوانی که در کتاب مقدس نیامده ولی شاید آن را از جمله لوقا در انجیل خویش (۱ : ۱۹) بهره گرفته باشند جایی که جبرئیل ادعا می‌کند در حضور خدا می‌ایستد.^۱

میخائیل:

«میخائیل»، یکی از فرشتگان مقرب در عهد جدید می باشد. « سپس در آسمان جنگی روی داد، میکائیل و فرشتگان زیر فرمان او با اژدها و فرشتگان خبیث او جنگیدند. اژدها شکست خورد و همراه فرشتگانش از آسمان رانده شد » (مکاشفه، ۱۲: ۷-۸).

در رساله یهودا از عهد جدید میخائیل، رئیس فرشتگان معرفی شده است: « میخائیل، رئیس فرشتگان، وقتی با شیطان بر سر جسد موسی بحث می‌کرد، به خود اجازه نداد به او تهمت بزند و اهانت کند؛ بلکه فقط گفت: خداوند تو را توبیخ فرماید » (یهودا: ۹).

۱ . New Catholic encyclopedia, ibid .

۲-۴. ویژگی های فرشتگان

در عهد جدید برای فرشتگان ویژگی‌هایی بیان شده که برخی از آن را ذکر می‌کنیم.

۲-۴-۱. عصمت فرشتگان

بنابر تعالیم مسیحی، فرشتگان در موقع آفریده شدن، کامل بودند. در پیدایش ۱: ۳۱ آمده است که «و خداوند هر چه ساخته بود دید و همانا بسیار نیکو بود» بدون شک این امر شامل فرشتگان نیز می‌گردد.^۱

با این وجود، کتاب مقدس وجود فرشتگان نیکو و شریر را بدیهی می‌شمارد.^۲ آنگونه که از کتاب مقدس بر می‌آید فرشتگان مورد آزمایش الهی قرار گرفتند. برخی از آنها سربلند از این آزمایش بیرون آمده و جزء ملائکه نیک قرار گرفتند اما برخی دیگر در این آزمایش مردود شدند و ملائکه شر گردیدند.^۳ اصطلاح شیاطین عنوانی است که در کتاب مقدس برای این فرشتگان سقوط کرده، به کار رفته است.

آیات متعددی از کتاب مقدس، نشانگر آنست که بعضی از فرشتگان شریر هستند (مزمور ۷۸: ۴۹، متی ۲۵: ۴۱، مکاشفه ۹: ۱۱ و ۱۲: ۷-۹). علت شریر شمرده شدن آنها، آن بوده که ایشان گناه کرده و بدین طریق، مقام و مسکن خود را ترک کردند. (دوم پطرس ۲: ۴؛ یهوذا ۶)

۱. تیسن، هنری؛ الهیات مسیحی؛ ترجمه ط. میکائیلیان، انتشارات حیات ابدی، بی‌تا، ص ۱۳۱

۲. همان، ص ۱۲۹

۳. ال‌میر کانی، قس جیمس انس، پیشین، ص ۳۷۵

در عهد جدید آیه‌ای که بگوید فرشتگان معصوم هستند نیامده است. ولی از مجموع آیاتی که درباره فرشتگان نیکو آمده می‌توان گفت که فرشتگان معصوم هستند و دچار خطا و اشتباه نمی‌شوند.

۴-۲-۲. ماموریت فرشتگان

اگر چه آنها اراده دارند، فرشتگان، مثل همه مخلوقات، زیر اراده خدا هستند. فرشتگان بوسیله خدا فرستاده می‌شوند تا به ایمان‌داران کمک کنند: «فرشته‌ها فقط روح‌هایی خدمتگذار هستند، و برای کمک و مراقبت از کسانی فرستاده می‌شوند که مایلند نجات الهی را دریافت نمایند» (عبرانیان ۱: ۱۴).

یکی از صفات فرشتگان این است که در برابر خداوند خاضع بوده و او را عبادت می‌کنند و این حاکی از تکالیف تکوینی فرشتگان است. وقتی فرشته‌ای، تولد عیسی را به چوپانان اطراف بیت لحم خبر می‌دهد همراه با فرشتگان دیگر به تسبیح خداوند می‌پردازند. «ناگهان گروه بی‌شماری از فرشتگان آسمانی به آن فرشته پیوستند. آنان در ستایش خدا، می‌سرائیدند و می‌گفتند: خدا را در آسمان‌ها جلال باد و بر زمین، در میان مردمی که خدا را خشنود می‌سازند، آرامش و صفا برقرار باد!» (لوقا، ۲: ۱۳-۱۴).

در مکاشفه آمده است: «تمام فرشتگان گرداگرد تخت و رهبران و چهار موجود زنده ایستادند. سپس، آنان در مقابل تخت سجده کرده، خدا را پرستش نمودند» (مکاشفه، ۷: ۱۱).

۴-۲-۳. علم فرشتگان

چون آنها مخلوق هستند، دانش آنها محدود است. یعنی آنها همه چیز را مثل خدا نمی‌دانند. «این پیغام چنان عظیم و عالی است که حتی فرشتگان آسمان نیز مشتاقند درباره آن بیشتر آگاهی یابند» (اول پطرس، ۱: ۱۲).

و این کلام حضرت عیسی در اناجیل که می‌فرماید: «اما از آن روز و ساعت هیچکس اطلاع ندارد حتی ملائکه آسمان» (متی، ۲۴: ۳۶) شاهی بر دانش زیاد فرشتگان دانسته شده است.^۱

۴-۳. وظایف فرشتگان

در خصوص وظایف فرشتگان چنین آمده است. «خدا درباره فرشتگان می‌فرماید: همچون باد، بسرعت پیغام می‌برند، و چون شعله‌های آتش، با شور و حرارت خدمت می‌کنند» (عبرانیان، ۱: ۷).

قوم خدا را خدمت می‌کنند: «هیچگاه این بچه‌های کوچک را تحقیر نکنید، چون آنها در آسمان فرشتگانی دارند که همیشه در پیشگاه پدر آسمانی من حاضر می‌شوند». (متی ۱۸: ۱۰) «فرشته‌ها فقط روح‌هایی خدمتگذار هستند، و برای کمک و مراقبت از کسانی فرستاده می‌شوند که مایلند نجات الهی را دریافت نمایند» (عبرانیان ۱: ۱۴).

فرشتگان به فرمان خدا فعالیت‌های مختلفی را انجام می‌دهند. در وهله نخست وظیفه آنان در ارتباط با خدمت‌رهایی بخش مسیح است: «... یوسف در خواب فرشته‌ای را دید که به او گفت: «یوسف، پسر داود، از ازدواج با مریم نگران مباش. کودکی در رحم اوست، از روح القدس است. او پسری خواهد زایید، و تو نام او را عیسی (یعنی نجات دهنده) خواهی نهاد، چون او قوم خود را از گناهانشان خواهد رها کند. ... چون یوسف بیدار شد، طبق فرشته عمل کرد و مریم را به خانه‌اش آورد تا همسر او باشد» (متی، ۱: ۲۰-۲۴). و در فصل دوم متی آمده است: «... فرشته خداوند در خواب بر یوسف ظاهر شد و گفت: برخیز و کودک و مادرش را برداشته، به مصر فرار کن، و همانجا بمان تا تو را خبر دهم؛ زیرا هیروдіس پادشاه می‌خواهد کودک را به قتل برساند» (متی، ۲: ۱۳). و در فصل ۲۸ متی فرشتگان زنده شدن عیسی را به مردم خبر می‌دهند. (متی، ۲۸: ۲-۷)

۱. تیسن، هنری، الهیات مسیحی، پیشین، ص ۱۳۰

۴-۳-۱. فرشته ها کار گزاران خداوندی

فرشتگان واسطه‌هایی بین خداوند و این عالم محسوس هستند که اوامر خداوند متعال را در زمین اجرا می‌کنند. خداوند به واسطه ی آفریده های روحانی، عاقل و غیر جسمانی، با انسان‌ها رابطه برقرار می‌کند؛ فرشتگانی که گاه ظاهری انسانی به خود می‌گیرند تا تجلی نمایند.

گفته شده، فرشتگانند که چه در زمان پیش از شریعت و چه در هنگام شریعت، نیاکان محترم ما را به سوی حقیقت الهی رهنمون گشتند^۱: « شما عمداً با خدا و احکام او مخالفت می‌کنید با اینکه این احکام را فرشتگان خدا به دست شما سپردند » (اعمال رسولان، ۷: ۵۳).

خداوند شریعت خود را توسط فرشتگان به انسان بیان می‌کند. « خدا شریعت و احکام خود را توسط فرشتگان به موسی عطا کرد تا او نیز آن را به مردم بدهد » (غلاطیان، ۳: ۱۹).

در باب ۷ اعمال رسولان آمده است که « موسی واسطه ای بود بین قوم اسرائیل و آن فرشته ای که کلمات حیات بخش را در کوه سینا به او داد تا آنها را به ما برساند. » (اعمال رسولان، ۷: ۳۸). این نشان می‌دهد که قانون توسط یک فرشته به موسی نازل شد.

و نیز آمده است: « حال که پی بردیم عیسی مسیح دارای چه مقام والایی است، باید به پیغام و کلامی که شنیده‌ایم، به دقت توجه نماییم، مبدا ایمان خود را از دست بدهیم. زیرا اگر پیغام و کلامی که به وسیله فرشتگان آورده شد، دارای اعتبار و لازم الاجرا بود، و هر که از آن تخلف و نافرمانی می‌کرد، به حق مجازات می‌شد » (عبرانیان، ۲: ۱-۲).

۴-۳-۲. فرشتگان محافظ

در عهد جدید نیز خداوند گروهی از فرشتگان را مأمور نگهداری و نجات دهنده انسان از خطرات و حوادث قرار داده است.

۱. ماسون، دنیز، قرآن و کتاب مقدس: درون مایه های مشترک، مترجم: فاطمه سادات تهامی، تهران، دفتر پژوهش و نشر سهروردی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۱۴

عیسی می‌گوید: «هیچگاه این بچه‌های کوچک را تحقیر نکنید، چون آنها در آسمان فرشتگانی دارند که همیشه در پیشگاه پدر آسمانی من حاضر می‌شوند» (متی، ۱۸: ۱۰).

در باب ۴ متی آمده، وقتی شیطان می‌خواست عیسی را وسوسه و آزمایش کند «او را به شهر اورشلیم برد و بر روی بام خانه خدا قرار داد، و به او گفت: خود را از اینجا بینداز و ثابت کن که فرزند خدا هستی؛ چون کتاب آسمانی می‌فرماید: خدا فرشتگان خود را خواهد فرستاد تا تو را از خطر حفظ کنند ... آنها نخواهند گذاشت که حتی پایت به سنگ بخورد» (متی، ۴: ۵-۶).

در انجیل متی درباره دستگیری عیسی توسط یهودا آمده است: «مگر نمی‌دانی که من می‌توانم از پدرم درخواست کنم تا در یک لحظه، هزاران فرشته به کمک ما بفرستد» (متی، ۲۶: ۵۳).

در انجیل مرقس آمده است وقتی که: «روح خدا عیسی را به بیابان برد در آنجا چهل روز تنها ماند. ... در این مدت شیطان او را وسوسه می‌کرد، اما فرشتگان از او مراقبت می‌کردند» (مرقس، ۱: ۱۲ و ۱۳).

همچنین در انجیل لوقا آمده است: «وقتی شیطان عیسی را به مرتفع‌ترین نقطه خانه خدا قرار داد به او گفت: اگر فرزند خدا هستی خود را از اینجا به زیر بینداز، چون رد کتاب آسمانی آمده که خدا فرشته‌های خود را خواهد فرستاد تا تو را محافظت کنند و در دست‌های خود نگه دارند که پایت به سنگی نخورد» (لوقا، ۴: ۹-۱۱).

در اعمال رسولان، وقتی کاهن اعظم و دار و دسته او دیدند که مردم به رسولان احترام زیادی قائل می‌شوند، آمده است: «پس، کاهن اعظم و بستگان و دوستان او از فرقه صدوقی‌ها، از حسد به جوش آمدند، و رسولان را گرفتند و زندانی کردند. ولی همان شب فرشته خداوند آمده، درهای زندان را باز کرد و آنان را بیرون آورد و به ایشان گفت: به خانه خدا بروید و باز درباره این راه حیات موعظه کنید» (اعمال رسولان، ۵: ۱۷-۲۰).

در آزادی پطرس از زندان هیروودیس آمده است: « ناگهان محیط زندان نورانی شد و فرشته خداوند آمد و کنار پطرس ایستاد! سپس به پهلوی پطرس زد و او را بیدار کرد و گفت: زود برخیز! همان لحظه زنجیر ها از مچ دستهایش باز شد و بر زمین فرو ریخت! فرشته به او گفت: لباس ها و کفش هایت را بپوش. پطرس پوشید. آنگاه فرشته به گفت: ردای خود را بر دوش بینداز و به دنبال من بیا! بدین ترتیب پطرس از زندان بیرون آمد و به دنبال فرشته براه افتاد » (اعمال رسولان، ۱۲: ۷-۹).

زمانی که پولس و همسفران او از طریق دریا به طرف روم می‌روند وقتی دریا طوفانی می‌شود پولس به همسفرانش می‌گوید: « حالا غصه نخورید؛ حتی اگر کشتی غرق شود، به حان هیچ یک از ما ضرری نخواهد رسید. چون دیشب فرشته آن خدایی که از آن او هستم و خدمتش می‌کنم، پیش من آمد و گفت: پولس، نترس چون تو حتماً به حضور قیصر خواهی رسید! علاوه بر این، خدا به درخواست تو، زندگی تمام همسفرانت را نجات خواهد داد » (اعمال رسولان، ۲۷: ۲۲-۲۴).

۳-۳-۴. فرشته مرگ

یکی دیگر از وظایف فرشتگان، نابود کردن و میراندن آدم‌هاست. و در اعمال رسولان آمده است: « فرشته خداوند هیروودیس را چنان زد که بدنش پر از کرم شد و مرد، زیرا به جای اینکه خدا را تمجید کند، گذاشت مردم او را پرستش کنند » (اعمال رسولان، ۱۲: ۲۳).

۴-۴. نقش فرشتگان در سعادت انسان

چنانچه در بخش قرآن و عهد قدیم ذکر شد انسان موجود مختاری است که سعادت و شقاوتش را با اراده و تصمیم خود می‌سازد. با این وجود فرشتگان نیز در مسیر زندگی به کمک او آمده و راهنمایی اش می‌کنند و در برابر سختی ها او را دعوت به صبر کرده و به اطاعت از اوامر خداوند تشویق شان می‌کنند.

۴-۴-۱. فرشتگان پیام آور

فرشتگان واسطه‌هایی بین خداوند و این عالم محسوس هستند در نتیجه خداوند اخبار غیبی را توسط فرشتگان به ما اعلام می‌دارد.

مژده تولد یحیی

در انجیل لوقا، که وقتی زکریا در خانه خدا خدمت می‌کرد، چنین آمده است: « ناگهان فرشته‌ای بر زکریا ظاهر شد و در طرف راست قربانگاه بخور ایستاد. زکریا از دیدن فرشته مبهوت و هراسان شد. فرشته به او گفت: ای زکریا، نترس! چون آمده‌ام به تو خبر بدهم که خدا دعایت را شنیده است، و همسرت الیزابت برایت پسر به دنیا خواهد آورد که نامش را یحیی خواهی گذارد. این پسر باعث شادی و سرور شما خواهد شد، و بسیاری نیز از تولدش شادی خواهند نمود ... زکریا به فرشته گفت: ولی این غیر ممکن است، چون من پیر شده‌ام و همسرم نیز سالخورده است! فرشته در جواب گفت: من جبرئیل هستم که در حضور خدا می‌ایستم و اوست که مرا فرستاده تا این خبر خوش را به تو بدهم » (لوقا، ۱: ۱۱-۱۹).

مژده تولد عیسی

« در ششمین ماه بارداری الیزابت، خدا فرشته خود جبرئیل را به ناصره، یکی از شهرهای استان جلیل فرستاد، تا وحی او را به دختری به نام مریم برساند. مریم نامزدی داشت به نام یوسف، از نسل داود پادشاه. جبرئیل به مریم ظاهر شد و گفت: سلام بر تو ای دختری که مورد لطف پروردگار قرار گرفته‌ای! خداوند با توست! مریم سخت پریشان و متحیر شد، چون نمی‌توانست بفهمد منظور فرشته از این سخنان چیست. فرشته به او گفت: ای مریم، نترس! زیرا خدا بر تو نظر لطف انداخته است! تو به زودی باردار شده، پسری به دنیا خواهی آورد و نامش را عیسی خواهی نهاد. ... مریم از فرشته پرسید: اما چگونه چنین چیزی امکان دارد؟ دست هیچ مردی هرگز به من نرسیده است! فرشته جواب داد: روح القدس بر نازل خواهد شد و

قدرت خدا بر تو سایه خواهد افکند. از این آن نوزاد مقدس بوده، فرزند خدا خوانده خواهد شد
« (لوقا، ۱: ۲۶-۳۵).^۱

همچنین در باب ۲ لوقا آمده، «در دشت های اطراف بیت لحم، چوپانانی بودند که شبانگاه از گله های خود مراقبت می کردند. آن شب، ناگهان فرشته ای در میان ایشان ظاهر شد و نور جلال خداوند در اطافشان تابید و ترس همه را فرا گرفت. اما فرشته به ایشان اطمینان خاطر داد و گفت: نترسید! من حامل مژده ای برای شما هستم، مژده ای مسرت بخش برای همه مردم! و آن اینست که همین امروز مسیح، خداوند و نجات دهنده شما، در شهر داود چشم به جهان گشود» (لوقا، ۲: ۸-۱۱).

و در انجیل متی آمده است: «فرشته خداوند در خواب بر یوسف ظاهر شد، و گفت: برخیز و کودک و مادرش را برداشته، به مصر فرار کن، و همانجا بمان تا تو را خبر دهم؛ زیرا هیروдіس پادشاه می خواهد کودک را به قتل برساند» (متی، ۲: ۱۳) در ادامه این آیات آمده است که، «پس از مرگ هیروдіس، در مصر فرشته خداوند در خواب بر یوسف ظاهر شد و به او گفت: برخیز و کودک و مادرش را بردار و به سرزمین اسرائیل باز گرد، چون کسی که قصد کشتن بچه را داشت خودش مرده است» (متی، ۲: ۱۹).

فرشته حامل پیام انجیل

«در این هنگام، فرشته دیگری را دیدم که در وسط آسمان پرواز می کرد و پیغام شاد انجیل جاودانی را برای اهالی زمین می برد تا به گوش هر قوم و قبیله، از هر زبان و نژاد برساند. فرشته با صدای بلند می گفت: خدا را احترام و تمجید کنید، زیرا وقت آن رسیده است که مردم را داوری کند. او را بپرستید که آسمان و زمین و دریا و چشمه ها را آفریده است» (مکاشفه، ۱۴: ۶-۷).

خبر از آمدن عیسی

۱. ر.ک به متی، ۱: ۲۰-۲۱

« آنگاه فرشته به من گفت: این سخنان راست و قابل اعتماد است. و خدایی که وقایع آینده را از قبل به انبیاء خود اطلاع می دهد، فرشته خود را فرستاده است تا آنچه را که به زودی خواهد داد به شما اطلاع دهد. عیسی مسیح می فرماید: گوش کنید! من به زودی می آیم » (مکاشفه، ۲۲: ۶-۷).^۱

و در انجیل مرقس، روزی که زنان به سر قبر عیسی می رفتند، چنین آمده است: « وقتی به سر قبر رسیدند، دیدند که سنگ بزرگ جابجا شده و در قبر باز است! پس داخل قبر که مثل یک غار بود شدند و دیدند فرشته ای با لباس سفید در طرف راست قبر نشسته است. زنان لرزیدند. ولی فرشته به ایشان گفت: نترسید مگر به دنبال عیسی ناصری نمی گردید که روی صلیب کشته شد؟ او اینجا نیست. عیسی دوباره زنده شده است » (مرقس، ۴: ۱۶-۶).^۲

در اعمال رسولان آمده، « کرنیلیوس در رؤیا فرشته خدا را دید. فرشته نزد او آمد و گفت: کرنیلیوس! کرنیلیوس با وحشت به او خیره شد و پرسید: آقا چه فرمایشی دارید؟ فرشته جواب داد: دعا و نیکوکاری های تو از نظر خدا دور نمانده است! اکنون چند نفر به یافا به دنبال شمعون پطرس بفرست تا به دیدن تو بیایند » (اعمال رسولان، ۱۰: ۳-۶).

الهیات کاتولیک به شکلی اختصاصی، وحی خداوندی به انسان ها و تقدیس آنان را صرفاً به روح مقدس، سومین شخص از تثلیث، اسناد می دهد. او مؤید رسولان در مأموریتشان است و آنان را تقدیس می کند.^۳ (رساله اول پولس به قرنتیان ۲: ۱۰)

۴-۴-۲. راهنمایی فرشتگان

در مواقع ضروری فرشتگان به کمک انسان های مظلوم آمده و مشکل او را به اذن خداوند حل می کنند. چنانکه پطرس را از زندان هیروдіس آزاد کرده و او را نجات می دهند. (اعمال رسولان، ۱۲: ۷-۹)

۱. همچنین ن.ک به اعمال رسولان، ۱: ۱۰-۱۱

۲. همچنین ر.ک به متی، ۲۸: ۲-۶؛ لوقا، ۲۴: ۷-۱

۳. دنیز ماسیون، پیشین، ص ۲۱۴

قوم خدا را خدمت می‌کنند: « فرشته‌ها فقط روح‌هایی خدمتگذار هستند، و برای کمک و مراقبت از کسانی فرستاده می‌شوند که مایلند نجات الهی را دریافت نمایند » (عبرانیان ۱: ۱۴).

۴-۳-۴. واسطه فیض الهی بر انسان

فرشتگان واسطه‌هایی بین خداوند و این عالم محسوس هستند که اوامر خداوند متعال را در زمین اجرا می‌کنند.

خداوند شریعت خود را توسط فرشتگان به انسان بیان می‌کند. « خدا شریعت و احکام خود را توسط فرشتگان به موسی عطا کرد تا او نیز آن را به مردم بدهد » (غلاطیان، ۳: ۱۹)

فرشتگان حامل پیام‌های شادی به انسانها هستند: مژده تولد یحیی (لوقا، ۱: ۱۹-۱۱)، مژده تولد عیسی (لوقا، ۱: ۳۵-۲۶)^۱.

۱. ر.ک به متی: ۲۰-۲۱؛ لوقا، ۸: ۱۱-۱۱؛ متی، ۲: ۱۹

فصل پنجم: جمع بندی بررسی تطبیقی

۵-۱. مقایسه فرشته شناسی در قرآن و عهدین

طبق بررسی‌های انجام شده در این تحقیق قرآن کریم و عهدین به صورت جامع به ماهیت فرشته پرداخته و تا حدودی مطالب نزدیک به هم ارائه داده‌اند.

قرآن کریم می‌فرماید فرشتگان مذکر و مؤنث ندارند. و همان تعبیر «عبدالرحمان» را که برای بندگان صالح دارد، برای فرشته‌ها هم به کار برده است. (زخرف/۱۹)

گاهی قرآن کریم اناث بودن فرشتگان را مطرح می‌کند که به زبان دیگران سخن گفتن و با مبانی دیگران، آنها را محکوم کردن است. (نساء/۱۱۷)

قرآن کریم در آیات فراوانی مؤنث بودن فرشته‌ها را صریحاً ابطال کرده است: (نجم/۲۷-۲۸؛ نحل/۵۷ و غیره).

از آیاتی که درباره ملائکه آمده، استفاده می‌شود آن‌ها موجوداتی پیراسته از پیوندهای مادی و مجرد از صفات جسمانی هستند.

قرآن کریم در سوره هود می‌فرماید: ملائکه غذا نمی‌خورند. (هود/۶۹-۷۰) ولی در باب هجدهم و نوزدهم سفر تکوین تورات آمده است که فرشتگان غذا می‌خورند. و این خود دلیل بر تحریف تورات است.

از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که می‌فرماید: حقیقت آن است که فرشتگان نمی‌خورند و نمی‌آشامند و ازدواج نمی‌کنند؛ بلکه حیات آنان با نسیم عرش است...^۱

و نیز از آن حضرت روایت شده «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ خَلَقَ الْمَلَائِكَةَ مِنْ نُورٍ»؛ روشن است که نور حقیقتی مجرد از ماده است و حضرت با این بیان، این نکته را مطرح فرموده‌اند که ملائکه موجودات غیرمادی‌اند.

۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، همان، ص ۲۰۷

۲. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، پیشین، ج ۵۶، ص ۱۹۱

قرآن کریم گفته با اینکه ملائکه موجوداتی مجرد و غیر مادی بوده و از درک بشر هم خارج هستند اما آنها می توانند به شکل بشر هم درآیند که بارزترین نمونه آن عبارتند از:

زمانی که حضرت جبرئیل به صورت جوانی زیبا بر حضرت مریم آشکار شد. مریم/۱۷، زمانی که فرشتگان عذاب به صورت انسانی به میهمانی لوط و ابراهیم رفتند. هود/۷۰، و هنگامی که دو فرشته الهی هاروت و ماروت به صورت آدمی به تعلیم مردم بابل پرداختند. بقره/۱۰۲

پس به طور کلی این پیامبران بودند که از مصاحبت فرشتگان برخوردار بودند. اما انسان‌های معمولی پس از مرگ توانایی دیدن آنها را پیدا می کنند. فرقان/۲۲

در عهد قدیم نیز فرشتگان، فاقد جسم مادی هستند و از آنها به بادهای و یا شعله‌های آتش تعبیر شده است. (مزمور ۱۰۴: ۴)

فرشتگان غذا نمی‌خورند. (داوران، ۱۳: ۱۱-۱۶) ولی در سفر پیدایش آمده که فرشتگان غذا می‌خورند. (پیدایش، ۱۹: ۱-۳؛ ۱۸)

با اینکه فرشتگان موجودی مجرد بوده و ازدواج نمی‌کنند اما تعداد آنها بی حد و حصر گزارش شده است. (مزامیر، ۶۸: ۱۷؛ دانیال، ۷: ۹-۱۰)

فرشتگان غالباً خودشان را بر انسانها به شکل جسمانی ظاهر کرده‌اند.^۱ (پیدایش، ۱۸: ۲؛ داوران، ۱۳: ۶؛ خروج، ۳: ۲)

در عهد جدید نیز فرشتگان موجودات فراطبیعی و جدا از نژاد انسان هستند. (اول قرن‌تین، ۱۵: ۳۹-۴۰)

فرشتگان، فاقد جسم مادی هستند و از آنها به بادهای و یا روحها تشبیه شده است. (عبرانیان ۱: ۷؛ ۱: ۱۴) و اینکه روح جسم نیست. وقتی عیسی به شاگردانش ظاهر می‌شود به

۱. پیدایش ۱۸ و ۱۹

آنها می‌گوید: « به دستها و پاهایم نگاه کنید! می بینید که واقعاً خودم هستم. به من دست بزنید تا خاطر جمع شوید که من روح نیستم. چون روح بدن ندارد، اما همان طور که می‌بینید، من دارم » (لوقا، ۲۴: ۳۹)

با این وجود، فرشتگان غالباً خودشان را بر انسانها به شکل جسمانی ظاهر کرده‌اند. (لوقا ۱: ۲۶، یوحنا ۲۰: ۱۲، عبرانیان ۱۳: ۲)

بر حسب نص کتاب عهد جدید فرشتگان مذکر و مونث ندارند. (متی، ۲۲: ۳۰)^۱ اما تعداد آنها بی حد و حصر است. (متی، ۲۶: ۵۳؛ لوقا، ۲: ۱۳؛ عبرانیان، ۱۲: ۲۲؛ مکاشفه، ۵: ۱۱). با این وجود در مواردی، ظهور فرشتگان بر انسانها به شکل مردان بوده است. (لوقا، ۲۴: ۴)^۲ به تصریح کتاب عهد جدید، فرشتگان ازدواج نمی‌کنند و مرگ نیز در آنان راه ندارد. (لوقا، ۲۰: ۳۶-۳۴)

کتاب مقدس از وجود فرشتگان نیکو و شریر سخن می‌گوید. آنگونه که از کتاب مقدس بر می‌آید فرشتگان مورد آزمایش الهی قرار گرفتند. برخی از آنها سربلند از این آزمایش بیرون آمده و جزء ملائکه نیک قرار گرفتند اما برخی دیگر در این آزمایش مردود شدند و ملائکه شر گردیدند.^۳

آیات متعددی از کتاب مقدس، نشانگر آنست که بعضی از فرشتگان شریر هستند. (مزمور ۷۸: ۴۹، متی ۲۵: ۴۱، مکاشفه ۹: ۱۱ و ۱۲: ۷-۹) علت شریر شمرده شدن آنها، آن بوده که ایشان گناه کرده و بدین طریق، مقام و مسکن خود را ترک کردند. (دوم پطرس ۲: ۴؛ یهوذا ۶)

قرآن کریم انسان را برتر از فرشتگان معرفی می‌کند. خداوند معانی همه نام‌ها را به آدم آموخت در حالی فرشتگان از آن بی خبر بودند. بقره/ ۳۱ و همچنین سجده همه فرشتگان

۱. همچنین نگاه به انجیل مرقس، ۱۲: ۲۵

۲. همچنین ن.ک به مرقس، ۱۶: ۶-۴

۳. ال‌میر کانی، قس جیمس انس، پیشین، ص ۳۷۵

به آدم (ع) ص / ۷۲-۷۴. روایاتی نیز برتری انسان بر فرشته را تأیید می‌کند از جمله: رسول خدا (ص) فرمود: خدای تعالی آفریده‌ای از من برتر نیافرید و هیچ آفریده‌ای نزد خدای تعالی از من گرامی نیست.^۱

آیا همه انسان‌ها از فرشتگان برترند؟ در حالی که گروهی بی‌ایمان، شرور و ستمگر هستند که از پست‌ترین خلق خدا محسوب می‌شوند. برخی معتقدند، آری همه انسان‌ها برترند، اما بالقوه و بالاستعداد، یعنی همگی این زمینه و شایستگی را دارند، حال، اگر از آن استفاده نکنند، و سقوط نمایند، مربوط به خودشان است.^۲

عهد قدیم هر چند انسان را به عنوان جانشین و خلیفه خدا معرفی می‌کند ولی مقام او را پایین تر از فرشته‌ها می‌داند. (مزامیر، ۸: ۳-۸)

به اعتقاد مسیحیان، فرشتگان دسته‌ای از مخلوقات عاقل هستند که هم از لحاظ سرشت و هم از لحاظ قدرت در مرحله‌ای بالاتر از انسانها قرار دارند.^۳ چنانچه در عهد جدید هم آمده، عبادت و پرستش فرشتگان به صورت کاملاً رسمی در میان برخی از مسیحیان اولیه یعنی پیروان آیین گنوسی وجود داشته است.^۴ (کولسیان، ۲: ۱۸-۱۹؛ مکاشفه، ۲۲: ۸-۹) ولی با مراجعه به عهد جدید می‌توان گفت مسیح برتر از فرشته است. (عبرانیان، ۱: ۴-۱۴) و نیز آمده، عیسی در اثر فدا کردن جان خود از فرشته‌ها برتر گردید. (عبرانیان، ۲: ۵-۹) همچنین عهد جدید فرشتگان را تعظیم کننده مسیح معرفی کرده و در روز قیامت مسیحیان را داوران فرشتگان می‌داند. (اول پطرس، ۳: ۲۲؛ اول قرنتیان، ۶: ۳)

آیا خدا فرشته و فرشته خداست؟ نه هرگز! ولی در عهد قدیم این خلط شده است. یعنی به‌گونه‌ای روشن میان خداوند و پیام‌آورش تمایزی صورت نگرفته است.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الارضا، پیشین، ج ۱، ص ۲۶۲

۲. مکارم شیرازی، ناصر، ج ۱۲، ص ۲۲۴

۳. ال‌امیر کانی، قس جیمس انس؛ پیشین؛ ص ۳۷۵

۴. تیسن، هنری، پیشین، ص ۱۲۷

در سفر پیدایش، نخست فرشته خداوند با هاجر سخن می‌گوید اما در ادامه کسی را که با او سخن گفته بود «أنت ایل رئی» (یعنی چاه خدای زنده‌ای که مرا می‌بیند) می‌نامد. (پیدایش، ۱۶: ۷-۱۳)؛ پس عهد قدیم در یک حکایت، یک بار کسی را که با هاجر حرف می‌زند فرشته و باردیگر خدا می‌خواند.

این خداوند است که فرمان ذبح اسماعیل را می‌دهد (پیدایش، ۲۲: ۱) و بعد از آن، ابراهیم، مخاطب فرشته خدا قرار می‌گیرد. (پیدایش، ۲۲: ۱۲-۱۱) و در سفر خروج آمده است، ناگهان فرشته خداوند چون شعله آتش از میان بوته ای بر او ظاهر شد. اما در ادامه این خداوند است که با موسی سخن می‌گوید. (خروج، ۳: ۲-۶)^۱

در بین ملائکه الله، چهار ملک وجود دارند که در پیشگاه الهی قرب خاصی دارند آنها عبارت اند از: جبرئیل، میکائیل، اسرافیل و عزرائیل. در کتاب مقدس نیز اصناف مختلفی از فرشتگان وجود دارد. ولی در بین آنها به دو فرشته ارشد (Archangel) و مقرب اشاره شده است: جبرئیل و میکائیل.

نام جبرئیل سه بار در قرآن آمده است (بقره/ ۹۷، ۹۸ و تحریم/۴). به وظیفه اصلی جبرئیل، یعنی پیام‌آوری وحی در آیه ﴿نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ﴾ * بقره/ ۹۷ تصریح شده و صراحتاً تنزیل قرآن را به جبرئیل نسبت داده است.

در آیات قرآن مجید از جبرئیل به نام‌های جبریل (بقره/۹۷) و روح الامین (شعراء/۱۹۳) و رسول کریم (تکویر/۱۹) نام برده شده است. و در آیات ۱۹-۲۱ سوره تکویر پنج وصف (رسول کریم، ذی قوه، مکین، مطاع و امین) برای جبرئیل آمده که جملگی بیانگر عظمت و مقام اوست. و با توجه با آیه ۹۷ سوره بقره و آیه ۱۹۳ و ۱۹۴ سوره شعرا معلوم می‌شود که جبرئیل همان روح الامین است.

و همچنین در آیات زیر از جبرئیل(ع) با نام‌های روح القدس، شدید القوی و ذومره یاد شده است: (نحل/۱۰۲؛ نجم/۴-۶).

۱ . همچنین نگاه کنید به داوران، ۶: ۱۱-۱۵

علاوه بر انتقال وحی، جبرئیل نقش ویژه ای در ولادت عیسی علیه السلام داشته است. او مؤده ولادت عیسی را به حضرت مریم داده (آل عمران/۴۵) و به صورت انسان نزد او متمثل شده (مریم/ ۱۷) و روح الاهی را در رحم او دمیده (مریم/ ۲۲ و تحریم/ ۱۲) و سرانجام خداوند به عیسی علیه السلام با جبرئیل یاری رسانده و نیرو بخشیده است (بقره/ ۸۷، ۲۵۳؛ مائده/ ۱۱۰). عموم مفسران، تعبیر «روح» در آیات مربوط به تولد حضرت عیسی را ناظر به جبرئیل دانسته‌اند.^۱

در عهدین، جبرئیل به معنای «خدا قدیر است» یا «مرد خدا و قهرمان خدا» آمده است.^۲ نام جبرئیل چهار بار در عهدین آمده است. دوبار در کتاب دانیال نبی (دانیال، ۸: ۱۵-۱۷؛ ۹: ۲۱-۲۲) و دوبار در انجیل لوقا (لوقا، ۱: ۱۸-۱۹؛ ۱: ۲۶-۳۱).

در هیچ کدام از این موارد، مادی بودن حضور جبرئیل ادعا نشده است. بدون توجه به مناقشه در مادی بودن هویت جبرئیل که بعضی دانشمندان مسیحی به آن معتقد هستند، مومنان مسیحی جبرئیل را به عنوان فرشته مقرب مورد ستایش قرار می‌دهند، عنوانی که در کتاب مقدس نیامده ولی شاید آن را از جمله لوقا در انجیل خویش (۱: ۱۹) بهره گرفته باشند جایی که جبرئیل ادعا می‌کند در حضور خدا می‌ایستد.^۳

یکی از رؤسای چهار گانه ملائکه، میکائیل است و قرآن مجید در سوره بقره از میکائیل به عنوان میکال یاد فرموده و دشمنی با او را در ردیف دشمنی به خدا و ملائکه و انبیا قرار داده و دشمن او را متهم به کفر است. (بقره/۹۸)

در عهد قدیم، میخائیل به عنوان یکی از فرشتگان اعظم و نیز نگهبان قوم اسرائیل ذکر شده است. (دانیال، ۱۰: ۱۳) و در جای دیگر، میکائیل، نگهبان قوم اسرائیل معرفی شده است. (دانیال، ۱۰: ۲۱) همچنین در کتاب دانیال درباره نقش میکائیل در زمان آخر آمده است: «در آن زمان، فرشته اعظم، میکائیل، به حمایت از قوم تو بر خواهد خاست.» (دانیال، ۱۲: ۱)

۱. رجوع شود به طبری، طوسی، تفسیر تبیان ذیل آیات و احتمالات دیگر فضل بن حسن طبرسی، ذیل مریم: ۱۷

۲. New Catholic encyclopedia, ibid, v.۰۶, p.۴۰.

۳. New Catholic encyclopedia, ibid.

میخائیل به عنوان یکی از فرشتگان مقرب در عهد جدید نیز آمده است. (مکاشفه، ۱۲: ۸-۷) و در رساله یهودا از عهد جدید میخائیل، رئیس فرشتگان معرفی شده است. (یهودا: ۹)

و در دو آیه از قرآن کریم به صفات اسرافیل با نام منادی و داعی اشاره شده است. (ق/۴۱؛ قمر/۶) برخی معتقدند منظور از منادی به احتمال قویتر همان «اسرافیل» است که در «صور» می‌دمد، و در آیات قرآن نه با نام بلکه با تعبیرات دیگری به او اشاره شده است.^۱

و از آیات قرآن کریم استفاده می‌شود اسرافیل کسی است که در صور می‌دمد. (زمر/۶۸) لفظ صور ده بار در قرآن مجید آمده^۲ و همه درباره قیامت است و از کلام الله ظاهر می‌شود که هم مردن مردم و هم زنده شدن انسانها در اثر نفخ صور است. همچنین در صحیفه سجّادیه آمده است: اسرافیل صاحب صور منتظر فرمان تو است که امانتهای قبور را بر انگیزد.^۳

در عهدین درباره اسرافیل مطالبی نیامده است.

قرآن کریم به فرشته عزرائیل (ملک الموت) اشاره می‌کند که وظیفه اصلی آن قبض ارواح است. البته در قرآن کریم قبض ارواح گاهی به خدا نسبت داده شده، گاهی به ملک الموت (عزرائیل) و گاهی نیز به فرشتگان مرگ.

۱- ﴿اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا﴾ * زمر/۴۲.

۲- ﴿قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ﴾ * سجده/۱۱.

۳- ﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ﴾ * انعام/۶۱.

کمی دقت در آیات فوق، نشان می‌دهد که هیچ گونه تضادی در میان آنها نیست ؛ زیرا قبض کننده اصلی ذات پاک خداست، آن گاه در عالم اسباب فرشته مرگ، یعنی

۱. تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص: ۲۹۷

۲. انعام/۷۳، زمر/۶۸، نمل/۸۷، یس/۵۱، حاقه/۱۳ و ۱۴، مؤمنون/۱۰۱، طه/۱۲۰، کهف/۹۹، نبا/۱۸ و ق/۲۰

۳. دعای سوم صحیفه سجّادیه، ص ۳۸

عزرائیل مجری این فرمان است و او نیز به وسیله گروهی از فرشتگان و رسولان الهی این ماموریت را انجام می دهد.^۱

در عهدین نیز گروهی از فرشتگان کارشان نابود کردن و میراندن آدم‌هاست. (پیدایش، ۱۹: ۱۲-۱۳؛ دوم پادشاهان، ۱۹: ۳۵^۲؛ اول تواریخ، ۲۱: ۱۴-۱۵ و ۳۰-۲۱؛ دوم سموئیل، ۲۴: ۱۵-۱۶؛ اعمال رسولان، ۱۲: ۲۳) ولی نامی از عزرائیل به میان نیامده است.

۵-۲. مقایسه ویژگی های فرشتگان در قرآن و عهدین

در قرآن کریم برای فرشتگان صفات بسیاری گفته شده که همگی نشان از تسلیم محض و اطاعت آنها از اوامر خداوند می باشد.

عموم فرشتگان در مساله عبادت و پرستش، موجوداتی تسلیم، خاشع و خالصند که لحظه‌ای از عبادت حضرت حق غافل نمی شوند. قرآن کریم در آیات زیادی به عبادت فرشتگان اشاره کرده است. (شوری/۵؛ نحل/۴۹؛ زخرف/۱۹)

در عهد قدیم نیز فرشتگان خدا را عبادت کرده و او را ستایش می کنند. (اشعیا، ۶: ۲-۳؛ نحمیا، ۹: ۶). و همچنین در سفر مزامیر داود بارها تسبیح ارواح آسمان را ذکر می کند. (مزامیر ۱۴۸: ۱-۲ مقایسه کنید با ۱۰۳: ۱۹-۲۲)

در عهد جدید نیز فرشتگان در برابر خداوند خاضع بوده و او را عبادت می کنند. (لوقا، ۲: ۱۴-۱۳؛ مکاشفه، ۷: ۱۱)

از جمله اوصافی که برای فرشتگان در قرآن بیان شده، عصمت و پاک دامنی ایشان است: ﴿... مَلَائِكَةٌ غِلَاطٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾* تحریم/۶.

۱. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن در قرآن، پیشین، ج ۱، ص ۲۱۶

۲. همچنین نگاه کنید به دوم تواریخ، ۳۲: ۲۱؛ اشعیا، ۳۷: ۳۶

اطاعت و ترک عصیان فرشتگان یک نوع اطاعت تکوینی است نه تشریعی، و اطاعت تکوینی همیشه وجود دارد، و به تعبیر دیگر آنها آن چنان ساخته شده‌اند که فرمانهای الهی را با کمال میل و رغبت و عشق در عین اختیار اجرا می‌کنند.^۱

عهد قدیم با اینکه فرشتگان را بالاتر از انسان می‌داند ولی، با این وجود فرشتگان را معصوم نمی‌داند: «آیا انسان خاکی می‌تواند در نظر خدای خالق، پاک و بی‌گناه باشد؟ حتی فرشتگان آسمان نیز در نظر خدا پاک نیستند، چه برسد به آدمیانی که از خاک آفریده شده‌اند و مانند بید ناپایدارند» (ایوب، ۴: ۱۹-۱۷).

آیات متعددی از کتاب مقدس، نشانگر آنست که بعضی از فرشتگان شریر هستند (مزمور ۷۸: ۴۹، متی ۲۵: ۴۱، مکاشفه ۹: ۱۱ و ۱۲: ۷-۹). علت شریر شمرده شدن آنها، آن بوده که ایشان گناه کرده و بدین طریق، مقام و مسکن خود را ترک کردند. (دوم پطرس ۲: ۴؛ یهوذا ۶)

در عهد جدید آیه‌ای که بگوید فرشتگان معصوم هستند نیامده است. ولی از مجموع آیاتی که درباره فرشتگان نیکو آمده می‌توان گفت که فرشتگان معصوم هستند و دچار خطا و اشتباه نمی‌شوند.

قرآن کریم یکی دیگر از ویژگی‌های فرشتگان را حامل عرش بودن آنها بیان می‌کند. مؤمن/۷؛ چنانچه گفته شده، خدای سبحان در این آیه و در هیچ جا از کلام عزیزش معرفی نفرموده که این حاملان عرش چه کسانی هستند، آیا از ملائکه‌اند؟ یا کسانی دیگر؟ ولی عطف کردن جمله «و من حوله» بر حاملان عرش، اشعار دارد بر اینکه حاملان عرش هم از ملائکه‌اند: چون در آیه ۷۵ سوره زمر تصریح دارد که طواف کنندگان پیرامون عرش از ملائکه‌اند. پس نتیجه می‌گیریم که حاملین عرش نیز از این طایفه‌اند.^۲

۱. تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۲۸۸

۲. طباطبایی، محمد حسین، پیشین، ج ۱۷، ص ۴۶۸

و نیز در آیه ۱۷ سوره حاقه به حاملان عرش اشاره می‌کند. گرچه صریحا در این آیه تعیین نشده‌اند که از فرشتگانند یا غیر آنها ولی ظاهر تعبیرات مجموع آیه نشان می‌دهد که آنها از فرشتگانند، ولی مشخص نیست که آیا هشت فرشته‌اند یا هشت گروه کوچک یا بزرگ.^۱

در تفسیر قمی آمده، آنچه در روایات اسلامی آمده است که حاملان عرش هم اکنون چهار نفر (یا چهار گروه) هستند اما در قیامت دو برابر می‌شوند، چنان که در حدیثی از پیغمبر گرامی اسلام (ص) می‌خوانیم «آنها امروز چهار نفرند، و روز قیامت آنها را با چهار نفر دیگر تقویت می‌کند و هشت نفر می‌شوند».^۲

در عهد قدیم از فرشتگان به عنوان موجودات بال دار یاد شده است. (حزقیال، ۹: ۳؛ دانیال، ۹: ۲۱) و در رؤیای حزقیال نبی آمده است: «از میان ابر، چهار موجود عجیب ظاهر شدند شیه انسان بودند. ولی هر یک، چهار صورت و دو جفت بال داشتند! ... در همان حال که به این چهار موجود زنده خیره شده بودم، زیر آنها و بر روی زمین، چهار چرخ دیدم زیر هر موجود یک چرخ. ... وقتی آن موجودات زنده حرکت می‌کردند، چرخها هم با آنها حرکت می‌کردند. ... چون روح آن چهار موجود در چرخها نیز قرار داشت. پس موجودات و چرخها تحت هدایت روحشان بودند» (حزقیال، ۱).^۳

همچنین در باب ۶ اشعیا به فرشتگانی اشاره می‌کند که اطراف تخت خدا را احاطه کرده و هر کدام شش بال داشتند. (اشعیا، ۶: ۲-۳) که ویژگی های این آیات شبیه ویژگی های فرشتگان حامل عرش در قرآن کریم است. اما در عهد جدید به فرشتگان حامل عرش اشاره نشده است.

یکی از اوصاف عملی فرشتگان، «توّلّی و تبرّی» است. خدای سبحان هنگام درود فرستادن، فرشتگان را اهدا کنندگان صلوات بر رسول اکرم (ص) معرفی می‌کند؛ احزاب/۵۶.

۱. مکارم شیرازی، ناصر، پیشین، ج ۲۴، ص ۴۵۱

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، پیشین، ج ۲، ص ۳۸۴

۳. همچنین نگاه کنید به باب ۱۰ حزقیال

فرشتگان همان گونه که تولّی دارند، تبرّی نیز دارند؛ بقره/۱۶۱. فرشتگان مانند ذات اقدس الهی از کافران منجرند و بر آنها لعنت می‌فرستند؛ چنان که مؤمنان و انسانها نیز از کافران منجرند و بر آنها نفرین و لعن می‌فرستند.^۱

در عهد قدیم آمده، «فرشته خداوند دور آنانی که از خداوند می‌ترسند و او را گرامی می‌دارند حلقه می‌زنند و ایشان را از خطر حفظ می‌کنند» (مزامیر، ۳۴: ۷)

و در عهد جدید نیز آمده است: «در آخر دنیا نیز همین طور خواهد شد. فرشتگان آمده، انسان‌های خوب را از بد جدا خواهند کرد؛ انسان‌های بد را داخل آتش خواهند افکند» (متی، ۱۳: ۴۹-۵۰)

۵-۳. مقایسه وظایف فرشتگان در قرآن و عهدین

در قرآن کریم فرشتگان دارای وظایف بسیاری هستند که هریک از آنها یا گروهی از آنها به کاری موظف می‌باشند. در عهد قدیم و جدید نیز فرشتگان به عنوان کارگزاران خداوند هستند که در رساندن پیام‌های الهی به آدمیان نقش ویژه‌ای داشته و مشیت خداوند را انجام می‌دهند.

بر اساس آیات و روایات، فرشتگان واسطه‌های حضرت حق با عوالم هستی و موجودات آن هستند. خداوند بخشی از امورات عالم هستی را به آنها سپرده است چنان که در آیه ﴿فَالْمُذَبِّبَاتِ أُمَرَا﴾ * نازعات/ ۵.

چنانچه گفته شده، هیچ حادثه‌ای از حوادث و هیچ واقعه‌ای مهم و یا غیر مهم نیست، مگر آنکه ملائکه در آن دخالتی دارند، و یک یا چند فرشته، موکل و مامور آنند، اگر آن حادثه فقط یک جنبه داشته باشد یک فرشته، و اگر چند جنبه داشته باشد چند ملک موکل برآند. و دخالتی که دارند تنها و تنها این است که امر الهی را در مجرایش به جریان اندازند، و آن را در

۱. زن در آینه جلال و جمال، ص ۹۳

مسیرش قرار دهند، هم چنان که قرآن در این باره فرموده: ﴿لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهٖ يَعْمَلُونَ﴾* انبیاء/۲۷.^۱

مجموع آیات و روایات در خصوص فرشتگان، دلالت دارد بر اینکه واسطه فیض بودن ملائکه، تنها اختصاص به عالم مادی و دنیا ندارد؛ بلکه این وساطت در عالم برزخ و در قیامت نیز هست. خداوند متعال خواست و مشیت خویش را در عوالم دیگر نیز به وساطت فرشتگان محقق می‌سازد. برای مثال در جهنم از وجود فرشتگان «غَلَاظ و شَدَاد» تحریم/۶ یاد شده و در بهشت نیز فرشتگانی وجود دارند که به مؤمنان درود می‌فرستند. زمر/۷۳ و دسته ای به استقبال آنان می‌روند. انبیاء/۱۰۳

لذا هر فعلی از ملائکه صادر شود اولاً و بالذات از طرف خداست، ولی ثانیاً و بالعرض منتسب به فرشتگان است، از این رو فرشتگان نیز هرگز خود را معاون و شریک در کار خدا نمی‌دانند، بلکه همه به امر تکوینی و افاضه حق در تدبیر امور عالم کار می‌کنند.^۲

در عهد قدیم نیز اینطور بیان شده که فرشتگان واسطه خدا در روی زمین هستند چنان که لوط و خانواده‌اش را از عذابی قرار بود نازل شود نجات می‌دهند. (پیدایش، ۱۹: ۱-۳؛ ۱۹: ۱۳-۱۲) و در سفر پیدایش از فرشتگان با نام لشکر خدا یاد شده است. (پیدایش، ۳۲: ۱-۲)

در خروج بنی اسرائیل از مصر فرشته‌ها پیشاپیش آنها حرکت کرده و آنها را راهنمایی می‌کند. (خروج، ۱۴: ۱۹؛ ۲۳: ۲۰-۲۳؛ ۳۲: ۳۴-۳۳)^۴ و در سفر اعداد آمده که وقتی بلعام می‌خواست پیش پادشاه بالاق برود: «خدا از رفتن بلعام خشمناک شد و فرشته‌ای به سر راهش فرستاد تا راه را بر او ببندد» (اعداد، ۲۲: ۲۲)

۱. طباطبایی، محمد حسین، پیشین، ج ۱۷، ص ۱۳

۲. رجالی تهرانی، علی رضا، پیشین، ص ۸۲

۳. رک به اعداد، ۲۰: ۱۶

۴. همچنین رک به خروج، ۳۳: ۲

در کتاب زکریّا در رؤیای اسبها آمده، فرشته ای همراه با یاران زیادی به روی زمین آمده و وضعیت زمین را از لحاظ صلح و آرامش به خدا گزارش می کنند. (زکریّا، ۱: ۱۲-۸)

در عهد جدید نیز فرشتگان واسطه‌هایی بین خداوند و این عالم محسوس هستند که اوامر خداوند متعال را در زمین اجرا می کنند.

گفته شده، فرشتگانند که چه در زمان پیش از شریعت و چه در هنگام شریعت، نیاکان محترم ما را به سوی حقیقت الهی رهنمون گشتند^۱: « شما عمداً با خدا و احکام او مخالفت می کنید با اینکه این احکام را فرشتگان خدا به دست شما سپردند » (اعمال رسولان، ۷: ۵۳). و همچنین آمده، خداوند شریعت خود را توسط فرشتگان به انسان بیان می کند. (غلاطیان، ۳: ۱۹؛ اعمال رسولان، ۷: ۳۸)

قرآن کریم در آیات زیادی اعلام می کند خداوند فرشتگان متعددی به منظور نگهبانی و محافظت بر هر شخص گمارده؛ انسانی نیست مگر اینکه نگهبانی دارد که برایش از جان و روح انسان، در مسیرحق و عدالت و هم چنین از جسم او در مقابل خطرات مختلف حراست میکند. (طارق/۴؛ رعد/۱۱؛ انفطار/۱۰-۱۱؛ ق/۱۷؛ یونس/۲۱)

از آیات کریمه قرآن مجید چنین استفاده می شود که از جمله وظایف فرشتگان این است که به فرمان خداوند متعال انسانها را در بعضی مواقع حفظ می کنند، تا این که قضای حتمی و قطعی الهی فرا رسد، چنان که می فرماید: ﴿ وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ ﴾ * انعام/۶۱.

در عهد قدیم نیز خداوند گروهی از فرشتگان را مأمور نگهداری و نجات دهنده انسان از خطرات و حوادث قرار داده است.

فرشته‌ها انسان را از هر بدی محفوظ می دارند. (پیدایش، ۴۸: ۱۶)؛ « فرشته خداوند دور آنانی که از خداوند می ترسند و او را گرمی می دارند حلقه می زنند و ایشان را از خطر حفظ

۱. ماسون، دنیز، پیشین، ص ۲۱۴

می‌کنند» (مزامیر، ۳۴: ۷) و نیز آمده، «او به فرشتگان خود دستور می‌دهد تا به هر راهی که بروی، از تو کنند. آنها تو را روی دست خود خواهند گرفت تا پایت به سنگ نخورد» (مزامیر، ۹۱: ۱۱-۱۳).

محافظت فرشتگان از دانیال نبی (دانیال، ۶: ۲۰-۲۲) و همچنین محافظت فرشتگان از کسانی که به خدا توکل می‌کنند. (دانیال، ۳: ۲۸)

در عهد جدید نیز خداوند گروهی از فرشتگان را مأمور نگهداری و نجات دهنده انسان از خطرات و حوادث قرار داده است. (متی، ۱۸: ۱۰؛ ۴: ۵-۶؛ ۲۶: ۵۳؛ مرقس، ۱: ۱۲ و ۱۳؛ لوقا، ۴: ۹-۱۱؛ اعمال رسولان، ۵: ۱۷-۲۰)

همه فرشتگان فرستادگان خداوندند که هر یک وظیفه‌ای دارند تا با انجام دادن آن، هدایت تکوینی ویژه‌ای را به مورد خاص برسانند؛* (... جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا ...)؛ فاطر/۱.

ملائکه و خداوند مؤمنین را تایید می‌کنند. (احزاب/۴۳) خدا و ملائکه بر پیامبر(ص) درود و صلوات می‌فرستند. (احزاب/۵۶) پس درود فرستادن فرشتگان بر مومنان همان ایفای رسالت هدایت آنان است. و اینکه وظیفه فرشتگان آوردن رحمت ویژه است. (فصلت/۳۰) که در راهبایی و مقصد شناسی و پیمودن آن سهم به سزایی دارد که همان هدایت تکوینی است در رسالتی بس سودمند در اهتدای انسان‌های متکامل دارند.^۱

در عهد قدیم نیز آمده، فرشتگان انسان را از آنچه بدان آگاهی ندارند، راهنمایی می‌کنند. (پیدایش، ۳۱: ۱۱-۱۲) و در عهد جدید آمده است که: «فرشته‌ها فقط روح‌هایی خدمتگذار هستند، و برای کمک و مراقبت از کسانی فرستاده می‌شوند که مایلند نجات الهی را دریافت نمایند». (عبرانیان ۱: ۱۴)

در قرآن کریم یکی دیگر از وظایف فرشتگان، ثبت تمام اعمال بندگان است. بدون شک خداوند قبل از هر کس، و بهتر از هر کس، شاهد و ناظر اعمال آدمی است، ولی

۱. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم (هدایت در قرآن)، پیشین، ص ۸۴

برای تاکید بیشتر و احساس مسئولیت فزونتر مراقبان زیادی گمارده است که یک گروه از آنها همین فرشتگانند چنان که می‌فرماید: ﴿وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ كِرَامًا كَاتِبِينَ يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ﴾ (انفطار/ ۱۰-۱۲).

اعمال انسان غیر از طریق یادآوری خود صاحب عمل، از طریقی دیگر نیز محفوظ است، و آن محفوظ بودن اعمال با نوشتن فرشتگان نویسنده اعمال است، که در طول زندگی هر انسانی موکل بر او هستند، و بر معیار آن اعمال پاداش و کیفر می‌بینند، هم چنان که فرمود: ﴿وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَشْهُورًا أَفْرَأَ كِتَابِكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا﴾ (اسراء/ ۱۳-۱۴).

علاوه بر احاطه علمی خداوند به ظاهر و باطن انسان، دو فرشته نیز مامور حفظ و نگاهداری حساب اعمال اویند که از طرف راست و چپ از او مراقبت می‌کنند. (ق/ ۱۸-۱۷)

در عهد قدیم نیز فرشتگان از اعمال انسان آگاه بوده و آن را ثبت و ضبط می‌کنند. (دوم سموئیل، ۱۴: ۱۷؛ دوم سموئیل، ۱۴: ۲۰)

چنانچه در قسمت ویژگی‌ها و وظایف فرشتگان در عهد جدید ذکر شد هر کس فرشتگانی در نزد خداوند دارد که از اعمال او باخبر بوده و به اذن خداوند او را از حوادث و بلاها مواظبت می‌کنند. (متی ۱۸: ۱۰؛ عبرانیان ۱: ۱۴)

با سیری در آیات کریمه قرآن مجید با این مطلب مواجه می‌شویم که قبض ارواح گاهی به خدا نسبت داده شده، گاهی به ملک الموت (عزرائیل) و گاهی نیز به فرشتگان مرگ. ۱- ﴿اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا﴾ * زمر/ ۴۲

۲- ﴿قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ﴾ * سجده/ ۱۱

۳- ﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ﴾ * انعام/ ۶۱

کمی دقت در آیات فوق، نشان می‌دهد که هیچ گونه تضادی در میان آنها نیست ؛ زیرا قبض کننده اصلی ذات پاک خداست، آن گاه در عالم اسباب فرشته مرگ، یعنی

عزرائیل مجری این فرمان است و او نیز به وسیله گروهی از فرشتگان و رسولان الهی این ماموریت را انجام می دهد.

در عهدین نیز گروهی از فرشتگان کارشان نابود کردن و میراندن آدم‌هاست. (پیدایش، ۱۹: ۱۲-۱۳؛ دوم پادشاهان، ۱۹: ۳۵^۱؛ اول تواریخ، ۲۱: ۱۴-۱۵ و ۳۰-۲۱؛ دوم سموئیل، ۲۴: ۱۵-۱۶؛ اعمال رسولان، ۱۲: ۲۳) و اینکه فرشتگان طبق فرمان خداوند جان انسانها را می گیرند.

۴-۵. بررسی نقش فرشتگان در سعادت انسان در قرآن و عهدین

انسان موجود مختاری است که سعادت و شقاوتش را با اراده و تصمیم خود می سازد. (رعد/۱۱؛ دهر/۳؛ کهف/۲۹)

قرآن شرط یقین و فلاح را ایمان به غیب می داند. بقره/۳-۷؛ ایمان به ملائکه یعنی تصدیق و باور قاطع و قوی به اینکه ملائکه از جمله مخلوقات خدایند و از دستورات خدا سرپیچی نمی کنند و هرامری که به آنها ابلاغ شود بی درنگ انجام می دهند. (انبیاء/ ۲۷)

در آیات قرآن کریم ، ایمان به فرشتگان به قدری اهمیت دارد که در ردیف ایمان به خداوند و نبوت و روز قیامت و کتب آسمانی شمرده شده است. (بقره/۲۸۵؛ بقره/۱۷۷) همان گونه که انکار خدا موجب کفر می شود، انکار فرشتگان و حتی فرشته ای از فرشتگان خدا نیز مساوی با کفر خواهد بود. (بقره/۹۸؛ نساء/ ۱۳۶)

عده ای گمراه عقیده داشتند که هر چه را می بینیم وجود دارد و تا خدا و فرشتگان را نبینیم ایمان نمی آوریم. در جوابشان آمد که خدا دیدنی نیست، اما فرشتگان را روزی خواهید دید. (فرقان/۲۲)

ایمان به فرشتگان تأثیر مهمی در زندگی روز مره انسان دارد، اگر دانست که فرشتگانی مأمور بر او هستند و شب و روز از او نگهداری می کنند، در اینحال احتیاط می کند تا اینکه

۱. همچنین نگاه کنید به دوم تواریخ، ۳۲: ۲۱؛ اشعیا، ۳۷: ۳۶

چیزی بر او نوشته شود. انسان در هر جا که باشد فرشتگان با او همراهند. خداوند عز وجل به آنان این قدرت را داده تا هر جائیکه خداوند به آنها فرمان دهد برسند، به همین خاطر خداوند می‌فرماید: ﴿وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ كِرَامًا كَاتِبِينَ يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ﴾ * انفطار/۱۰-۱۲.

در عهد قدیم نیز با توجه به ویژگیها و وظایفی که به فرشتگان نسبت داده شده انسان می‌تواند با اعتقاد به جود فرشتگان و حضور آنها در تمام لحظات زندگی‌اش، سعادت دنیا و آخرت خود را تضمین کند.

فرشتگان به فرمان خداوند از مظلومان حمایت کرده و آنها را در برابر دشمنانشان محافظت می‌کنند. (پیدایش، ۱۹: ۱۲-۱۳) و اطاعت از فرشتگان سعادت انسان را تضمین می‌کند. (خروج، ۲۳: ۲۰-۲۳)^۱

در عهد جدید آمده است که ایمان یعنی یقین داشتن به آنچه اعتقاد داریم، هر چند قادر به دیدنش نمی‌باشیم. (عبرانیان، ۱۱: ۱) و درباره ایمان به فرشتگان آمده است: «هیچگاه این بچه‌های کوچک را تحقیر نکنید، چون آنها در آسمان فرشتگانی دارند که همیشه در پیشگاه پدر آسمانی من حاضر می‌شوند». (متی ۱۸: ۱۰)

و نیز آمده، «فرشته‌ها فقط روح‌هایی خدمتگذار هستند، و برای کمک و مراقبت از کسانی فرستاده می‌شوند که مایلند نجات الهی را دریافت نمایند». (عبرانیان ۱: ۱۴)

بدین ترتیب اگر انسان به جود فرشتگان اعتقاد داشته باشد و حضور آنان در تمام لحظات زندگی‌اش حس کند باعث می‌شود که از اعمال و کردار خود مواظبت کرده و گناه نکند در نتیجه چنین شخصی در زندگی دنیا و آخرت سعادتمند خواهد شد.

فرشتگان در اوقات حساس زندگی انسان، یعنی در انتخاب اعمال خوب و زشت که سعادت و شقاوت را به دنبال دارد، او را تذکر می‌دهند و به کردار

۱. رک به اعداد، ۲۰: ۱۶

نیک رهنمون می‌شوند و تشویق می‌کنند؛ و از عمل زشت باز می‌دارند و بر عواقب وخیم آن هشدار می‌دهند.^۱

فرشتگان اسبابی الهی و عوامل اساسی در تربیت انسان و یاورانی نیکو در راه رسیدن آدمی به خیر و کمال و سعادت حقیقی‌اند. انسان مسجود فرشتگان است و همه آنان مأمور یآوری انسان در جهت سیر به سوی کمال مطلقند. خدای سبحان از زبان فرشتگان این حقیقت را اعلام فرموده است: ﴿نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ﴾ * فصلت/ ۳۱.

فرشتگان موکلان امور و متولیان زندگی آدمیانند و واسطه فیض رسانی و رحمت و برکت و کرامت خداوند بر انسانند. آنان نگهبان آدمیان به سوی خیر و کمالند و هر که خود را تحت ولایت الهی قرار دهد از یاری آنان بهره‌مند می‌شود.^۲

یاری و همراهی فرشتگان بر اساس نسبتی طولی با آدمیان سنتی است الهی در جهت سیر دادن همگان به خیر و کمال سعادت. ابلیس و سپاهیانش یعنی شیاطین جن و یاورانشان در مقابل خیر و کمال و سعادت انسان صف بسته‌اند و نقشی مهم - به نحو اقتضا و نه علت تامه - در تربیت آدمی - در جهت مثبت و منفی - دارند.^۳

همه فرشتگان فرستادگان خداوندند که هر یک وظیفه‌ای دارند تا با انجام دادن آن، هدایت تکوینی ویژه‌ای را به مورد خاص برسانند؛ ﴿... جَاعِلِ الْمَلَائِكَةَ رُسُلًا ...﴾ * فاطر/ ۱.

ملائکه و خداوند مؤمنین را تایید می‌کنند: احزاب/ ۴۳. خدا و ملائکه بر پیامبر(ص) درود و صلوات می‌فرستند: احزاب/ ۵۶؛ درود فرستادن فرشتگان بر مومنان همان ایفای رسالت هدایت آنان است.

۱. رجالی تهرانی، علی رضا، پیشین، ص ۹۲

۲. دلشاد تهرانی، مصطفی، پیشین، ص ۸۱

۳. همان

پس وظیفه فرشتگان آوردن رحمت ویژه است (فصلت/۳۰)؛ که در راهیابی و مقصد شناسی و پیمودن آن سهم به سزایی دارد که همان هدایت تکوینی است در رسالتی بس سودمند در اهتدای انسان های متکامل دارند.^۱

در عهد قدیم نیز آمده، فرشتگان انسان را در امور زندگی راهنمایی می کنند. (پیدایش، ۱۱-۱۲) و کسانی که در زندگی خود به خداوند توکل کرده باشد خداوند فرشتگان خود را مأمور می کند تا آنها در برابر مشکلات یاری کرده و نجات دهند. (دانیال، ۳: ۲۸)

دخالت فرشتگان در زندگی رؤسای قوم عهد عتیق، فراوان است. چنان که می بینیم فرشتگان ابراهیم، لوط، یعقوب، بلعام، مانوح، ایلّیا، دانیال و زکریّا را هدایت می کردند؛ آگاهشان می نمودند و یا تسلیشان می دادند.^۲

و در عهد جدید نیز آمده است که: « فرشته ها فقط روح هایی خدمتگذار هستند، و برای کمک و مراقبت از کسانی فرستاده می شوند که مایلند نجات الهی را دریافت نمایند». (عبرانیان ۱: ۱۴)

درباره شفاعت فرشتگان خداوند در قرآن کریم می فرماید: ﴿ وَ كَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَى ﴾ (نجم/۲۶)؛ « و بسا فرشتگانی که در آسمانهایند [و] شفاعتشان به کاری نیاید، مگر پس از آنکه خدا به هر که خواهد و خشنود باشد اذن دهد».

این آیه به روشنی از امکان شفاعت به وسیله فرشتگان خبر می دهد، جایی که آنها حق شفاعت به اذن و رضای خدا داشته باشند.

۱ . جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم (هدایت در قرآن)، پیشین، ص ۸۴

۲ . ابراهیم: پیدایش ۱۸: ۲ و غیره؛ هود ۶۹ و عنکبوت ۳۱؛ هاجر: پیدایش ۲۱: ۷؛ لوط: پیدایش ۱۹: ۱؛ هود ۷۷ و عنکبوت ۳۳؛ یعقوب: پیدایش ۲۸: ۱۲ و ۳۲: ۲؛ مانوح (پدر سامسون): داوران ۱۳؛ ایلّیا، کتاب اول پادشاهان ۱۹: ۷-۵؛ دانیال: دانیال ۶: ۲۲ و غیره؛ زکریّا (نبی): زکریّا ۱: ۹ و غیره .

در حدیثی از رسول بزرگوار (ص) آمده است: «الشَّفَاعَةُ لِلنَّبِيِّ وَالْأَوْصِيَاءِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةِ»: شفاعت اختصاص دارد به پیامبران و اوصیاء و مؤمنان و فرشتگان.^۱

ولی نباید فراموش کرد که آیه فوق با صراحت می‌گوید: این شفاعت بی قید و شرط نیست، بلکه مشروط به اذن و رضای خدا است.

در عهد قدیم نیز فرشتگان در پیشگاه خداوند برای انسانها استغفار و شفاعت می‌کنند. (ایوب، ۳۳: ۲۳-۲۵) ولی در عهد جدید درباره شفاعت فرشتگان چیزی نیامده است.

پس اعتقاد به وجود فرشتگان و شفاعت آنان، آرامش روحی و روانی برای انسان در زندگی به دنبال دارد. چون می‌داند که فرشتگان از او مراقبت و حمایت می‌کنند و همراه او در پیشگاه خداوند سجده کرده و از خداوند برای آنها طلب شفاعت می‌کنند.

نتیجه گیری

ممکن است اختلافاتی در معارف و شرح اعتقادی مرتبط با فرشتگان وجود داشته باشد، اما اعتقاد اصلی بین یهودیت، مسیحیت و اسلام مشترک است.

کنجکاوی انسان درباره منشأ فرشتگان در خلقت در عهدین نیز اقناع شده است. درست همانطور که انسانها از خاک و روح آفریده شدند، (پیدایش، ۲: ۷) همچنین فرشتگان از روح و آتش آفریده شدند. (عبرانیان ۱: ۷ مقایسه شود با مزمور ۱۰۴: ۴ و عبرانیان، ۱: ۱۴) در اعتقاد صحیح اسلامی ملائک خلقت نوری دارند.

در عهدین در اثر تحریفات مفاهیم جداگانه روح، جن، فرشته در بسیاری از موارد مخلوط شده‌اند. و از وجود فرشتگان نیکو و شریر سخن می‌گوید. در حال که طبق آیات قرآن کریم همه فرشتگان خوب بوده و می‌فرماید شیطان از نسل جنّ بوده است.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید ملائکه غذا نمی‌خورند. (هود/۶۹-۷۰) ولی در باب هجدهم و نوزدهم سفر تکوین تورات آمده است که فرشتگان غذا می‌خورند. و این خود دلیل بر تحریف تورات است.

قرآن کریم و عهد جدید انسان را برتر از فرشتگان معرفی می‌کند. ولی عهد قدیم مقام او را پایین تر از فرشته‌ها می‌داند.

در بسیاری از عبارات تورات از فرشتگان تعبیر به «خدایان» می‌کند که تعبیری است شرک‌آلود، و از نشانه‌های تحریف تورات کنونی است، ولی قرآن مجید از این گونه تعبیرات پاک و منزّه است، چرا که برای آنها مقامی جز بندگی و عبادت و اجرای فرمانهای الهی قائل نشده است و حتی چنان که از آیات مختلف قرآن بر می‌آید که مقام انسان کامل از فرشتگان والاتر و بالاتر است.

در بین ملائکه الله، چهار ملک وجود دارند که در پیشگاه الهی قرب خاصی دارند آنها عبارتند از: جبرئیل، میکائیل، اسرافیل و عزرائیل. در کتاب مقدس نیز اصناف مختلفی از فرشتگان وجود دارد. ولی در بین آنها به دو فرشته ارشد (Archangel) و مقرب اشاره شده است: جبرئیل و میکائیل.

در رساله یهودا از عهد جدید میخائیل، رئیس فرشتگان معرفی شده است. (یهودا: ۹) و این درست نیست؛ زیرا فقط در باره جبرئیل آمده* (ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ مُطَاعٍ ثُمَّ أَمِينٍ) *تکویر/۲۰-۲۱ لفظ مطاع نشان می‌دهد که میکائیل در اطاعت جبرئیل است.

مشخصه‌ی اصلی اعتقاد اسلامی درباره‌ی فرشتگان به نقش آنها در وحی کتب به انبیا ارتباط دارد. عهدین این اعتقاد اسلامی را که فرشتگان اساساً موجودات متفاوتی از انسانها و مخلوقات جداگانه هستند، را منعکس می‌سازد. عقیده‌ی اسلامی خجالت کشیدن از حضور

فرشتگان، و نتیجتاً اجتناب از رفتار بد نیز عهدینی می‌باشد. عمل سجده‌ی فرشتگان هم اسلامی و هم عهدینی است. حمل اربابه‌ی خدا بنا بر عهدین، بسیار شبیه به عقیده‌ی اسلامی حمل عرش خداست. به طور کلی عبارات عهدینی مربوط به فرشتگان کاملاً، در محدوده‌ی باورهای اسلامی می‌باشد.

طبق دیدگاه صریح قرآن، فرشتگان، مخلوقاتی دارای عصمتند که از هرگونه لغزش و خطا مبرا هستند و بدون کوچکترین خسران و لغزشی به عبادت و اطاعت از فرامین خداوند متعال مشغولند. ما بر این باور قوی هستیم که در صورت لغزش فرشتگان و عدم عصمت آن‌ها، مقوله پیامبری و رسالت با مشکل مواجه خواهد شد. زیرا در این صورت دیگر نمی‌توان به وحی‌ای که جبرئیل حامل آن است، اعتماد کافی داشت. ولی عهد قدیم فرشتگان را معصوم نمی‌داند.

مهم‌ترین کارهای آنان از نظر قرآن و عهدین عبارتند از: عبادت، ستایش و خدمت به خداوند و اراده اوست. علاوه بر این عملکرد، آنها گاهی در راستای خواسته خداوند، در کارهای بشر مداخله می‌کنند؛ مانند پاداش دادن به مؤمنان، جزا دادن ستمگران، نجات دادن ضعیفان و خراب کردن و از بین بردن شرور که با بی‌انصافی هم‌نوعان خویش را می‌آزارند. همچنین فرشتگان در روز قیامت نیز نقش فعالی دارند.

قرآن کریم بیشترین تأکید را بر ایمان به فرشتگان دارد. و ایمان به فرشتگان را در ردیف ایمان به خداوند و نبوت و روز قیامت و کتب آسمانی شمرده شده است. و انکار فرشتگان را مساوی با کفر می‌داند.

پس اعتقاد به جود فرشتگان و حضور آنان در تمام لحظات زندگی بشر باعث می‌شود که انسان از اعمال و کردار خود مواظبت کرده و گناه نکند در نتیجه چنین شخصی در زندگی دنیا و آخرت سعادت‌مند خواهد شد.

• جدول (اشتراکات و اختلافات قرآن و عهدین درباره فرشتگان)

ردیف	عهد قدیم	عهد جدید	قرآن	نتیجه
۱	فرشتگان موجودی مجرد بوده و ازدواج نمی‌کنند	فرشتگان مذکر و مونث ندارند و ازدواج نمی‌کنند	فرشتگان مذکر و مونث ندارند	مشترک
۲	فرشتگان، فاقد جسم مادی هستند و از آنها به بادهای و یا شعله‌های آتش تشبیه شده است	فرشتگان، فاقد جسم مادی هستند و از آنها به بادهای و یا روح‌ها تشبیه شده است	ملائکه موجوداتی مجرد و غیر مادی	مشترک
۳	فرشتگان غذا می‌خورند	فرشتگان غذا نمی‌خورند	ملائکه غذا نمی‌خورند	مشترک بودن قرآن با عهد جدید و مخالفت آنها با عهد قدیم
۴	فرشتگان غالباً خودشان را بر انسان‌ها به شکل جسمانی ظاهر کرده‌اند	فرشتگان غالباً خودشان را بر انسان‌ها به شکل جسمانی ظاهر کرده‌اند	تمثل فرشتگان به شکل انسان	مخالف بودن قرآن با عهدین
۵	بعضی از فرشتگان شریر هستند	بعضی از فرشتگان شریر هستند	همه فرشتگان خوب هستند	مخالف بودن قرآن با عهدین
۶	برتری فرشتگان بر انسان	برتری انسان بر فرشتگان	برتری انسان بر فرشتگان	مشترک بودن قرآن با عهد جدید و مخالفت آنها با عهد قدیم

۷	وجود ملائکه مقرب در پیشگاه الهی(جبرئیل، میکائیل)	وجود ملائکه مقرب در پیشگاه الهی(جبرئیل، میکائیل)	وجود ملائکه مقرب در پیشگاه الهی(جبرئیل، میکائیل، اسرافیل و عزرائیل)	مشترک
۸	عبادت فرشتگان	عبادت فرشتگان	عبادت فرشتگان	مشترک
۹	عدم عصمت فرشتگان	عصمت فرشتگان(خوب)	عصمت فرشتگان	مشترک بودن قرآن با عهد جدید و مخالفت آنها با عهد قدیم
۱۰	وجود فرشتگان حامل عرش	ندارد	وجود فرشتگان حامل عرش	مشترک بودن قرآن با عهد قدیم
۱۱	تولی و تبرّی فرشتگان	تولی و تبرّی فرشتگان	تولی و تبرّی فرشتگان	مشترک
۱۲	فرشته‌ها کارگزاران خداوندی	فرشته‌ها کارگزاران خداوندی	فرشته‌ها کارگزاران خداوندی	مشترک
۱۳	واسطه فیض الهی بر انسان	واسطه فیض الهی بر انسان	واسطه فیض الهی بر انسان	مشترک
۱۴	فرشتگان محافظ انسان	فرشتگان محافظ انسان	فرشتگان محافظ انسان	مشترک
۱۵	فرشتگان راهنمای انسان	فرشتگان راهنمای انسان	فرشتگان راهنمای انسان	مشترک
۱۶	فرشتگان کاتب اعمال انسان	فرشتگان کاتب اعمال انسان	فرشتگان کاتب اعمال انسان	مشترک
۱۷	ضرورت ایمان به فرشتگان	ضرورت ایمان به فرشتگان	ایمان به فرشتگان در ردیف	مشترک) تأکید بیشتر

			ایمان به خداوند، نبوت، روز قیامت و کتب آسمانی شمرده شده است	قرآن کریم بر ایمان به فرشتگان)
۱۸	شفاعت فرشتگان برای انسان	شفاعت فرشتگان برای انسان	شفاعت فرشتگان برای انسان	مشترک

منابع

۱. قرآن، ترجمه فولادوند
۲. عهدین، ترجمه تفسیری
۳. آریانپور، عباس، فرهنگ کامل جدید انگلیسی، تهران، امیر کبیر، ۱۹۹۶م
۴. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چ ۴، ۱۳۶۷، ج ۲
۵. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چ ۴، ۱۳۶۷، ج ۲
۶. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۲، ۱۴۱۳ق، ج ۱
۷. ابن بابویه، محمد بن علی، توحید، بیروت، دارالمعرفه، بی تا
۸. ابن بابویه، محمد بن علی، خصال، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲، ج ۱
۹. ابن بابویه، محمد بن علی، سفینه البحار و مدینه الحکم و الاثار، مشهد، بنیاد پژوهش های نوین، ۱۳۷۴، چ ۲
۱۰. ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرائع، قم، کتاب فروشی داوری، ۱۳۸۵، ج ۱
۱۱. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸ه.ق، ج ۱
۱۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف القعول؛ محقق و مصحح: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، چ دوم، ۱۳۶۳
۱۳. ابن میمون اندلسی، موسی، دلالة الحائرین و هداية المضلین، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۰
۱۴. ارنست هیوم، رابرت، ادیان زنده جهان، مترجم: عبد الرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۹
۱۵. الیاده، میرچا، دایره المعارف ادیان، شعبه لندن، کمپانی مکِ ملیان در نیویورک. ۱۹۸۷م
۱۶. الأميرکائی، قس جیمس انس؛ نظام التعمیم فی علم اللاهوت القویم؛ مطبعة الأميرکان، ۱۸۸۸م، ج ۱
۱۷. انصاریان، حسین، دیار عاشقان: تفسیر جامع صحیفه سجادیه، تهران، پیام آزادی، ۱۳۶۹، ج ۳
۱۸. بحرانی، هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق، ج ۲

۱۹. برنهام، سوفی، فرشتگان: ترجمه دامغانی - فریده، تهران، پیکان، ۱۳۷۷
۲۰. بوکای، موریس، عهدین قرآن و علم، مترجم: حسن حسینی انتشارات حسینییه ارشاد، بی جا، بی تا
۲۱. تنی، مریل.سی، معرفی عهد جدید، ترجمه میکائیلیان، تهران، حیات ابدی، ۱۳۶۳
۲۲. تیسن، هنری؛ الهیات مسیحی؛ ترجمه ط. میکائیلیان، انتشارات حیات ابدی، بی تا
۲۳. جعفری، محمد تقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸، ج ۲
۲۴. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، قم، اسراء، چاپ اول، ۱۳۸۵
۲۵. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم (هدایت در قرآن)، قم، اسراء، چ اول، ۱۳۸۳
۲۶. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی (صورت و سیرت انسان در قرآن)، قم، اسراء، چ ۵، ۱۳۸۶، ج ۱۶
۲۷. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی (قرآن در قرآن)، قم، اسراء، چاپ ۹، ۱۳۸۹، ج ۱
۲۸. جوادی آملی، عبدالله، زن در آیینه جلال و جمال، قم، اسراء، چ ۲۲، ۱۳۹۰
۲۹. حجتی، محمد باقر، پژوهشی در تاریخ قرآن، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۰
۳۰. حسن زاده آملی، حسن نصوص الحکم بر فصوص الحکم، نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۵
۳۱. حسینی طهرانی، محمد حسین، معاد شناسی، تهران، نشر اسلامی، ۱۳۷۱، ج ۳
۳۲. حسینی طهرانی، محمد حسین، مهر تابان، مشهد، نشر علامه طباطبایی، چاپ پنجم، ۱۴۲۳، ق ۵
۳۳. حسینی طهرانی، محمد حسین، نور ملکوت قرآن، مشهد، علامه طباطبایی، ۱۴۱۰، ق ۵، ج ۲
۳۴. حسینی همدانی، سید محمد حسین، انوار درخشان، تهران، کتابفروشی لطفی، ۱۴۰۴، ق ۱۶، ج ۱۶
۳۵. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴، ق ۶، ج ۶
۳۶. حمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، مکتب اعلام اسلامی، ۱۳۶۲، ج ۹
۳۷. خرمشاهی، بهاءالدین، قرآن پژوهی (هفتاد بحث و تحقیق قرآنی)، تهران، انتشارات ناهید، ۱۳۷۶
۳۸. خمینی، روح الله، مصباح الهدایه الی الخلافه و الولایه، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۷۲
۳۹. دایرة المعارف کتاب مقدس، ترجمه و تألیف: بهرام محمدیان ... (و دیگران)، تهران، روزنو، ۱۳۸۰
۴۰. دلشاد تهرانی، مصطفی، منظر مهر (مبانی تربیت در نهج البلاغه)، تهران، دریا، ۱۳۷۹

۴۱. راغب اصفهانی، حسین ابن محمد، المفردات فی الفاظ القرآن الکریم، بیروت، دارالعلم، چ اول، ۱۴۱۲هـ.ق
۴۲. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، تهران، امیر کبیر، چاپ نهم، ۱۳۸۹
۴۳. رجالی تهرانی، علی رضا، فرشتگان و تحقیقی قرآنی، روایی و عقلی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸
۴۴. رضائی، محمد، واژه های قرآن، ترجمه فارسی، تهران، انتشارات مفید، چاپ دوم، ۱۳۸۶
۴۵. سبحانی، جعفر، منشور جاوید، قم، مؤسسه امام صادق(ع)، چاپ اول، ۱۳۸۳، ج ۱۴
۴۶. شجاعی، محمد، ملائکه، قم، وثوق، چاپ سوم، ۱۳۸۵
۴۷. شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه(صبحی صالح)، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ق
۴۸. صالح بن فوزان الفوزان، ایمان به فرشتگان و تأثیر آن در زندگی امت اسلام، ترجمه: ابو عبدالله اسحاق بن عبدالله بن محمد الدبیری)، ریاض، ۱۴۲۱ق
۴۹. صلواتی، محمود، نقش ملائکه در سازمان دهی و حرکت جهان، تهران، سیما، بی تا
۵۰. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: محمد باقر موسوی همدانی، قم، حوزه علمیه، ۱۳۷۴
۵۱. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، تهران، دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷
۵۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲
۵۳. طیب، عبدالحسین، أطيّب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، اسلام، ۱۳۷۸، ج ۱۱
۵۴. عبدالباقی، محمد فؤاد، المعجم المفهرس لأفأاظ القرآن الکریم، قاهره، دارالکتب المصریه، ۱۳۶۴هـ.ش
۵۵. عبدی، حمزه، سعادت و شادکامی از دیدگاه اسلام، قم، دارالحدیث، ۱۳۹۱
۵۶. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، نور الثقلین، قم، اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ح ۲۱
۵۷. علی بن حسین (ع)، صحیفه سجادیه، قم، الهادی، ۱۳۷۶
۵۸. عمید، حسن، فرهنگ فارسی، تهران، امیر کبیر، چاپ ۱۶، ۱۳۶۲
۵۹. فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب (تفسیر کبیر)، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، چ سوم، ۱۴۲۰هـ.ق

۶۰. فیض الاسلام اصفهانی، علی نقی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، تهران، نشر تألیفات فیض الاسلام،

چ پنجم، ۱۳۷۹

۶۱. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ ۱۱، ۱۳۸۳

۶۲. قرشی، علی اکبر، أحسن الحديث، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۷

۶۳. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الإسلامية، چاپ ششم، ۱۳۷۱

۶۴. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان (زریات حضرت معصومه (ع) در قم)، ترجمه: مهدی الهی

قمشه ای، تهران، انتشارات علمی، چ سوم، ۱۳۷۶

۶۵. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، قم، دارالکتاب، چاپ چهارم، ۱۳۶۷

۶۶. کبیر مدنی، علیخان بن احمد، ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین، قم، انتشارات

اسلامی، ۱۴۰۹ ه.ق

۶۷. کميجانی، داود، پژوهشی توصیفی از کتب مقدس، تهران، سازمان چاپ نشر ارشاد، ۱۳۸۴

۶۸. کهن، ابراهام، گنجینه ای از تلمود؛ ترجمه از متن انگلیسی: امیر فریدون گرگانی؛ ترجمه و

تطبیق با متون عبری: یهوشع و نتن الی، تهران، اساطیر، ۱۳۸۲

۶۹. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ ۴، ۱۴۰۷ ه.ق

۷۰. ماسون، دنیز، قرآن و کتاب مقدس: درون مایه های مشترک، مترجم: فاطمه سادات تهامی،

تهران، دفتر پژوهش و نشر سهروردی، ۱۳۷۹، ج ۱

۷۱. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، چاپ دوم،

۱۴۰۳ ق، ج ۵۹

۷۲. محمد کامل حسن المحامی، ملائکه، بیروت، مکتب العالمی، ۱۹۸۸ م

۷۳. مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش فلسفه، تهران، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۸، ج ۲

۷۴. مصباح یزدی، محمد تقی، معارف قرآن، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ه)،

۱۳۹۱

۷۵. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، امیر کبیر، چاپ ۸، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۲۵۱۸

۷۶. مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن (تفسیر موضوعی)، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب، چ

چهارم، ۱۳۷۴، ج ۶

۷۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب اسلامی، ۱۳۷۴

۷۸. مکارم شیرازی، ناصر، زندگی در پرتو اخلاق، قم، انتشارات سرو، چاپ ۸، ۱۳۸۹

۷۹. ملا صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۱م، ج ۸
۸۰. ملاصدرای شیرازی، محمد بن ابراهیم، مفاتیح الغیب، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۱
۸۱. ویر، رابرت (ویراستار کلی)، جهان مذهبی (ادیان در جوامع امروز)، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴ش
۸۲. هاکس، جیمز، قاموس کتاب مقدس، تهران، انتشارات اساطیر، چ اول، ۱۳۷۷

منابع انگلیسی

۸۳. New Catholic encyclopedia, (The Catholic University of America, ۲۰۰۳, ۲nd ed.), v.۰۶, p.۴۰

مقاله

۸۴. خزعلی، مرضیه، بررسی ماهیت فرشتگان از دیدگاه ادیان الهی، فصلنامه علمی-پژوهشی اندیشه نوین دینی، شماره ۱۲، ۱۳۸۷

الملخص:

الملائكة هي قسم من المخلوقات الإلهية التي تتمتع في النظام الكوني بمكانة خاصة و أهمية فائقة. من الموضوعات الهامة في الأديان هي العلاقة بين العالم الطبيعي و العالم ماوراء الطبيعة، و القائم بهذه العلاقة هو الملائكة. أشير في هذه الرسالة بداية إلى مضامين كالملك و السعادة و القرآن و العهد العتيق و العهد الجديد. ثم قيم بتبيين ماهية الملك، مواصفاته، واجباته، و دوره في سعادة الإنسان في القرآن و العهدين ثم في الفصل الأخير قيم بدراسة ما ذكر تطبيقيا. بين القرآن و العهدان كلا قضية الملائكة بشكل مفصل و اعتبروا الملك مخلوقا ماورائيا و حسبوه قائما لله في العالم و موصلا الفيض الرحمانى إلى الناس. تعلق الخصيصه الرئيسية للاعتقاد الإسلامى حول الملائكة إلى دورها في إيصال الوحي إلى الرسل. هناك قرابة بين الموضوعات التي تطرق إليها القرآن و العهدان حول الملائكة منها: سجدة الملائكة و حمل محمل الله و عبادة الله و خدمته. رغم هذا هناك خلط في مواضع كثيرة بين مفاهيم متميزة كالروح و الجن و الملك إثر التحريف. يتحدث العهدان عن الملائكة الأبرار و الأشرار ، في حال أنه وفق التعاليم القرآنية جميع الملائكة من الأبرار، و يقول: كان الشيطان من الجنّ، و أن الإيمان بالملائكة كالإيمان بالله و الرسل و يوم القيامة و الكتب السماوية. قد قيم في هذه الرسالة بأنّ الإيمان بوجود الملائكة و حضورهم في كل أوقات حياة البشر يؤدي إلى الرقابة على الأعمال و التجنب من المعاصي. و الذي يشعر بها يسعد في حياته و آخرته. على الإطلاق يمكن القول بأن القرآن تطرق بشكل أشمل إلى تعريف الملائكة لكن العهدين نظرا إلى التحريفات التي لحقت بهما، فيهما تناقضات عدّة حول نوع الملك و ماهيته.

الكلمات الرئيسية:

العهد القديم، العهد الجديد، القرآن، الملك، السعادة

Abstract

Angels are a group of God's creatures who have special place and importance in the creation system. One of the most important subjects of religions is the relationship between the physical (natural) and metaphysical (supernatural) worlds, that the agents of this relationship are the angels .

This dissertation initially implies the concepts of angel, prosperity, the Qur'an, the Old Testament and the New Testament, then it has been tried to investigate the nature, characteristics, duties, and the role of angels in mankind's prosperity in the Quran and the Testaments. In the final chapter, all mentioned items have been investigated and analyzed comparatively. The Holy Quran and the Testaments have expressed angels widely and consider the angel as a supernatural creature who is the agent and operator of God in the world and the broker of the divine grace for mankind. The principal features of Islamic belief in angel is associated with their role in revelation of the books to the prophets. Many of the matters in the Quran and the Testaments about the angels including: Angels prostration, carrying the chariot of God, worship and serving God are close to each other; however, distinct concepts of Spirits, fairies, and angels in the Testaments are blended due to the distortions. So they talk about good and evil angels, while according to the Quran all angels are good; and it is said that Satan is from the generation of jinn. And belief in angels is along with believing in God, the doomsday, the prophets and the scriptures. This dissertation has also investigated that belief in angles' existence and their presence in all moments of human life makes mankind to be aware of his behaviors and actions and don't do wrong, so such a person will prosper in this world and hereafter.

Generally it can be said that the Quran is more comprehensive in introducing angels. But the testaments have contradictions in the nature of angels because of the distortions over centuries.

Keywords: the Old Testament, the New Testament, the Quran, prosperity, angel.



Ulum-e Qurani university

Faculty of ulum and fonoun qurani -Tehran

**An Ma Thesis on: comparative study of Angels and the in role in the
human prosperity in the Quran and the two testaments**

Presented By

Dr.Davood komijani

Advisor

Masoud hamrang hezan

June ۲۰۱۳